



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

## تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان

رساله ماستری

محصل: نورالدین "نورانی"

استاذ رهنما: دوکتور فصیح الله (عبدالباقي)

1399

سال



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحلیلات عالی

معینیت امور علمی

تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان

رساله ماستری

محصل : نورالدین " نورانی :

استاذ " رهنما" دوکتور فصیح الله (عبدالباقي)

سال.....1399

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

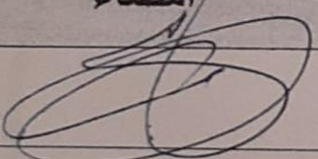

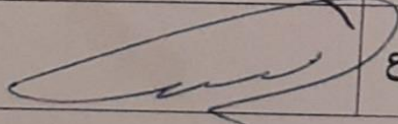
بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم نور الدین ولد نظر محمد ID: SH-MST-97-466 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان به روز پنجشنبه تاریخ ۹ / ۳ / ۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۷۸ (نمره به عدد) هفتاد و هشت (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

معاون علمی

آمر بورد ماستری

## اهداء

بنده پايان نامه تحصيلی مقطع "ماستری" خود را که حاصل زحمات شبانه روزی بنده میباشد اولاً تقدیم میکنم

1- به والدين گرامی و عزيزم که دوری هجران بنده را تحمل کرده و بنده را تشويق نموده اند تا به تحصيلات خود ادامه دهم

2- تقدیم میکنم به همسر عزيز و مهربانم که در این دوران تحصيل زحمات زیادی را همراهی بنده متحمل شده اند و با تشويق های فراوان شان علاقمند این شدم که به تحصيلات خود ادامه دهم .

3- این را تقدیم میکنم به همه استاتذہ بزرگوارم که بنده را همواره چه مستقیم و چه غیر مستقیم در کسب علم و دانش یاری رسانده اند آنانکه فروغ نگاه شان و گرمی کلام شان و شرینی زبان شان سرمایه های زنده گی جاویدان هستند.

4- تقدیم میکنم به کسانیکه الله و کلام الله را توقیر و احترام میکنند.

5- تقدیم به کسانیکه شب هارا برای خدمت قرآن کریم به بی خوابی و روزهارا تشنه سپری میکنند.

6- تقدیم به کسانیکه قرآن را حفظ کرده اند و احکامش را تطبیق میکنند.

7- تقدیم به کسانیکه قرآن را خزانه عقیده؛ و فکر؛ و منهج خود قرار داده اند و میدهند.

8- تقدیم به کسانیکه قرآن را آموخته و به آن عمل میکنند.

9- تقدیم به تمام امت اسلامی.

نورالدین " نورانی "

## سپاس گذاری و تشکری

سپاس فراوان از الله متعال که بنده را تا به این دم توفیق عطا نمود که توانستم (رساله دوره ماستری) خود را به پایان برسانم.

چنانچه الله متعال میفرماید که (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)<sup>1</sup> اگر سپاسگزاری کردید هر آئینه نعمت های خود را برایتان افزایش میدهم و اگر ناسپاسی کردید (شمارا به عذاب دردناکی گرفتار میکنم و ببیدانید که) بی گمان عذاب من بسیار سخت است.

و همچنان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده اند کسیکه شکر و سپاس نیکی های مردم را بجا نیاورد شکر نعمت های بی کران و بی پایان الله منان (جل جلاله) را نیز بجا نیاورد است<sup>2</sup>

پوهنتون سلام درپهلوی دیگر پوهنتون ها درصدد توسعه دانش بوده و هدف مندانانه اهتمام ورزیده است و یکی از اهداف بزرگی این پوهنتون حمایت و به ثمر رساندن تحقیقات و تولیدات علمی است که هر لحظه در پیش برد تحصیلات جوانان و نوجوانان این سرزمین کوشا اند تا توانست که در اثری تلاشهای شبانه روزی خود بخاطری ترقی و پیشرفت جوانان این وطن و اخذ اعتبارنامه علمی خود را از وزارت تحصیلات کشور کسب نمود و این یک جا بسیار افتخار است همه برای پوهنتون و هم برای رؤسا و کارگردانان پوهنتون و هم برای شاگردانیکه افتخاری شاگردی این پوهنتون را کسب کرده اند.

بنا برگفته های فوق جای دارد که از تما دست اندرکاران در امر ایجاد این پوهنتون و به ویژه افرادی که در ایجاد برنامه دوره (ماستری) پوهنهی شریعت زحماتی را متحمل شده اند و می شوند تشکر و سپاس گزاری نمایم

و از همه اساتید دوره ماستری که در جریان دوره ماستری برای مایان یک راهنما و یک الگوه بسیار موفق و پرتلاش بوده اند اظهار سپاس و امتنان نمایم .

و به ویژه به خود لازم می پندارم که از همکاری و رهنمای استاد فرزانه و فاضل محترم دکتور فصیح الله (عبدالباقی) که با تمام مصروفیت ها و مسؤولیتها رهنمایی و اشراف بنده را در تهیه و ترتیب و نگارش این رساله ی (مقطع ماستری) با کمال خلوص و صفاء نیت به عهد گرفتند و از راهنمای های مفید و سودمند علمی خویش برخوردارم ساخته اند جهانی سپاس و قدردانی نمایم.

<sup>1</sup> سوره ابراهیم آیه 7

<sup>2</sup> طبری ابو محمد بن جریر بن یزید: تهذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله صلوات الله علیه وسلم من الأخبار، ج 1 - ص 105 - شماره حدیث 93 تحقیق- محمود محمد شاکر: ناشر- مکتبه الخانجی - القاهرة؛ مطبعة المدنی - 68 شارع العباسیه - القاهرة

در آخر از خداوند (جل جلاله) برای خود و برای کسانی که عمری عزیز خود را در راه قرآن و سنت رسولش (صلی الله علیه وسلم) سپری میکنند توفیق عمل خواهانم. الله منان همه ی ما را مصدر خدمت برای قرآن کریم و سنت رسولش (صلی الله علیه وسلم) بگرداند. آمین یار العالمین

## خلاصه بحث

هدف از این بحث (تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان) میباشد که از خلال بحث علمی علماء و مفسرین و هم چنان هدف از (تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان) واقف شدن و راه یافتن بر هدایات و راهنمایی های قرآن کریم در سوره مبارکه الانسان و استفاده کردن از آنها در حیات مجتمع اسلامی می باشد.

خلاصه اینکه در این بحث دوتنوع روش را اختیار نموده ام

1- منهج وصفی در این منهج در مورد اصطلاحات و مفردات اساسی که تعلق به موضوع دارند بحث صورت گرفته است

2- دوم آنچه که در این مورد بحث؛ و تحقیق و بررسی قرار گرفته است عبارت (از تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان) است که شامل یک مقدمه؛ و سه فصل؛ مباحث؛ و مطالب است؛ مقدمه شامل موضوعات ذیل میباشد

1- بیان اهمیت موضوع و اهداف آن

2- بیان اسباب اختیار موضوع؛

3- بیان پیشینه تحقیق؛

4- بیان خطه و پلان بحث

فصل اول : مشتمل بر دو مبحث است . مبحث اول: مشتمل بر سه مطالب است که در این مبحث روی معرفی سوره؛ فضیلت سوره؛ و مناسبات سوره مبارکه الانسان بحث صورت گرفته است. و مبحث دوم: مشتمل بر سه مطالب میباشد که در این مبحث روی محوری اساسی؛ و مقاصد؛ و ویژه گیهای سوره مبارکه الانسان بحث صورت گرفته است.

فصل دوم : مشتمل بر دو مبحث است؛ مبحث اول: دربرگیرنده شش مقاطع است که در این مبحث روی مقاطع اساسی سوره مبارکه الانسان بحث صورت گرفته است. مبحث دوم: دربرگیرنده ای چهار مقاطع است که در این مبحث روی مقاطع فرعی سوره مبارکه الانسان بحث صورت گرفته است.

در آخر رساله هم به نتیجه گیری؛ فهرست آیات؛ فهرست احادیث؛ و فهرست اعلام، و فهرست مصادر و مراجع پایان یافته است.



## فهرست مطالب

اهداء.....	أ
سپاس گذاری و تشکری.....	ح
فهرست مطالب.....	ذ
مقدمه.....	1
اسباب اختیار موضوع :.....	3
اهمیت موضوع :.....	3
سوالات اصلی تحقیق :.....	4
پیشینه تحقیق :.....	4
روش تحقیق :.....	5
اهداف تحقیق :.....	6
فصل اول : شناخت سوره مبارکه انسان که شامل مباحث ذیل است.....	7
مبحث اول : معرفی سوره وقت نزول سوره ، سبب نزول سوره.....	8
مطلب اول : معرفی سوره مبارکه :.....	8
الف : اسماء و نامهای سوره مبارکه.....	8
ب : مکی و مدنی بودن سوره مبارکه الانسان ......	9
مطلب دوم : وقت نزول سوره مبارکه الانسان سبب نزول سوره فضیلت سور مبارک.....	11
الف : وقت نزول.....	11
ب : ترتیب سوره.....	11
ج : سبب نزول سوره مبارکه الانسان :.....	11
د : فضیلت و جایگاه سوره مبارکه الانسان :.....	13
مطلب سوم : مناسبات سوره مبارکه الانسان :.....	15
الف : مناسبت سوره الانسان با سوره ماقبل و سوه مابعد آن :.....	15
ب : مناسبت بین اسم سوره و محور سوره مبارکه الانسان :.....	18
ج : مناسبت بین مضمون سوره الانسان و مضمون سوره ماقبل (قیامت).....	18
د : مناسبت بین موضوعات سوره مبارکه و محور سوره مبارکه الانسان.....	18

- و : مناسبت بين موضوعات و مقاطع سوره مبارکه الا نسان با یکدیگر شان ..... 19
- ه : مناسبت بين آغاز و افتتاح سوره با ختم و اختتام سوره مبارکه الا نسان : ..... 19
- مبحث دوم : بيان محور اساسی سوره ، و مقاصد سوره ، و خصائص سوره مبارکه ..... 20
- مطلب اول : محور اساسی سوره مبارکه : ..... 20
- مطلب دوم : مقاصد و اهداف سوره مبارکه الا نسان : ..... 20
- مطلب سوم : خصائص و امتیازات ، ویژه گی های سوره مبارک الا نسان : ..... 21
- فصل دوم : مقاطع سوره مبارکه الا نسان ..... 22
- مبحث اول: مقاطع اساسی سوره مبارکه ..... 22
- مبحث دوم: مقاطع فرعی سوره مبارکه ..... 22
- مقطع اول: مراحل و اطوار خلقت ، و آفرینش انسان ..... 23
- خلاصه تفسیر : ..... 23
- اسباب هدایت چهار چیز است ..... 25
- واقعاً خلقت انسان معجزه است : ..... 26
- تمام مراحل آفرینش و خلقت معجزه سان انسان را قرآن کریم در یک آیت بیان کرده است .. 28
- الف : مرحله اول آفرینش انسان : ..... 29
- 2: آفرینش انسان از گل خشک ..... 30
- 3 : آفرینش انسان از خلاصه گل : ..... 31
- آفرینش انسان از گل چسپناک : ..... 32
- 4: آفرینش انسان از گل خشک صدا دارمانند پخته شده در آتش ..... 33
- ب : مرحله جنین : ..... 35
- 1 : انسان از قطره آب آفریده شده است : ..... 35
- 2 " نطفه در رحم مادر : ..... 36
- 3 " آفرینش انسان از خون بسته : ..... 38
- 4 : آفرینش انسان از قطعه گوشت جویده شده ..... 40
- 5 : در آوردن قطعه گوشت به شکل استخوان : ..... 41
- 6 : پوشاندن استخوانها توسط گوشت : ..... 41

- 7 : سپس پیدا کردیم انسان را آفرینش دیگری : ..... 42
- ب : دوره طفولیت : ..... 42
- ج : دوره رشد و بلوغ : ..... 43
- د : عقب گردی و ازدست دادن نیروی آغازمی شود تدریجا دوره پیری فرامیرسد..... 43
- ی : سرانجام پایان عمر ، که آخرین مرحله است که فرجام جاوندان ، تحقق می آید : ..... 44
- فواید که استنباط شده از آیات فوق : ..... 45
- مقطع دوم : اهداف خلقت و آفرینش انسان : ..... 46
- 1: عبادت الله (جل جلاله): ..... 48
- 2 : ثبوت وحدانیت الله (جل جلاله) : ..... 48
- 3: خلافت در زمین: ..... 49
- 4 : اعمار و آبادانی زمین : ..... 50
- 5 : رسیدن به رحمت الهی است : ..... 51
- 6 : محبت الله (جل جلاله) ..... 51
- مقطع سوم : بیان عقوبت کافران در آخرت : ..... 52
- مناسبت آیت باما قبلش : ..... 63
- فواید مستنبطه : ..... 63
- مقطع چهارم : ذکر اعمال نیکان ( ابرار) در دنیا و شرح نعمت های ایشان در آخرت ..... 64
- نذر چیست : ..... 68
- نذر در لغت : ..... 68
- معنی اصطلاحی نذر ..... 68
- نذر در ادیان : ..... 69
- نذر در اعراب جاهلیت : ..... 69
- نذر در اسلام : ..... 69
- نذر واجب نیست : ..... 70
- مستحب بودن نذر : ..... 70
- دلایل استحباب نذر: ..... 70

70	..... مباح بودن نذر :
71	..... نذر کردن مکروه است :
71	..... حرام بود نذر کردن :
73	..... صفات دیگری از نیکوکاران :
78	..... مناسبت یا ارتباط آیات به آیات ماقبل :
79	..... فواید آیات :
80	..... مقطع پنجم : بیان اثبات حقانیت و عظمت قرآن کریم :
80	..... الف : معنای قرآن کریم :
81	..... ب : دلایل حقانیت قرآن :
85	..... فضیلت قرآن کریم .....
86	..... اول : حکمت که اختصاص به قرآن دارد :
86	..... دوم : نزدیک بودن زمان وحی به زمان وقوع حوادث :
87	..... سوم : بیان خصوصیات قرآن کریم از جنبه عملی و اجرائی .....
87	..... مناسبت آیت با آیات ماقبل :
88	..... فواید آیت مبارکه :
88	..... مقطع ششم : بیان و عظمت صبر و عدم اطاعت از گنه کاران و کافران :
88	..... ب : اقسام صبر .....
89	..... صبر از دیدگاه قرآن کریم .....
95	..... مناسبت آیت باماقبل :
95	..... فواید آیت :
96	..... مبحث دوم : مقاطع فرعی سوره مبارکه انسان :
96	..... مقطع اول : بیان عظمت ذکر .....
96	..... الف : معنای ذکر .....
96	..... ب : اقسام ذکر .....
96	..... ذکر در قرآن کریم .....
99	..... ج : فوائده ذکر :
101	..... مناسبت آیت باماقبل :

- 101..... فواید آیت مبارکه :
- 101..... مقطع دوم : بیان عظمت نماز شب (تهجد):
- 107..... فواید آیت :
- 107..... مقطع سوم : بیان تشویق به سوی آخرت ،وترهیب از دنیا :
- 109..... مناسبت آیات بامقابل :
- 110..... فواید آیات :
- 110..... مناسبت آیات به آیات ماقبل :
- 111..... فواید آیات
- 111..... مقطع چهارم : بیان رحمت الله (جل جلاله )
- 115..... انواع رحمت الهی به عام و خاص تقسیم میشود .
- 117..... فایده آیت مبارکه :
- 118..... نتیجه گیری
- 119..... پیشنهادات
- 120..... فهرست آیات های قرآنی
- 128..... فهرست احادیث نبوی
- 130..... فهرست اعلام
- 132..... فهرست منابع و مأخذ

## مقدمه

سپاس فراوان خداوند بزرگی را که انسان را آفریده است و به او بیان آموخته است و قرآن کریم را فرو فرستاده است و برای پند گرفتن آسانش گردانده است و برای این هدف عقل را به جولان درآورده و آن را محور و مبنای تکلیف و ابراز تأمل و اندیشیدن قرار داده است.

و درود خداوند (جل جلاله) به حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) خاتم پیامبران که اصول کلیه پیام های آسمانی به او منتهی شده است و درود سلام بر آل و یاران و پیروان شان تا روز قیامت باد.

وبعد:

حس تحقیق و پژوهشگری از بهترین مواهب الهی است که در وجود بشر به ودیعت نهاده شده است و پرداختن به امر تحقیق و تولید آثار علمی شاخص از پرارزش ترین فعالیت های بشری است بناً درباره هیچ کس و هیچ چیزی به اندازه ای قرآن کریم سخن نگفتند و نه کتاب نوشته اند چه عرب ها و چه غیر آنها و چه مسلمانان و چه غیر مسلمانان ، و چه سایر مردمان دیگر ، و علتش هم کاملاً روشن است زیرا ، عظمت هیچ چیز به عظمت و بزرگی قرآن کریم نه تنها نمی رسد ، حتی نزدیک هم نمیشود.

قرآن کریم کتاب الهی و وحی آسمانی است که جبرئیل (علیه السلام) آنرا بر قلب پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نازل کرده است ، تا قلبهای مرده به واسطه ای تمایلات و هوای نفسانی را به وسیله آن زنده نماید. آری تنها به وسیله قرآن کریم می توان به حقایق علم و عرفان دست یافت و روح را در مسیر سعادت ، و ایمان به حرکت انداخت.

بنابراین سوره مبارکه الانسان از جمله سوره های قرآن کریم است ، و عمل کردن به دستورات سوره مبارکه الانسان راه سعادت و سرفرازی است ، که انسان را به قله های سعادت نایل میکند.

به هر حال از آنجا ی که هرفرد مسلمان ناچار است که اوقاتش را درکسب ضروریات ؛ و معاش صرف نماید و فرصت آنرا ندارد که به تفسیرهای بزرگ؛ و مفصل با موضوعات متشظت و پراکنده و مختلف در مورد یک بحث ، و یا یک موضوع خاص جمع آوری کند.

بناً بنده باتمام سعی ، و تلاش برای اینکه مسؤلیت خود را در (را ستای پیش بردی) تحریر پایان نامه ی دوره (ماستری) که تحریر و نوشتن آن یکی از اهداف مهم میباشد ادا کرده باشم. بناً فهرستی که (روی تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان) تهیه و ترتیب نموده ام و هدف از این همانطور یکه

قبلاً عرض کرده ام پیش بردی پایان نامه دوره (ماستری) خویش میباشد. دوم آشنایی به موضوعات و به راهنمودهای قرآن کریم در سوره مبارکه الانسان . و خداوند (جل جلاله) سعادت نصیب کند که تا بتوانم این بحث خود را به کمک یاری الله منان (جل جلاله) به خوبی به پایان رسانیده ، تا سبب سعادت دارین بنده گردد و از بارگاه الله منان (جل جلاله) برای نویسنده و خواننده گان اجر و ثواب جزیل خواهانم .

## اسباب اختیار موضوع :

واین عنوان را بنا به چند سبب اختیار نموده ام

1- بخاطری سبقت گرفتن در اجر ثواب از فیوضات قرآن کریم ، از کسانی که از منابع و سرچشمه های قرآن فیض برده اند زیرا تمام توجهات خود را ، به قرآن کریم صرف کردن . و به تعلیم تعلم قرآن کریم پرداختن دارای ، اجر بزرگ و شرف عظمی می باشد. بناً هر علمی که متصل به قرآن کریم است و خدمت برای قرآن کریم میکند ، اهمیت این را دارد که در آن تلاش صورت گیرد ، برای فهم قرآن کریم .

2- برای ابراز همبستگی موضوعات سوره و ربط تعلقات قضایایی سوره بایکدیگر ، بخاطری آشکار ساختن موضوعات آن .

3- برای تکمیل نمودن مکلفیت درسی برنامه ماستری

4- جمع آوری آیات قرآن کریم در مورد موضوعات سوره مبارکه الانسان

5- چندین کتاب های را که من مطالعه نمودم ، همه به زبان عربی تحریر شده اند از آنها صرف افرادی که با عربی دست رسی دارند مستفید می شوند فقط ، و کسانی که با عربی دست رسی ندارند مستفید شده نمی توانند بناً خواستم که (رساله دوره ماستری خود را) در مورد «تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان» به زبان فارسی سلیس ، و آسان برای فهم عموم مردم تحریر نمایم تا مورد استفاده همه خواهران ، و برادران قرار بگیرد.

6- چون به این نام و به این عنوان در پوهنتون های داخلی کشور ، و بخصوص در پوهنتون سلام در دیپارتمنت تعلیمات اسلامی بخش (تفسیر و حدیث) کسی دیگری تحریر نکرده بوده بناً خواستم منحیث یک شاگرد پوهنتون سلام در این مورد تحریر نمایم به همین اساس این عنوان را اختیار و انتخاب کردم.

## اهمیت موضوع :

- این موضوع ( تفسیر موضوعی سوره الانسان ) از اهمیت والای برخوردار است زیرا که ، محوری اساسی این سوره در مورد آفرینش انسان است ، و به مراحل خلقت انسان نیز اشارات دارد ؛ مانند به کار گرفتن کلمه (نطفه) ( امشاج ) .



## سوالات اصلی تحقیق :

1- محور اساسی سوره مبارکه الانسان چیست؟

2- ویژه گیهای سوره مبارکه الانسان چیست؟

3- انسان چیست؟

## پیشینه تحقیق :

اگرچه در مورد تفسیر سوره های قرآن کریم مفسرین ؛ و مؤلفین تفاسیر متعدد را تحریر نموده اند با سبکهای مختلف ، و با تحقیقات متفاوت از یکدیگر ولی در مورد تفسیر موضوعی ، سوره مبارکه الانسان به شکل تفسیر موضوعی بطور کامل کدام رساله ؛ و یا کتاب مسفل تاجایی که من تلاش کردم تحریر نشده است . ولی با وجود این همه میتوان در این مورد از کارکردهای علمای ذیل به عنوان پیشگامان ؛ و خدمتگذاران و راهنما که موضوع را برای مایان آسان کرده اند تماما بتوانیم از راهنمودهای ایشان ؛ مستفید شد و قدم به قدم پیش برویم در این عرصه نام برد .

1- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم از مصطفی "مسلم"

2- التدبر الموضوعی فی القرآن الکریم دراصل دروس روزانه ی شیخ علی آل موسی است و این دروس را به شکل کتاب جمع آوری کرده است عبد العزیز حسن آل زاید، محمد حسن آل زاید، و موسی سعید البحارنة

3- دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآنی، تألیف، احمد جمال العمری

4- المدخل الی التفسیر الموضوعی ، تألیف عبد الستار فتح الله سعید

5- مباحث فی التفسیر الموضوعی تألیف مصطفی مسلم

6- منهجیة البحث فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، تألیف زیاد خلیل محمد الدغامین

7- الحاوی فی تفسیر القرآن الکریم از عبد الرحمان بن محمد القماش دارای 840 جزء است و در جزء 793 اشارات به تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان کرده است ؛ البته این کتب مذکوره نسبت به یکدیگر تفاوت دارند برخی شان کوتاه بحث کرده اند صرف به برخی از موارد اشاره کرده اند مانند التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم و عبد الرحمان بن محمد القماش در الحاوی فی التفسیر به موضوعات اشاره کرده است بناً بنده از خلال این تفاسیر و تقاسیر و تفاسیر دیگر جمع آوری نموده و بحث خود را ترتیب و تنظیم نموده ام بایک تفاوت و سبک خاص ؛ از برکت همین کتابهای که نام برده شد .

## روش تحقیق :

بنده در کلیات موضوع از روش توصیفی استفاده کرده ، اما در صلب موضوع از روش کتاب خانه ی معمولاً هر بحث در بحث و تحقیق پرامون یک موضوع ؛ نیاز به یک سلسله وسایل و روش های خاص دارد ، روشهای تحقیق به صورت عمومی به دو بخش تقسیم می شود .

### - روش تحقیقات کتابخانه ی

روش که بنده به نگارش می پر دازم روش تحقیقی کتابخانه ی می باشد و نیز در بعض اوقات از وسایل امروزی مانند انترنیت و از کتاب خانه الکترونیکی مانند مکتبه الشامله استفاده کرده ام. و همچنان هر نگارنده در نگارش خود از روش های خاص و شیوه های مختلف استفاده میکند بنده نیز مانند سائرین در تحریر این بحث خود روی (تفسیر موضوعی سوره الانسان ) از روشهای ذیل استفاده کرده ام.

- 1- نوشتن آیات با رسم الخط عثمانی ؛ با بکار بردن قوسهای خاص.
  - 2- ذکر کردن مراجع و مصادر در پاورقی با ذکر کردن جلد ، و صفحه .
  - 3- نوشتن آیات با ذکر اسم سوره ؛ و شماره آیه در پاورقی.
  - 5- بیان فواید و ثمرات مستنبطه از سوره مبارکه الانسان .
  - 6- فهرس آیات؛ احادیث و مراجع را در آخر رساله ترتیب داده ام.
  - 7- در موضوعات مورد بحث از کتب و مراجع مختلف استفاده میکنم . البته در ابتدا تلاش میکنم که از مراجع و کتب معتبر از کتابخانه ها استفاده نمایم و در صورتیکه مراجع و کتب معتبر را در کتابخانه پیدا کرده نتوانستم از مکتبه الشامله و از دیگر کتاب خانه های الکترونکی و از سایت؛ گوگل استفاده کرده ام.
  - 8- در صورتیکه در تحریر این بحث به مشکل مواجه شوم از شیوه های و مشوره با علماء و اساتید که از علم و تجارب کافی برخوردار اند مشوره گرفته مشکل را حل کردم .
  - 9- در صورتی که در ترتیب و تنظیم بحث ؛ به مشکل مواجه شوم از استادان با تجربه همچون مشوره گرفته مشکل را حل کردم .
- و همچنان بحث خود را به یک مقدمه و به سه فصل تقسیم کرده ام ، هر فصل را به مباحث و هر مباحث را به مطالب تقسیم کرده ام مقدمه شامل موضوعات ذیل می باشد.

1- بیان اهمیت موضوع و اهداف موضوع.

2- بیان اسباب اختیار موضوع.

3- بیان پیشینه تحقیق.

4- خطه بحث و منهج بحث.

در فصل اول روی معرفی سوره، و بیان خصائص سوره، بیان محور اساسی سوره بحث نموده ام؛ و در فصل دوم روی تقسیم سوره به مقاطع و برای هر مقطع عناوین مناسب، و شناخت مناسبت بین هر عنوان با عنوان دیگر سوره بحث نموده ام

خلاصه آنکه در ترتیب این بحث کلیات موضوع از روش توصیفی استفاده کردم و در صلب موضوع از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده‌ام در صورت ضرورت از شیوه‌های استادان مجرب فیض بردم.

#### اهداف تحقیق :

1- شناخت محور و اساسی و اهداف سوره مبارکه الانسان .

2- جمع آوری آیات؛ و احادیث پیرامونی موضوعات سوره مبارکه الانسان .

3- دسترسی به فوائد و مسایل و موضوعات که سوره مبارکه الانسان ؛ را دربرگیرنده‌ای آنها است.

4- مشترک ساختن قضایایی سوره با یکدیگر و با محور اساسی سوره قبلی.

5- رد به مشککین آفرینش انسان و منکرین پیدایش انسان از خاک (تراب) و اثبات این دعاوی یعنی خلقت انسان در اطوار و مراحل مختلف ، با بیان نمودن محور اساسی سوره.

6- بیان دلایلی حسی برای اثبات آفرینش انسان از خاک (تراب) (نطفه) و رد منکرین آن .

7- از خلال بحث در تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان ؛ فوائد و راهنمودها و توجیهاتی برایم واضح و آشکارا شده که قبلاً به آن دست رسی نداشتیم.

## فصل اول :

شناخت سوره مبارکه انسان که شامل مباحث ذیل است

### مبحث اول :

پیرامون معرفی سوره ، وقت نزول سوره ، سبب نزول سوره ،  
فضیلت سوره ، مناسبات سوره .

### مبحث دوم :

بیان محور اساسی سوره ، ومقاصد سوره ، وخصائص سوره مبارکه  
الانسان

## مبحث اول : معرفی سوره ، وقت نزول سوره ، سبب نزول سوره ، فضیلت سوره ، مناسبات سوره .

مطلب اول : معرفی سوره مبارکه :

الف : اسماء ، ونامهای سوره مبارکه :

سوره (الانسان) دارای پنج اسم می باشد .

- 1- در زمان اصحاب رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بنام سوره هل أتى على الانسان مشهور بود؛ طوری که در روایت بخاری آمده در باب قرأت فی الفجر ( عن أبي هريرة قال قال رسول الله {صلی الله علیه وسلم} يقرأ في الفجر من الجمعة (الم تنزيل) السجدة و (هل أتى على الإنسان) <sup>1</sup> از ابی هریره روایت آمده که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بود در نماز صبح تلاوت مینمود سوره الم سجده را با سوره هل اتی علی الانسان . اختصار نموده
- 2- سوره انسان چنانچه صاحب اتقان این سوره را به اسم نامیده است . <sup>2</sup>
- 3- سوره امشاج چنانچه خفاجی <sup>3</sup> نامبرده از خاطر وقوع کلمه امشاج در این سوره .
- 4- سوره ابرار چنانچه طبرسی این را به اسم نامیده است از خاطر ذکر نعتهای ابرار در این سوره
- 5- سوره دهر چنانچه در اکثر مصاحف بنام سوره دهر یاد شده که لفظ ویا کلمه دهر در سوره واقع شده است . <sup>4</sup>

آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی <sup>5</sup> این سوره را به پنج نام ذکر نموده است .

1: سورة الإنسان

2: سورة الدهر

3: سورة الأبرار

4: سورة الأمشاج

5: سورة هل أتى. <sup>1</sup>

<sup>1</sup>: الحميدي محمد بن فتوح - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم - ج3- ص 90 - ابن جرير طبري - ج 24 - ص 130 - معالم التنزيل يغوي - ج 8 - ص 289 - ابن ابي حاتم - ج 12 - ص 356 - ابن كثير تفسير قرآن العظيم - ج 8 - ص 285 - قرطبي - ج 18 - ص 270 - ج 19 - ص 118

<sup>2</sup>: سيوطي: عبد الرحمن بن كمال جلال الدين اتقان في علوم القرآن - ج 1 - ص 44

<sup>3</sup>: احمد بن محمد بن عمر ، شهاب الدين الخفاجي مصري قاضي القضاة وصاحب تصانيف در علم ادب ولغت نسبت به قيله خفاجه در مصر تولد شده به بلاد روم سفر کرده وباسلطان مراد عثمانی دیدار نموده وبيحث قاضي مصرتعين گردیده وبعد از برکناريش به شام و حلب سفر نموده نمونه از تألیفات ایشان 1 - نسيم الرياض في شرح شفاء قاضي عياض 2 - شفاء العليل فيما في كلام العرب من الدخيل 3 - عنایت القاضي وكفايت الراضي حاشيه على تفسير بيضاوى

<sup>4</sup>: قماش: عبد الرحمن بن محمد امام وخطيب در دولت امارت متحده العربيه - الحواي في التفسير القرآني - ( جنت مشتاق در تفسير كلام

ملك خلاق ) عدد اجزاء 840 اصدار ش 2009 م - ج794 - ص 9 - و در تحرير و تنوير ابن عاشور - ج 29 - ص 369

<sup>5</sup>: ابوتنا شهاب الدين محمود ابن عبد الله حسيني آلوسي بغدادى ، متوفى: 1270هـ مدرس دارسلطنة بغداد

در این جاه دیدگاه مفسر بزرگ اسلام ، راجح است بنابر استدلال که از کلمات آیات سوره مبارکه الانسان که این سوره را به پنج نام ذکر نموده است.

### ب : مکی ومدنی بودن سوره مبارکه انسان .

سوره های قرآن کریم ، بعضی شان مکی است ، به اتفاق و بعضی شان مدنی است به اتفاق . اما در بعضی سوره های قرآن کریم ، اختلاف وجود دارد ، که مکی است یا مدنی ، از آن جمله سوره مبارکه الانسان است .

1 : نظریه شیخ سید قطب<sup>2</sup> ( رحمه الله تعالى ) وی گفته است که این سوره ( سورة الانسان ) مکی است ، و مکی بودن سوره الانسان واضح و روشن است ، از موضوعات این سوره ، و همچنان سیاق و رانش این سوره فهم می شود که ، این سوره مکی است . تقریباً از جمله ی اولین سوره های است که ، در مکه نازل شده است .

1. ذکر و بیان انواع نعمتهای جنت بصورت تفصیلی .

2. ذکر و بیان ، عذاب شدید برای کافران در آخرت .

3. متوجه ساختن پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را به صبر و شکیبایی در مقابل آزار و اذیت مشرکین مکه .

4. نهی و منع کردن پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) از اطاعت و پیروی کردن گناه کاران و کافران

5. این سوره در وقت شدت آزار و اذیت مشرکین به یاران رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در راه دعوت نازل شده که این آزار و اذیت مشرکین باعث شد که ، اصحاب کرام (رضی الله عنهم) به دیار حبشه هجرت کردند.

6. مهلت دادن کافران را در زنده گی زود گذرشان ، و توصیه پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) را به ثبات در راه دعوت و رساندن ، آنچه برایش نازل شده .

7. عدم میل رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) بر چیزهای بی ارزش طوریکه در سوره قلم ، مزل ، و مدثر ذکر شده . و در این سوره هم قریب آنها بیان شده است .<sup>3</sup>

<sup>1</sup>: آلوسی : شهاب الدین محمود ابن عبد الله حسینی روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی - ج - ص - تحقیق : علی عبد الباری عطیة - عدد اجزاء 16 - ناشر : دار کتب علمیه - بیروت سال طبع - 1415 هـ ق

<sup>2</sup>: شیخ (شهید) سید قطب ( رحمه الله ) بن ابراهیم مفکر جهان اسلام مصری در سال 1353 هـ ق از دارالعلوم فارغ شد در قاهره و در وزارت معارف مصر ایفای وظیفه می نمود ، و در سال 1948 م برای ادامه تحصیل به امریکا راه سپار شد ، و در سال 1953 م به جماعت اخوان المسلمین پیوست .

<sup>3</sup>: شیخ (شهید) سید قطب ابراهیم ( رحمه الله ) تفسیر فی ظلال القرآن - ج 6 - ص 3777 - ناشر : دار الشروق القاهره هـ عدد اجزاء 6 جلد - الحاوی فی التفسیر - ج 794 - ص 12

2 : نظریه جمهور علماء گفتن ، سوره الانسان مدنی است . از جمله مجاهد<sup>1</sup> ، و سیوطی در تفسیر درالمنثور گفته سوره الانسان مدنی است .<sup>2</sup>

ابن کثیر در تفسیر خود گفته سوره الانسان مکی است ، بیدون در نظر داشت ، آرای مختلف سائیرین را.<sup>3</sup>

3 : نظریه بعض مفسیرین . گفته اند که ، از آیت بیست سوم از این قول الله متعال { إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا } تا آخر سوره مکی است ، و مقابل آن را مدنی گفته اند .

اما بعض گفته اند یک آیت این سوره مکی است ، آن { فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا } باقی دیگر همه یات آن مدنی است .<sup>4</sup>

دریک روایت ابن عباس ، (رضی الله عنهما) گفته سوره انسان مکی است .<sup>5</sup>

بهیقی<sup>6</sup> از ابن عباس نقل کرده اند که ، گفته سوره انسان مدنی است در مدینه نازل شده است .<sup>7</sup>

-از دید من این سوره مبارکه حاوی موضوعات میشود که سوره های مکی شده مانند کلمه صبر و عدم اطاعت از کفار و هم حاوی موضوعات که سور مدنی در بردارد مانند انما نطعمکم و امثال آن پس میتوانیم گفت که بعض آیات آن در مکه نازل شده و بعض آن در مدینه نازل شده بدلیلی شمولیت موضوعاتش موضوعات سوره های مکی و موضوعات سوره های مدنی را .

مکی بودن سوره منافی آن نیست که برخی آیاتش در مدینه نازل شده باشد ، و یا مدنی بودنش منافی آن باشد که برخی آیاتش در مکه نازل شده باشد .

کسانی که معتقد ند در این سوره یک یا چند آیه مکی وجود دارد مانند حسن ، عکرمه ، و دیگران ، تصریح کردند که آیات مربوط به قصه اطعام طعام مدنی است .

ج : تعداد رکوعات این سوره مبارکه دورکوع است.

د : تعداد آیات سوره مباکه (31) سی و یک آیت است .

<sup>1</sup>: أبو حجاج مجاهد بن جبر تابعي مكي قرشي مخزومي (متوفى: 104 )

<sup>2</sup>: سیوطی . عبد الرحمن بن ابی بکر ، جلال الدین متوفی 911 هـ تفسیر درالمنثور - ج 8 - ص 265 - ناشر : دار فکر بیروت

<sup>3</sup>: ابن کثیر : ابوالفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر قریشی ، بصری ، ثم دمشقی ، متوفی 774 هـ تفسیر القرآن العظیم - ج 6 - ص 359 - تحقیق عبد الرزاق المهدی - ناشر : مکتبه رشیدیہ کوئٹہ پاکستان

<sup>4</sup>: قرطبی ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری خزر جی شمس الدین متوفی 671 هـ الجامع الاحکام القرآن - ج 19 - ص 118 - تحقیق احمد بردونی و ابراهیم اطفیش - ناشر : دار الکتب المصریہ قاہرہ عدد اجزاء 20 جز

<sup>5</sup>: ماوردی ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب - تفسیر ماوردی (النکت والعیون) - ج 6 - ص 161 - زاد المسیر - ج 8 - ص

427

<sup>6</sup>: أحمد بن حسین بن علي بن موسى خُسْرُو جردی خراسانی، أبو بکر بیهقی (المتوفى: 458هـ)

<sup>7</sup>: تفسیر درالمنثور سیوطی - ج 8 ص 365

و : تعداد کلمات سوره مبارکه ( 246 ) دوصد چهل و شش کلمه است.

ه : تعداد حروف این سوره مبارکه (1099) یک هزار نودونه حرف است .

ی : تعداد نقاط این سوره مبارکه (526) پنجصد و بیست و شش نقطه است .<sup>1</sup>

در تفسیر احمد تعداد آیات را 31 ، تعداد کلمات را 240 ، تعداد حروف را یک هزار و چهار صد و پنجاه حرف گفته است .

## مطلب دوم : وقت نزول سوره مبارکه انسان ، سبب نزول سوره ، فضیلت و جایگاه سوره مبارکه .

**الف : وقت نزول سوره انسان :** در میان صلح حدیبیه و غزوه تبوک ( بعد سوره الرحمن نازل شده است  
**ب : ترتیب سوره مبارکه :** در مصحف هفتاد و ششمین سوره است ، اما به اعتبار ترتیب نزولی نود هشتمین سوره است ، نازل گردیده است .<sup>2</sup>

### ج : سبب نزول سوره مبارکه انسان :

این منذر این جریر درباره سبب نزول جمله { واسیراً } نقل نموده است که ، پیامبر (صلی الله علیه وسلم ) اسیر از مسلمانان نداشت و به هیچ وجه مسلمانی را به عنوان اسیر نمی گرفت . بلکه اسیر از مشرکین داشتن ، پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) اصحاب را امر نمود به برخورد خوب با أسراء مشرکین که نزدشان بود .<sup>3</sup>

این منذر<sup>4</sup> از عکرمه نقل نموده است ، که عکرمه گفته که عمر بن خطاب نزد رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) آمده که در حالیکه رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) خواب بودن بالای بوری از خس بافته شده ، و اثر بوری در یک طرف و یایک جانب رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) دیده می شد . عمر (رضی الله تعالی عنه ) با دیدن این حالت گریان کرده رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) سوال کرد از عمر چرا و چه باعث شده که تو گریان میکنی ، عمر (رضی الله تعالی عنه ) گفت شأن و شوکت

<sup>1</sup>: الحاوی فی التفسیر - ج 794 - ص 7

<sup>2</sup>: جعفر شرف الدین - الموسوعه القرآنیه ، خصائص السوره - ج 10 - ص 181 - تحقیق عبد العزیز بن عثمان التویجزی - ناشر : دار تقریب بین المذاهب اسلامی - بیروت طبع اول 1420 ه ق

<sup>3</sup>: سیوطی : عبد الرحمن ابن ابی بکر ابن محمد ابوالفضل لباب النقول فی اسباب النزول - ج 1 - ص 225 - ناشر : دار احیاء العلوم بیروت

<sup>4</sup>: احمد بن منذر بن جارود بصری ابوبکر قزاز طبقه 11 است از اوسط اخذکنندگان تبع تابعین است متوفی 230 ه ق - از وی مسلم روایت نموده ، در نزد ابن حجر صدوق است ، اما ذهبی در موردش چیز نگفته است



کسری فارس و پادشاه حبشه در ذهنم آمد که ، آنها به چه نوع تاج تخت زنده گی میکنند ، و بالای تخت مزین می خوابند و تاج طلا به سر دارند ، اما شما یار رسول الله بالای بوریای خسی می خوابی .

رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) گفت ای عمر آیا تورا ضی نیستی که برای آنها دنیا باشد ، و برای ما آخرت باشد . آیت مبارکه نازل شد { وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا }<sup>1</sup>.

هنگامی که بنگری ، در آنجا نعمت فراوانی و سرزمین فراخی و پادشاهی بزرگی را خواهی دید و این مندر ، از قتاده روایت میکنند که ، او را رسیده است ، که ابوجهل گفته اگر محمد را در حال نماز خواندن ببینم ، گردنش را خفک میکنم و یا گردنش را میش کنانم آیت مبارکه نازل شده<sup>2</sup> ، { فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آئِمًّا أَوْ كَفُورًا }<sup>3</sup>

حال که چنین است در طریق تبلیغ و اجرای احکام پروردگارت شکبیا باش ، و از هیچ کدام از گناه کاران و بی دینان شان فرمانبرداری مکن.<sup>4</sup>

عطاء از ابن عباس ( رضی الله عنهما ) روایت کرده علی (رضی الله عنه ) یک شب باغی به اجاره گرفته بود به مقدار جوی تا صبح صادق صبح شد ، جورا بدست آورد ، یک ثلث آن را آرد کرده طعام آماده کردن بنام (الخریره) در این اثنا مسکین آمده صدا کرد که گریسینه هستم ، این طعام آمده شده به مسکین دادن ، ثلث دوش را آرد نموده طعام پخته کردن ، وقت آماده خوردن شد ، یتیم صدازد که گریسینه هستم طعام آماده شده را برای یتیم دادن ، ثلث سوم را آرد نمودن تا که طعام جور کنند ، وقت طعام آماده شد ، اسیر صدا کرد که من اسیر هستم گریسینه هستم ، طعام را به اسیر تقدیم کردن آیت مبارکه نازل شد در وصف و تعریف ، تمجید حضرت علی ( رضی الله تعالی عنه

{ وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا } . و خوراك مي دادند به بینوا و یتیم و اسیر ، به خاطر دوست داشت خدا.<sup>5</sup>

3 – تفسیر مقاتل ابن سلیمان<sup>6</sup> شأن نزول آیت مبارکه { وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا } در مورد ابی دحداح انصاری گرفته ، و نقل نموده که ، روزی ابی دحداح انصاری روزه گرفته بود در وقت افطاریش ، سائیل یامسکین صدا کرد که گریسینه ام ، امروز هیچ نان نخوردم برایم نان و یا طعام بیارید، ابی دحداح وقت که صدای مسکین را شنید

<sup>1</sup>: سوره انسان آیت 20

<sup>2</sup>: لباب النقول ج 1 - ص 225

<sup>3</sup>: سوره انسان آیت 24

<sup>4</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 1246

<sup>5</sup>: الواحی ابوالحسن علی بن محمد بن علی نیشاپوری شافعی - اسباب نزول - ج 1 - ص 448 - تحقیق عصام بن عبد المحسین

الحمیدان ناشر : دار اصلاح الدمام

<sup>6</sup>: مقاتل بن سلیمان بن بشیر الازدی خراسانی ابوالحسن بلخی - متوفی 150 هج در بصره - طبقه هفتم از کبار اتباع تابعین - ازوی ابوداود روایت نموده است - رتبه آن نزد ذهبی متروک است .

برای خانواده اش گفت ، برای سائیل یک قرص نان ببرید ، وچنین کردن ، چندی نگذشت که ، دختر یتیم صداکرد که ، طعام مرا دهید که ، امروز هیچ نان نخوردم ومن ضعیف وبیچاره هستم ، ابی دحداح ابرای ام دحداح گفت بلندشو برای این قرص نان را ببر که این مستحق تر است ، امسکین قلبی کرده ، دراین اثنا درپیش دروازه اسیر ، صداکردکه وگفت نان شب برایم بیارید که من غریب هستم دروطن شما ومن اسیر هستم دردست شما ، ومن را گریسنه گی بیچاره کرده قسم به ذات که شمارا عزت داده ، ومارا ذلت امروز طعامی نخوردم .

ابی دحداح انصاری برای خانمش که ام دحداح بود گفت از جایت بلند شو قرص نان برای این ببر بخورد که این مستحق تر است ، از آن دونفر قلبی کرده پس برای خودشان یک قرص نان باقی ماند ، سه قرص نان را برای مسکین ، یتیم ، واسیر صدقه کردن آیت مبارکه فوق نازل شده برای تعریف ، تمجید عمل ابی دحداح انصاری .<sup>1</sup>

**خلاصه اینکه درمورد آیه { وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا } عطا از ابن عباس** روایت نموده که آیت درمورد ایثار وفدا کاری علی (رضی الله تعالی عنه) نازل شده است . اما تفسیر مقاتل ابن سلیمان شان نزول آیت را درباره ابی دحداح انصاری ذکر نموده است . اما از دید من بعید نیست که ؛ این آیت درباره حضرت علی (رضی الله عنه) وابی دحداح انصاری باشد که یک آیت فداکاری هردو را بیان کند . زیراکه هردو دربهار نزول وحی وجود دارند ، واصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هستند ، هرصحابه ویژه گی خود را داشت .

### د : فضیلت وجایگاه سوره مبارکه انسان :

(عن ابن عمر قال جاء رجل من الحبشة إلى رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فقال له رسول الله (صلى الله عليه وسلم) سل واستفهم فقال يا رسول الله فضلتم علينا بالألوان والصور والنبوة أفرأيت إن أمنت بما أمنت به وعملت بما عملت به إني كائن معك في الجنة قال نعم والذي نفسي بيده إنه ليرى بياض الأسود في الجنة من مسيرة الف عام ثم قال من قال لا إله إلا الله كان له عهد عند الله ومن قال سبحان الله وبحمده كتب له مائة الف حسنة وأربع وعشرون الف حسنة ونزلت هذه السورة (هل أتى على الإنسان حين من الدهر) إلى قوله (ملكا كبيرا) فقال الحبشي وإن عيني لتربان ما ترى عينك في الجنة قال نعم فاشتكى حتى فاضت نفسه قال ابن عمر فلقد رأيت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يدلّيه في حفرة بيده)<sup>2</sup>

<sup>1</sup>: بلخی ابوالحسن مقاتل ابن سلیمان ابن بشیر اذدی متوفی 150 هـ - تفسیر مقاتل ابن سلیمان - ج 4 - ص 535 - تحقیق عبد الله محمود شحاته - ناشر : احیاً تراث بیروت  
<sup>2</sup>: لطبرانی سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم المعجم الكبير ج 12 ص 436 شماره حدیث 13629 = ناشر : مكتبة العلوم والحكم

از ابن عمر روایت کردن که وی گفته یک مرد حبشی نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمد و برای مرد حبشی رسول الله گفت سوال بکن خود را بفهمان ، مرد حبشی :گفت ای رسول خدا الله متعال شمارا فضیلت و برتری دادتان رنگ و صورت ، نبوت پس مرا خبر دهید که اگر ایمان بیاورم به آنچه که توایمان آورده ای ، و عمل کنم به آنچه که تو عمل میکنی و یا عمل کرده ای ممکن است که ، من باتو در جنت یکجای باشم ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت بلی ، قسم به ذات که ، نفس من بدست او است ، دیده می شود سفیدی افراد سیارنگ در جنت از مسیری و راه دوری که ، یک هزار سال راه فاصله داشته باشد ، .

بعد از آن رسول الله گفت کسیکه بگوید کلمه ( لا إله إلا الله ) را در نزد الله (جل جلاله) برای او ضمانت و عهدی است ، و کسیکه بگوید ، ( سبحان الله وبحمده ) نوشته می شود برای او صد هزار نیکی و حسنه و بیست چهار هزار نیکی دیگر علاوه می شود .

در این وقت ، سوره مبارک هل اتی علی الانسان حین من الدهر تالین قول الله (جل جلاله) و ملکاً کبیراً نازل شد . مرد حبشی گفت آیا چشمان من میبیند آنچه را که ، چشمان تو میبیند در جنت ؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت بلی پس گریان کرد حتی اینکه جان را به جان آفرین تسلیم کرده .

ابن عمر گفت که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را دیدم که قبرش را دست می زد .  
(عن أبي بن كعب قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ( من قرأ سورة هل أتى كان جزاؤه علی الله الجنة وحريراً )<sup>1</sup>

أبی بچه کعب گفته : رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده . کسیکه سوره هل اتی را تلاوت کند و بخواند اجر و پاداش او در نزد الله (جل جلاله) جنت و ابریشم است .

(عن بن عباس . أن النبي صلى الله عليه وسلم كان يقرأ في صلاة الفجر يوم الجمعة ألم تنزيل السجدة و ! هل أتى على الإنسان حین من الدهر)<sup>2</sup>

از ابن عباس نبی (صلی الله علیه وسلم) بود در نماز صبح روز جمعه سوره (الم سجده) را با سوره هل اتی علی الانسان حین من الدهر می خواند .

( و ذکر ابن وهب قال حدثنا ابن زيد قال : إن رسول الله صلى الله عليه وسلم ليقرأ { هل أتى على الإنسان حین من الدهر } وقد أنزلت عليه وعنده رجل أسود كان يسأل النبي صلى الله عليه وسلم فقال له عمر بن الخطاب لا تثقل على النبي صلى الله عليه وسلم قال دعه يابن الخطاب قال : فنزلت عليه

<sup>1</sup>: ثعلبی احمد بن محمد بن ابراهیم ابواسحاق متوفی 427 هـ ق الکشف والبیان عن التفسیر القرآن - ج 10 - ص 93 تحقیق امام ابی محمد بن عاشور : ناشر إحياء تراث عربي ، بیروت لبنان طبع اول 1422 هـ ق عدد اجزاء 10 است .

<sup>2</sup>: ابو الحسن مسلم بن حجاج نیشاپوری متوفی - 261 هـ ق المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله صلى الله عليه وسلم - ج 2 - ص 599 - تحقیق محمد فواد عبد الباقي - ناشر دار احیاء تراث عربي - بیروت عدد اجزاء 5 جزء

هذه السورة وهو عنده فلما قرأها عليه وبلغ صفت الجنان زفر زفرة فخرجت نفسه فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : أخرج نفس صاحبكم أو أحيكم الشوق الى الجنة<sup>1</sup>

در مورد فضیلت و جایگاه سوره انسان از ابن زید روایت است که رسول الله (صلى الله عليه وسلم) تلاوت می نمود سوره هل اتى على الانسان حين من الدهر را و در وقت نزول این سوره یک مرد سیاه رنگ حضور داشت سوال می کرد عمر (رضی الله عنه) برای مرد گفت رسول خدا ره به تکلیف نکن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) گفت ای بچه خطاب بگذارش در این وقت سوال کردن، این مرد سیاه رنگ سوره هل اتى على الانسان حين من الدهر نازل شده آن مرد نزد رسول الله بود رسول خدا سوره را برای این مرد تلاوت نمود وقت در وصف جنت رسید آن مرد صدای طنین آور بلند کرد جان را به جان آفرین تسلیم نمود ، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) گفت روح برادرورفیق تان از شوق و علاقه جنت خارج شد .

### مطلب سوم : مناسبات سوره مبارکه الانسان :

#### الف : مناسبت سوره الانسان با سوره ماقبل و سوره مابعد آن :

این سوره با سوره ماقبل از وجوهات سه گانه مناسبت ، دارد که قرار ذیل است

1 – وجه اول در سوره قیامت از احوال و شداید خبر داد که فاجران و کافران در روزی قیامت بآن روبرو می شوند .

اما در سوره انسان از نعمت های که نصیب نیکان و ابرار می شود در روز قیامت خبر داده شده است که هر دو سوره ها ، از احوال قیامت و روز آخرت خبر می دهند .

2 – وجه دوم : در سوره قیامت از امر خبر داده که الله ( جل جلاله ) انسان را از نطفه آفریده ، و سپس از وی دو صنف (مرد و زن) بوجود آورده است.

اما در آغاز سوره مبارکه انسان نیز از مراحل آفرینش انسان و از شنوای و بیناساختن و نشان دادن راه برایش ، و سپس از تقسیم شدن مردم به دو گروه ( شاکر ) سپاس گذار ( کفور ) ناسپاس خبر داده است

3- وجه سوم : در سوره قیامت صفت جنت و دوزخ به صورت اجمالی و کوتاه ذکر شد.

اما در سوره انسان اوصاف جنت و دوزخ و به خصوص اوصاف و تعریف جنت را با تفصیل بیشتر بیان گردیده است .<sup>2</sup>

<sup>1</sup>: قرطبی محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح ابو عبد الله - الجامع الاحکام القرآن ( تفسیر قرطبی ) - ج 19 - ص 107  
<sup>2</sup>: بدخشانی فضیلت شیخ محمد اکرام الدین ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن - ج 9 - ص 153 ناشر : مکتبه اسلامیة ، لاهور پاکستان چاپ پنجم تاریخ 1397 ه ش

-اما در تفسیر موضوعی لسورالقرآن : مناسبت این سوره را باسوره قیامت چنین بیان کرده است .

درمیان سوره انسان وسوره قیامت باچند وجوه مناسبت وجود دارد .

1 - درمیان صله های این دوسوره ( سوره انسان وسوره قیامت ) این وجه مناسبت شان روشن وواضح است که درهر دوسوره سخن درمورد نشأت وآفرینش انسان آمده . ومورد مسیر ومرجع انسان ، درهر دو سوره سخن رفته وسوره قیامت شش بار ذکر کلمه انسان آمده است .

{ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ }<sup>1</sup> آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای او را گرد خواهیم آورد  
{ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ }<sup>2</sup> . بلکه هدف انسان این است که می خواهد در مدّت زمانی که در پیش دارد گناه کند.

{ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ }<sup>3</sup> . انسان در آن روز خواهد گفت : راه گریز کجا است { يُنْبَأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ }<sup>4</sup> در آن روز انسان را آگاه می سازند از چیزهایی که پیشاپیش فرستاده است و از چیزهایی که برجای گذاشته است . { بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ }<sup>5</sup> . اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است.

{ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى }<sup>6</sup> آیا انسان می پندارد که او بیهوده به حال خود رها شود { هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا + إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا }<sup>7</sup>.

آیا مدّت زمانی بر انسان گذشته است و او چیز قابل ذکر و شایسته توجه نبوده است\* ما انسان را از نطفه آمیخته آفریده ایم ، و چون او را می آزمائیم ، وی را شنوا و بینا ، کرده ایم ■<sup>8</sup>

وجه دوم : مناسبت درخاتمه قیامت ، بامقدمه سوره انسان درخاتمه قیامت درمورد اطوار ومراحل خلقت وآفرینش انسان از نطفه ، وعلقه ذکر شده است. اما درمقدمه اسوره انسان همچنان درمراحل واطوار نشأت وخلقت انسان شروع شده است .

وجه سوم : مناسبت درمیان هر دو سوره درایشارات است . که هر دوسوره به فتنه بزرگ که عاجل ، وقریب الوقوع است و همان آمدن قیامت وروز آخرت است که ، وحقانیت وثبوت او از جانب الله

1 : سوره قیامت آیت 3

2: سوره قیامت آیت 5

3: سوره قیامت آیت 10

4: سوره قیامت آیت 13

5: سوره قیامت آیت 14

6: سوره قیامت آیت 36

7: سوره انسان آیت 1-2

8: خرم دل : تفسیرنور- ج 1 - ص 1238 = 1239 = 1240 = 1242

( جل جلاله ) در این دوسوره باذکر عواقب بد فاجران وکافران وباذکر نعمت های ابرار بیان شده است

ذکر اسباب بند کردن راه راست و منحرف شدن از راه راست و راه نجات باعث فوت ، و محرومیت میشود از نعمت های دائمی و سرمدی .<sup>1</sup>

در توجیه الناظرین مناسبت و ربط سوره انسان را با سوره قیامت چنین ذکر کرده است .

اول : ابتداء سوره مبارکه انسان مانند ، اختتام سوره مبارکه قیامت است که در اختتام سوره قیامت بیان آفرینش انسان ، و در این سوره ( انسان ) مانند آ اثبات اعادت و یا زنده گی پس از مرگ قیاس بر ابتداء پیدایش که { لم یکن شیاء مذکوراً } هیچ چیز موجود نبود و این مناسبت را مشابهت در اطراف می نامند

دوم : مناسبت سوره انسان با سوره قیامت در سوره قیامت ادب تلاوت قرآن کریم آمده { لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ + إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَفُرْآنَهُ }<sup>2</sup> هر آینه وعده است بر ما در سینه تو جمع کردن قرآن و آسان کردن خواندن آنرا . پس چون بخواند فرشته ما آنرا دل خود را در پی خواندن او کن .<sup>3</sup> اما در سوره انسان تذکر از نعمت قرآن و اداب دعوت بسوی قرآن بیان شده است .

سوم : مناسبت در بین این دوسوره در بشارت است که ، در سوره قبلی بشارت اجمالی آمده است . و در این سوره بشارت تفصیلی ذکر شده است .<sup>4</sup>

#### اماناسبت سوره الا نسان با سوره مابعدش قرار ذیل است .

اول : در سوره انسان زجر و توبیخ برای منکرین قلیل و کم ذکر شده اما در سوره مرسلات ده مرتبه زجر برای منکرین بیان شده .

دوم : در این سوره ( انسان ) دلیل عقلی به اثبات قیامت ذکر شده اما در سوره مرسلات باذکر شواهد دلیلی عقلی را برای اثبات قیامت ذکر میکند .

سوم : مناسبت در سوره انسان ذکر احوال متقین بشکلی تفصیلی و در سوره مرسلات ذکر احوال مکذبین بشکل تفصیلی بیان شده است .<sup>5</sup>

<sup>1</sup>: داکتر مصطفی مسلم - تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم -- ج 8 - ص 509 ناشر : جامعه شارقه امارات متحده عربیه طبع اول 1431 ه ق

<sup>2</sup>: سوره قیامت آیت 16- 17

<sup>3</sup>: خرم دل تفسیر نور - ج 1 - ص 1239

<sup>4</sup>: رستمی ابو زکریا عبد السلام . توجیه الناظرین - ج 1 - ص 321 - ناشر : مکتبه جماعت اشاعت و توحید و السنه علی منهاج سلف صالح پشاور پاکستان

<sup>5</sup>: توجیه الناظرین ج 1 - ص 322

## ب : مناسبت بین اسم سوره و محور سوره مبارکه الا نسان :

زیرا که موضوعات محوری سوره در مورد نعمتهای الله ( جل جلاله ) ، که به بندگانش اعطاء فرموده است . از قبیلی نعمت خلقت و آفرینش انسان ، و مراحل آفرینش بزرگ ترین نعمت بی کران الله ( جل جلاله ) است و می باشد .

و نعمت شنوای و بینای ، درک و افهام ، برای دلایل قدرت الله متعال است . هدایت و راهنمای ، اختیار دادن انسان در انتخاب یکی از دو راه ( ایمان - کفر )

نعمت دیگری و عده به پاداش اعمال نیک برای مومنین است . اما اسم سوره مبارکه { هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیاء مذکورا } . مناسبت واضح است درباره نعمت های الله متعال در صورت که هد ف اسم سوره دهر تعبیر شود ، باز مناسبت در میان محور سوره و اسم سوره به اساس اطوار و مراحل آفرینش انسان می باشد . در اسم سوره هم نعمت الله متعال ذکر است ، در محور سوره هم نعمت های پروردگار عالم ذکر شده است .

و همچنان در مورد نعمت بزرگ دیگری که بر بنده گانش نازل فرموده الله ( جل جلاله ) که آن قرآن کریم است در آن معرفی نامه ( کتلاک ) انسان است .

و اسم سوره هم سوره انسان است { هل اتی علی الانسان } است . از تمام جهات مناسبت واضح و روشن در میان محور سوره ، اسم سوره دیده می شود .<sup>1</sup>

## ج : مناسبت بین مضمون سوره الا نسان و مضمون سوره ماقبل (قیامت )

در میان مضمون این دو سوره مناسبت ، واضح و روشن است .

1 - در هر دو سوره ها سخن در مورد پیدایش و آفرینش انسان است .

2 - در هر دو سوره ها نعمت بزرگ نزول قرآن کریم ، که در آن سبیل و راه هدایت و ارشاد ، و طریق نجات ، و راه رسیدن به سعتهای دنیا و آخرت برای انسان است .

3 - در سوره مبارکه انسان تفصیلی از نعمتهای جنت آمده که ، در سوره مبارکه ، قیامت اجمال نعمت های جنت ذکر شده است .<sup>2</sup>

## د : مناسبت بین موضوعات سوره مبارکه و محور سوره مبارکه الا نسان

مناسبت در میان موضوعات ، و مقاصد سوره با محور سوره بصورت عام می باشد ، که در جریان ما در بحث اساسی سوره ، بررسییم که ، موضوعات و مقاطع سوره است ، واضح و روشن می شود که ،

<sup>1</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - ص 5010

<sup>2</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - ص 510

مناسبت بصورت عموم می باشد ، که میبینیم ، محور ی اساسی و کلی عمومیت آن معرفی نفس ، و ذات و اوصاف انسان برای خود انسان است که ، در گذشته چیز موجود نبود ، و باید بداند که دنیا داری بقا و جاویدانی نیست .

بلکه دار امتحان و آزمایش است ، اما آخرت داری جاویدانی و بقاست برای کامیابی آخرت باید ، اعمال نیک انجام داد که ، موضوعات سوره هم از آفرینش انسان و از پاداش اعمال ابرار و نیکان در آخرت ، و سزای اعمال بدی کافران در آخرت ، بحث میکند ، پس واضح و روشن است که مناسبت در میان محور سوره با موضوعات و مقاطع سوره مبارکه انسان .

### و : مناسبت بین موضوعات و مقاطع سوره مبارکه الانسان با یکدیگر شان

موضوعات سوره تنظیم و ترتیب شده در یک سلک و ریخته واحد و در یک کشتی واحد روان است و آن ، بیان چگونگی نشأت و آفرینش انسان است . و هدایت و راه نمای انسان است ، و مسیر انسان را بیان نموده است که در خلال بحث سوره روشن می شود .<sup>1</sup> این شاء الله تعالی.

### ه : مناسبت بین آغاز و افتتاح سوره با ختم و اختتام سوره مبارکه الانسان :

در آغاز سوره مبارکه سخن از پیدایش انسان و هدایت انسان اما در ختم سوره تذکر به خلق و آفرینش که ، بزرگ ترین نعمت الهی است . کلان ترین دلیل بر کمال قدرت الله ( جل جلاله ) است بیان شده صاحب تفسیر فی ظلال القرآن گفته اند که آغاز سوره ، مبارکه انسان به نشأت و آفرینش انسان به اساسی امتحان و آزمایش شروع شده . و در ختم سوره مبارکه انسان بیان عاقبت امتحان و آزمایش ذکر شده است .<sup>2</sup>

<sup>1</sup> فی ظلال القرآن - ج - 6 - ص 377

<sup>2</sup> بقاعی ، برهان الدین ابی الحسن ابراهیم بن عمر - نظم الدرر فی تناسب آیات و سور - ج 8 - ص 260 - ناشر دار الکتب العلمیه بیروت 1415 ه ق



**مبحث دوم : بیان محور اساسی سوره ، و مقاصد سوره ، و خصائص و ویژه گی های سوره مبارکه  
الانسان .**

### **مطلب اول : محور اساسی سوره مبارکه :**

محور اساسی سوره تعریف انسان از حیث نفس و اوصاف انسان ، هیچ چیزی و هیچ مخلوق از مخلوقات خداوند ( جل جلاله ) بالاتر و بافضیلت تر از انسان نیست . کرامت شرافت انسان بالای همه مخلوقات و موجودات زمین است و می باشد .

باید دانست که دنیا بقای ندارد فنا پذیر است و داری امتحان و آزمایش است که انسان هر دقیقه از عمرش مورد ابتلاء و امتحان است . که راه سعادت و نیک بختی را توسط ایمان و اعمالش انتخاب میکند .  
پاراه شقاوت و بدی را توسط کفر و الحادش برمیگزیند .

باید دانست که ، آخرت داری جزاء و پاداش اعمال است هرکی در دنیا چیز کاشته باشد و عمل کرده باشد در آخرت پاداش خوب و جزای بدی آن را بدست میآورد و می بیند .

امام ابو جعفر ابن زبیر<sup>1</sup> گفته در تحت این قول الله ( جل جلاله ) ( هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً ) تعریف انسان از حالت آغازین حالش تا اینکه بداند ، که هیچ راه کبر و تکبر برایش باقی نیست .

و باور رهبری نفس خود را ندارد بلکه تمام نفوس در قبضه الله است . و چنان در حدیث رسول الله ( صلی الله علیه و سلم ) در حدیث مرد سیاه رنگ حبشی گذشت  
( والذی نفسی بیده ) آمده بود .<sup>2</sup>

تا اینکه اشتباه در مورد احسانان الهی نکند و بداند که همه این ها از پیدایش شروع تاشنوای و بنای وفهم ادراک تمام نعمت های الله ( جل جلاله ) است و بس .

### **مطلب دوم : مقاصد و اهداف سوره مبارکه انسان :**

1: از جمله بازرترین مقصد این سوره مبارکه تذکر و یاد آوری انسان به نعمتهای بزرگ الله متعال است که چگونگی آفرینش انسان از نطفه ( امشاج ) مختلط و اوراشنوای و بناگرداندن است و راهنمای نمودن انسان است برای خوب و بد و عده نمودن برای انسان نعمتهای دائمی را در صورت اطاعت و فرمان برداریش .

2: انذار و خوف دادن کافران از عواقب بد ، و ناگوارشان در صورت دوام به کفرشان .

<sup>1</sup>: محمد بن حسن بن زبیر اُسَی ابو جعفر کوفی متوفی 200 هـ ق ازوی نسائی ، ابن ماجه روایت نمود ، ابن حجر گفته صدوق است با نرمی امام ذهبی ضعیف گفته

<sup>2</sup>: نظم درر فی تناسب آیات و سور - ج 8 - ص 260

- 3: اثبات حقانیت قرآنکریم که از نزد الله متعال آمده و نازل شده .
- 4: امر نمودن پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) به صبر و شکیبایی<sup>1</sup>
- 5: ذکر نمودن الله متعال را در صبح و شام بطور وفرت و کثرت
- 6: بیان حکمت الله متعال در شامل نمودن و داخل کردن بعض بند گانش را در رحمت خود .
- 7: بیان عواقب بد برای ظالمان که ، الله متعال برای شان عذاب الیم آماده کرده است .<sup>1</sup>

### مطلب سوم : خصائص و امتیازات ، ویژه گی های سوره مبارک الا نسان :

- از دید گاه صاحب موسوعه قرآنی خصائص و ویژه گیهای سوره الا نسان قرار ذیل است .
- الف : خلق و آفرینش الا نسان از نطفه ( امشاج ) آب مختلط مرد و زن .
- ب : جزاء و پاداش برای شاکرین ( سپاس گذاران ) در برابر اعمال شان و سزا و عقاب برای کافران در مقابل اعمال زیشت شان عذاب الیم را آماده کرده است ، الله ( جل جلاله ) .
- ج : وصف و معرفی دوزخ بشکل کوتاه و مختصر در یک آیت ، وصف و تعریف جنت بشکل تفصیلی در حدود 18 آیات مبارک سوره الا نسان .
- د : ذکر احسان بر پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) و امر نمودن وی را الله متعال به صبر و شکیبایی و امر نمودن پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) را به قیام لیل ( نماز تهجد ) .
- ه : اظهار احسان به مخلوقات در حکم خلقت و آفرینش شان .
- و : اضافت و نسبت دادن تمام خواست و مشئیت به خداوند ( جل جلاله ) .

### - اما در توجیه الناظرین امتیازات و ویژه گی های این سوره چنین بیان کرده است .

- الف : در آغاز این سوره از آفرینش انسان سخن گفته شده .
- ب : بیان صفات مؤمنین شده است .
- ج : ذکر انعامات خاصه برای مؤمنین در جنت .
- د : ذکر و بیان دو چشمه بنام های ( کافور و سلسبیل ) .<sup>2</sup>

<sup>1</sup>: طنطاوی داکتر محمد سید تفسیر الوسیط القرآنکریم - ج 15 - ص 212 - ناشر : دار نهضت مص ر قاهره  
<sup>2</sup>: رستمی توجیه الناظرین - ج 1 - ص 322

## فصل دوم :

مقاطع سوره مبارکه انسان که شامل مباحث ذیل می باشد

### مبحث اول:

مقاطع اساسی سوره مبارکه

### مبحث دوم:

مقاطع فرعی سوره مبارکه

## مقطع اول: مراحل واطوار خلقت ، و آفرینش انسان

{هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا 1 إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا 2 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا 3} 1 آیا مدّت زمانی بر انسان گذشته است و او چیز قابل ذکر و شایسته توجّه نبوده است. 1 ما انسان را از نطفه آمیخته آفریده ایم ، و چون او را می آزمائیم ، وی را شنوا و بینا ، کرده ایم 2 ما راه را بدو نموده ایم ، چه او سپاسگزار باشد یا بسیار ناسپاس 3 ■ 2

### خلاصه تفسیر :

کلمه هل در اینجا بمعنای قد است ، در کلمه انسان دوقول وجود دارد ، یک : مراد از انسان در اینجا آدم ( علیه صلاة و سلام ) است ، و او آفریده شده بعد از آفرینش آسمانها و زمین ، در آخر روز ششم هفته ( جمعه ) ،

دوم : ، مراد از انسان در اینجا تمام انسان ها می باشد .

در جمله ( حین من الدهر ) سه وجه است - 1 - عبد الله ابن عباس ( رضی الله عنه ) در روایت گفته ، مراد از حین من الدهر در اینجا ، چهل سال گذشته پیش از دمیدن روح ( نفخ روح ) است که ، اودر میان مکه و طائف باقی بوده <sup>3</sup>

2: ابن عباس (رضی الله عنه) روایت کرده ، که مراد از حین من الدهر همان است که آدم (علیه السلام) از (خاک) آفریده شد در این حالت چهل سال باقی مانده ، بعد از آن گل (خمر) شد که دارای رنگ سیاه و بوی گین (حمامسون) گشت ، و در این حالت هم چهل سال مانده .  
مرحله بعدی که گل قالب شده خشک شده (صلصال ک لفخار) گشت در این حالت هم چهل سال مانده سپس آفرینش تمام می شود بعد از گذشت یکصد و بیست سال سپس روح دمیده میشود در کالبد و یاقالب او .<sup>4</sup>

3 : در قول سوم هم روایت از ابن عباس ( رضی الله عنه ) آمده که مراد از حین من الدهر وقت و زمان غیر معین و غیر مقدر است .

در جمله ( لم یکن شیاء مذکور ) دوجه است ، وجه اول . هیچ چیزی مذکور نبوده در پیدایش و آفرینش او ، و اگر چند نزد الله ( جل جلاله ) چیز مذکور بوده

<sup>1</sup>: سوره انسان آیت 1-3

<sup>2</sup>: خرم دل تفسیر نور - ج 1 - ص 1243

<sup>3</sup>: تفسیر ماوردی - ج 6 - ص 164

<sup>4</sup>: مرجهه فوق

وجه دوم هدف از لم یکن شیاء مذکوراً جسد مصور و جور شده از خاک و گل بود اما ، معرفی نبوده و نمی دانست هیچ کسی به ذات الله (جل جلاله) نام او را و جایگاه او را سپس روح دمیده میشود مذکور میگردد . و او پیداشده از تمام حیوانات و بعد از او هیچ حیوان پیدانشده .

در مورد کلمه (نطفه ) گفته شده که مراد از نطفه آب مرد و آب زن می باشد که وقت که باهم آمیخته شود . میگردد امشاج<sup>1</sup> .

### درباره کلمه (امشاج) چهار وجوه وجود دارد .

1 : آب مرد و آب زن باهم آمیخته شود امشاج گفته می شود .

2: هدف از امشاج رنگ و لون است . آب و اسپرم مرد سفید مایل به سرخی دارد ، و آب زن سبز مایل به زردی دارد .

طوریکه سعید و قتاده از انس (رضی الله عنه ) روایت کرده و گفته اند ، رسول الله ( صلی الله علیه وسلم) فرموده ( ماء الرجل غلیظ أبيض ، و ماء المرأة رقیق أصفراً یهما سبق و علا ف منه یكون اشبه )<sup>2</sup> آب مرد سخت و غلیظ و رنگش سفید است ، اما آب زن نرم و رقیق و رنگش زرد است .

3 : کلمه امشاج به اطوار و مراحل خلقت و آفرینش اشاره شد ، مرحله نطفه ، مرحله خون بسته ، مرحله قطعه گوشت جویده شده، مرحله تغیر یافتن گوشت به استخوان ، مرحله پوشش استخوان توسط گوشت و در حال که استخوان و عصب از آب مرد تشکیل می شود ، و گوشت ، لحم شحم از آب زن پیدامیشود.<sup>3</sup>

4 : ابن مسعود گفته که ، هدف از امشاج در اینجا عروق و عصب که در نطفه وجود ، دارد است در مورد کلمه (نبتله)دومعنی وجود دارد .

1 : هدف از نبتله امتحان و آزمایش است .

2 : هدف از نبتله تکلیف به عمل است .

در صورت که از نبتله امتحان و آزمایش گرفته شود باز امتحان دو قسم است . یکی " کلبی گفته امتحان خیر ، و امتحان شر . دوم " امتحان میکنم انسان را در سپاس گذاری دسری و علنی و به صبر امتحان میکنم در حالت ، ضرر و مصیبت .

در صورت که نبتله را به تعبیر دوم ( عمل و امری تکلفی ) گرفته شود در این صورت هم نظر وجود دارد 1 - مقاتل گفته ، عمل بعد از آفرینش 2 - دین است که امری تکلفی داده به اطاعت و متع شدن از انجام معصیت .<sup>4</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر وسیط واحدی - ج 4 - ص 398

<sup>2</sup>: صحیح مسلم - ج 1 - ص 250 - شماره حدیث 311

<sup>3</sup>: تفسیر ماوردی ج 6 ص 164

<sup>4</sup>: تفسیر بغوی ج 5 - ص 189

در مورد (فجعلناه سمياً بصيراً) دو توجه صورت گرفته است . 1 - مراد سمعاً بصراً شنیدن به هردو گوش و دیدن به هردو چشم می باشد که اظهار احسان به نعمت از جانب الهی بالای انسان است  
2 مقاتل گفته که هدف از سمعاً بصراً عقل و تمیز است که دوحواس خاص نموده رکر کرده ( شنوای وبنای) است از خاطر شرف شان .

در مورد ( اناهدیناه السبیل ) پنج توجه موجود است .

1: مراد از این راه خیر و نیکی ، و راه شروبدی است .

2 : مراد در این جاه هدایت و راهنمای ، وضالالت و گمراهی است .

3 : مراد در اینجاه راه سعادت ، و راه شقاوت است .

4 : مراد در اینجاه راه خروج از رحم مادر است .

5 : مراد در اینجاه راه منافع ، و راه ضرر است .

#### اسباب هدایت چهار چیز است :

اول : عقل ، هدایت بوسیله عقل صورت میگیرد .

دوم : دلیل نفسی و افاقی ، هدایت بوسیله اقامه دلایل نفسی و افاقی صورت می گیرد .

سوم : پیامبران الهی ، هدایت بوسیله ارسال پیامبران صورت می گیرد .

چهارم : کتابهای آسمانی ، هدایت بوسیله فرود آمدن کتابهای آسمانی صورت می گیرد .<sup>1</sup>

در مورد (اماشاکراً و اماکفوراً) دو توجه وجود دارد . یکی " مراد از شاکر مؤمن است ، و مراد از کفور کافر است . دو " سپاس گذاری نعمت ، ناسپاس نعمت است .<sup>2</sup>

آیا انسان میخواهد بفهماند انسان موجودی است حادث ، که در پدید آمدنش نیاز مند به صانع است تا او را بسازد و خالق که او را خلق کند و همینطور هم بوده است ، پروردگارش او را آفریده و به تدبیر ربوبیت اش به ابزار شعور یعنی سمع و بصر مجهز کرده ، تا بآن ابزار شعور به راه حق هدایت شود . ناچیز بودن انسان گاهی طبیعی است { لم یکن شیاء مذکوراً } ولی باتأ سف باید گفت که در برخی از اوقات همین انسان به عمل و یا گفتار ناخردمندانه اش منزلت خویش را به سرحد ناچیز بودن میرساند . طوریکه قرآن عظیم الشان می فرماید { یا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا النُّورَةَ وَالْإِنجِيلَ }<sup>3</sup>  
ای اهل کتاب ! اگر کتاب آسمانی را برپاندارید ، هیچ هستید<sup>4</sup> کلمه انسان شصت و پنج بار در قرآن کریم به کار رفته است ، که از آن جمله دوازده بار از خلقت انسان از نطفه یاد آوری بعمل آورده است ، تا هم

<sup>1</sup>: تفسیر ازهر البیان - ج 9 - ص 158

<sup>2</sup>: جامع الاحکام قرطبی ج 30 - 739

<sup>3</sup>: سوره مائده آیت 68

<sup>4</sup>: خرم دل تفسیر نور - ج 1 - ص 213

قدرت خداوند ( جل جلاله ) معلوم شود که از نطفه ای انسان را می سازد و هم انسان دچار غرور و تکبر نگردد .

اگر به صورت کل که به فحوی این آیات نظر انداخته شود، در خواهیم یافت که از آن جسد ظاهری و صورت ظاهری مراد نیست چنانکه در بشر صورت ظاهری مراد است ، بلکه باطن ، نهاد ، استعداد ، انسانیت و عواطف او در نظر اند .

خداوند متعال در نیکوترین شیوه انسان را خلق کرده ، وی را بالاترین کرامت بخشید و هستی را برایش مسخر کرد تا سبب تمایز و برتری وی شود .

به وی نعمت عقل را ارزانی فرمود و بر فطرتی آفرید که به سوی کمال سیر کند و در او میل به شهوت قرار داد تا با تجربه صبر و شکر در برابر آن راه نزدیکی به الله ( جل جلاله ) برایش میسر گردد .

به او آزادی و اختیار بخشید ، تا اعمالش را ارزشمند گرداند . و برایش کتاب های فرستاد تا به او الهام کند که پاکی ها برایش مجاز و پلیدی ها برایش ممنوع است . خداوند ( جل جلاله ) این همه را به انسان نمایان کرد که پروردگارش را بشناسد و بندگی او را به جای آورد و در نهایت ، خو شبختی دنیا و آخرت را برای خود رقم زند .<sup>1</sup>

### واقعاً خلقت انسان معجزه است :

در حیات هر کدام از انسان ها نشانه های اعجاز آوری است که آشکارا بر عظمت خدای عزوجل دلالت می نمایند ، که از جمله آن ها تشکیل جسم ما انسان ها است که نسبت به هر چیز برای مانزدیک تر است .

بطور مثال در سر هر کدام از ما سه صد هزار موی وجود دارد ، که هر موی دارای پیاز ، رگ ، سرخ رگ ، ماهچه ، عصب ، غدهی چربی می باشد .

به شبکه چشم نظر اندازیم که دارای ده قسمت می باشد ، که در بین مخروط چشم و کمانک آن صد و چهل میلیون گیرنده نویافت میگردد ، و عصب بینای که از چشم به مغز میرسد شامل پنج هزار تار عصبی است .

به گوش نظر بیاندازیم ، مانند شبکه چشم در آن قسمت های مختلف وجود دارد ، و در آن سی هزار سلول صرف برای شنیدن صدا از جمله خفیف ترین صدا وجود دارد . به مغز نظر بیاندازیم در مغز دستگاهی است که تقاضل زمانیکه از یک هزار و ششصد نایه کمتر است برای حصول صدابه هر گوش را اندازه گیری می نماید ، و جهت صدابرا برای انسان معلوم و معین می سازد .

<sup>1</sup>: تفسیر احمد - ج 29 - ص 474

به زبان نظر بیاندازیم؛ در روی زبان جهت شناخت مزه های شیرین، ترش، تلخ، و شور برآمده گی چشای وجود دارد، که وظیفه آن انتقال مزه خوردنی هابه مغز میباشد. هر حرفی که بر روی زبان به صدا درمیاید، هفده عضله درتشکیل آن شرکت من نمایند. چه کسی باور من نماید؟ که در قسمت داخلی دهان پنجمصد هزار سلول وجود دارد؟ و در هر پنج دقیقه نیم میلیون سلول در دیوار ه داخلی از بین رفته، و نیم میلیون سلول جدید دیگر جای آن هارا پر میکند.

کرویات سرخ خون چنانچه کنار هم چیده شوند طول آن شش برابر محیط زمین می باشد، و در هر میلیمتر مکعب خون پنج میلیون گلبول سرخ وجود دارد، و هر گلبول سرخ در روز هزار و پنجمصد بار در خون به گردش درمیاید، و مسافت هزار و پنجاه کیلومتر را طی می نماید.

به قلب انسان نظراندازیم؛ قلب انسان در عمر متوسط بیشتر از ظرفیت یک ساختمان آسمان خراش خون پمپ می نماید، در یک دقیقه شصت الی هشتاد بار نبض می زند، و در روز هزار بار میتپد، که در این تعداد تپش هشت هزار لیتر خون پمپ می نماید و هر در صدلیتر معادل یک بیلر می باشد، و برخی دانشمندان تهیه خون توسط قلب را در عمر، پنجاه و شش میلیون گیلن حساب نموده اند و هر گیلن معادل پنج لیتر می باشد.<sup>1</sup>

و انسان در هر 2 ثانیه صد و بیست میلیون سلول مصرف می نماید، و مغز انسان دارای چهارده میلیارد سلول بیرونی و صد میلیارد سلول پایه ای می باشد که کار آ آنها هنوز شناخته نشده است، و مغز پیچیده ترین دستگاه در وجود انسان می باشد، با این وجود مغز از فهم حقیقت خود عاجز است.

و در دوشش (ریه) انسان همسان خوشه های انگور هفتصد میلیون نوع سلول ریوی وجود دارد و اگر پخش گردند مساحت دو صد متر مکعب را اشغال می نماید، و هر دو شش در روز بیست و پنج هزار بار می تپد، و صد و هشتاد متر مکعب استنشاق می نماید.

به جگر انسان نظربه اندازیم، در جگر سیصد میلیارد سلول وجود دارد که در ظرف چهار ماه تماماً تجدید میگردد، و وظایف جگر بی نهایت فروان است، مهم و حیرت آور است، طوری که انسان بدون جگر بیش از سه ساعت نمی توان زنده ماند.

و اگر به معده نظر به اندازیم صرف در جدار معده میلیاردها سلول وجود دارد. که در یک روز افزون بر چند لیتر اسید را تراوش می نماید، و دانشمندان در حل این معما (که چرامعده خودش خود را هضم نمی نماید؟

بسیار تلاش نموده اند که علت آنرا از لحاظ علم دریافت نمایند که تا هنوز بدان قادر نه شده اند، بناءً گفته میتوانیم که همین معده با این وظایف اش معجزه میباشد.

<sup>1</sup>: تفسیر احمد - ج 29 - ص 479



واگر به رود ه نظر به اندازیم ؛ در روده سه هزار و ششصد موی روده ای جهت مکیدن در هر سانتی متر مربع یافت می‌گردد ، و این موی ها تماماً هر چهل و هشت ساعت دوباره تجدید حیات می نمایند .  
و همچنان اگر به گرده ها نظر اندازیم ؛ گرده ها دومیلیون دستگاه تصفیه خون که طول آنها روی هم صد کیلو متر می باشد ، وجود دارد .

که در هر روز ، پنج بار خون از آنها عبور می نماید . وزیر لایه پوست پانزده میلیون تنظیم کننده و تهویه حرارت بدن یافت میشود ، که همان غده عرق ریز باشند و هر غده عرق ریز نیز دارای تهویه ، تنظیم ، تعدیل حرارت و رطوبت می باشد .<sup>1</sup> بناء با این چشم و کالبدی که ما با آن زندگی و حیات بسر میبریم ؛ نزدیک ترین شیء نسبت به ما می باشد و این واقعیت های است که اطباء ده ها سال پیش آنرا کشف نموده اند و مطلقاً جای جروبحت نیست و قرآنکریم نیز در این مورد می فرماید { وفی انفسکم افلاتبصرون }<sup>2</sup> و در خود شما آیاتی وجود دارد آیاتی بینید .<sup>3</sup>

### تمام مراحل آفرینش و خلقت معجزه سان انسان را قرآنکریم در یک آیت بیان کرده است .

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُمْ مَّن يَتُوقَىٰ وَمِنكُمْ مَّن يُرْدُّ إِلَىٰ أَرْضِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مَن بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا وَنَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِّن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ }<sup>4</sup> ای مردم ! اگر درباره رستاخیز تردید دارید ما شما را از خاک می آفرینیم ، سپس

به نطفه ، و بعد به خون بسته ، و پس از آن به يك قطعه گوشت در می آوریم که برخی بسامان ، و برخی نابسامان است

بدین خاطر است که برای شما روشن سازیم ما جنین هائی را که بخواهیم تا زمان خود در رحم ها نگاه می داریم و آن گاه شما را به صورت کودک بیرون می آوریم ، سپس

تا به رشد جسمانی و عقلانی خود می رسید . برخی از شما می میرند و بعضی از شما به نهایت عمر و غایت پیری می رسند . تا بدانجا که چیزی از علوم خود را به خاطر نخواهند داشت

تو زمین را خشک و خاموش می بینی ، اما هنگامی که بر آن آب می بارانیم ، حرکت و جنبش بدان می افتد و رشد و نمو می کند و انواع گیاهان زیبا و شادی بخش را می رویاند .<sup>5</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر احمد - ج 29 - ص 480

<sup>2</sup>: سوره ذریات آیت 21

<sup>3</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 1108

<sup>4</sup>: سوره حج آیت 5

<sup>5</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 679

## الف : مرحله اول آفرینش انسان :

1 - از خاک ( تراب ) { فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ } بدرستی که ما شمارا از خاک آفریدیم . این گام نخست است که انسان را بآن همه استعداد و شایستگی ها ، این برترین از موجودات جهان را از خاک که درکم ارزش بودن ضرب المثل است . پدید آمده است ، این نهایت قدرت نمای خداوند ( جل جلاله ) است . که از چنین مواد ساده ای چنان موجود بدیعی آفریده و پیداکرده است .

در اینجای منظور از خاک ممکن است که حضرت آدم ( علیه السلام ) باشد که از آن آفریده شده است . وهم چنین امکان دارد که اشاره به این باشد که همه انسان ها باشد قطع نظر از این که از خاک اساس شان هست . زیرا که تمام مواد غذای که نطفه را تشکیل میدهد از خاک انبأ کرده است ، البته بدون شک تمام اجزاء بدن اولادهای آدم ( علیه السلام ) از خاک گرفته نشده است ، ولی از آن جای که ستون اصلی اعضای بدن انسان را موادی که از خاک گرفته شده تشکیل میدهد .

امروز باتحلیل های لابراتواری ثابت شده است که ، جسم انسان حاوی همان عناصر تکوینی است که در خاک و گل زمین موجود است ، که در این تحلیل های جسم انسان متشلیک از کاربن ، اکسجن ، هایدروجن ، آهن ، کلسم ، و سلفر که این عناصر عیناً همان ، عناصر سازنده خاک می باشد .

وانسان از طریق محصولات گوشتی ، لبنی ، ویامواد خام تغذیه می کند ، هرچند که میزان موجودیت این عناصر از انسان تا انسان دیگر و همچنان از انسان تا خاک متفاوت است ، اما حقیقت این است که ، عناصر تشکیل دهنده ء خاک و انسان همین است .<sup>1</sup>

- در مورد آفرینش انسان حدیث گهر بار رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) آمده ، و بیان نموده است که آفرینش اولی انسان از خاک است .

[ حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: "إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنْ قَبْضَةٍ قَبْضُهَا مِنْ جَمِيعِ الْأَرْضِ، فَجَاءَ بَنُو آدَمَ عَلَى قَدْرِ الْأَرْضِ: جَاءَ مِنْهُمْ الْأَحْمَرُ، وَالْأَبْيَضُ، وَالْأَسْوَدُ، وَبَيْنَ ذَلِكَ، وَالسَّهْلُ، وَالْحَزْنُ، وَالْخَبِيثُ، وَالطَّيِّبُ"<sup>2</sup>

ابو موسی اشعری ( رضی الله عنه ) روایت کرده که رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) فرموده الله متعال آفریده آدم را از قبضه که شامل تمام اجزاء زمین بوده پس ، اولاد های آدم آمده به اندازه او بعضی شان ، سرخ ، سفید ، و سیاه و در میان آن و خوش خوی ، بدخوی ، نیک ، و بد است .

و همچنان بر ادفع گمان دز عم باطل منکرین بعث و زنده کردن بعد از مرگ که کافران انکار میکردن از زنده شدن بعد از مرگ که الله ( جل جلاله ) چطور استخوانهای پوسیده و تاسیده را دوباره زنده میکند .

<sup>1</sup>: شهید سید قطب فی ظلال القرآن - ج 5 - ص 181 - مفاتیح الغیب تفسیر رازی - ج 23 ص 8 تفسیر بحر المحیط - ج 6 - ص 327

<sup>2</sup>: ابو داود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو آزدی سجستانی متوفی 275 هق سنن ابی داود باب فی قدر - ج 7 - ص 78 - تحقیق شعیب ارنؤوط - محمد کامل قره بللی - ناشر دار الرسالة عالمیة طبع اول 1430 هق 2009 م عدد اجزاء 7 = و سنن ترمذی باب ومن سورة البقره - ج 5 - ص 204 - و مسند أحمد - ج 32 - ص 353 و همچنان مسند أحمد - ج 32 ص 413

الله متعال از این خاطر اقامه دلیل نموده ، برای زنده کردن انسان ها از قبورشان در عرصات قیامت برای حساب ، و کتاب ، و پاداش ، و جزاء اعمال شان که ، نیکی باشد یا بدی .

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ<sup>1</sup> } ای مردم اگر شما شک هستید در مورد زنده کردن بعد از مرگ پس ما آفریدیم شما را از خاک .

الله ( جل جلاله ) دربار اول قادر بوده که ، شما را از خاک پیدا کند هیچ اثر از وجود شما دیده نمی شد ، پس الله ( جل جلاله ) قادرتر است در اینکه بار دوم هم شما را زنده کند از قبورتان زیرا که بار دوم سخت و دشوار نمی باشد از بار اول کرده مثلا ، ما در امور دنیا مان اگر اینجنر یک بار نقشه ساختمانی را طرح کند و به ساختن آن موفق شود دربار دوم شخصی دیگری عین همان نقشه را از اینجنر بخواهد ، بسیار به وجه آسان و ساده آن نقشه را تطبیق میکند و ساختمان را می سازد و جور میکند.<sup>2</sup>

پس آیت مبارکه دلیل قاطع است ، برای زنده کردن بعد از مرگ ، اگر کسی در مورد پیدایش اولی فکر کند مجال برای او باقی نمی ماند که انکار کند از زنده شدن بعد از مرگ .

در اینجا معنای خلق و آفرینش انسان از خاک همان آفرینش پدرشان هست که آدم ( علیه السلام ) می باشد ، و بعداً بی بی حواری او پیدا کرده ، پس وقت اصل و اساس انسان که از خاک بوده اطلاق برای همه انسان ها که آفرینش شان در اصل از خاک هست می شود .

زیرا که تمام انسان های که در روی زمین هست فرع پدر شان هستند ، که آن آدم ( علیه السلام ) است پس در قانون فروع تابع اصول و فرع تابع اصل می باشد.<sup>3</sup>

## 2: آفرینش انسان از گل خشک

در این مورد قرآن کریم بیان واضح نموده است ، { وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ<sup>4</sup> } به تحقیق آفریدیم انسان را از گل خشک صدادار سیاه ، بوگین (متغیر).<sup>5</sup>

ابی هریره (رضی الله عنه ) و ضحاک گفتند که ، هدف از انسان در اینجا آدم ( علیه السلام ) است . اما در مورد (صلصال ) سه توجه وجود دارد .

1 : هدف در این جا گل خشک است ، که در آن آتش نرسیده باشد .

2 : هدف آن گل باریگ آمیخته است .

<sup>1</sup>: سوره حج آیت 5

<sup>2</sup>: تفسیر أضوالبیان فی ایضاح القرآن بالقرآن - ج 23 - ص 26 = و تفسیر روح البیان - ج 8 - ص 362

<sup>3</sup>: أبو الفضل محمود الوسی روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی - ج 17 - ص 116 - ناشر دار احیاء التراث عربی - بیروت عدد اجزاء 30 جزء

<sup>4</sup>: سوره حجر آیت 26

<sup>5</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 516

- 3 : هدف از صلصال در این جاه ، گل بوی گین است .<sup>1</sup>  
 درمورید (مسنون ) هفت اتوجه است .
- 1 : ابن عباس گفته است ، گل بوی دهنده متغیر .
- 2 : مسنون بمعنای نصب وقائم است .
- 3 : مسنون دلک ومالیدن یک چیزی را با چیزی دیگری مانند دلک سنگی را با سنگ دیگری .
- 4 : مسنون بمعنای رختن آب را به یک باره و آنی از ظرفی (صب) .
- 5 : مسنون نسبت دادن یک شیء را بایک شخص ، مانند المال لزید . الدار لاحمد .
- 6 : مسنون بمعنای مرطوب ( تر ) آمده آمده است .
- 7 : مسنون بمعنای باز کردن یک چیز را گفته میشود .
- 8 : مسنون بمعنای مصور یا صورت دادن طوریکه از نافع روایت شده که از ابن عباس ( رضی الله ) سوال کردم در مورد معنای مسنون عبد الله بن عباس ( رضی الله ) جواب داد که مسنون بمعنی مصور وتصویر است .<sup>2</sup>
- در مورد کلمه جان سه توجه آمد .
- 1 : جان بمعنای ابلیس .
- 2 : جان بمعنای جن است .
- 3 : هدف از جان ابو الجن است (پدرجنیات ) .<sup>3</sup>  
 (نار سموم ) در این چند توجه است
- 1 : ابن عباس (رضی الله عنه ) گفته است شعله آتش است .
- 2 : هدف از نار سموم آتش وحرارت آفتاب است .
- 3 : نارسموم باد گرم وآتش بار است .
- 4 : نارسموم چنان آتش است که ، داخل می شود در مسمومات پوست بدن انسان<sup>4</sup>

### 3 : آفرینش انسان از خلاصه گل :

{وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ}<sup>5</sup>

به تحقیق آفریدیم انسان را از خلاصه گل .<sup>6</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر ماوردی النکت والعیون - ج 3 - ص 157

<sup>2</sup>: ایسر التفاسیر لکلام علی الکبیر ج 3 - ص 80

<sup>3</sup>: تفسیر أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن - ج 16 - ص 45

<sup>4</sup>: تحریر والتنویر - ج 14 - ص 42 = وتفسیر ماوردی - ج 3 - ص 157

<sup>5</sup>: سوره مؤمنون آیت 12

<sup>6</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 704

- قتاده گفته است که آدم (علیه السلام) از خلاصه و فشرده گل که از جانب خداوند (جل جلاله) آفریده شده است .
- 2 " هدف از سلاله من طین تمام انسانها میباشد زیرا که اصل و اساس تمام انسانها آدم (علیه السلام) است
- 3 " ابن عباس ( رضی الله عنه ) گفته مراد انسان آدم (علیه السلام) است . سلاله آب منی (اسپرم) است ، که گفته می شود که نطفه سلاله است ، اولاد سلیل ، و سلاله همان آب است که از پشت مرد میاید گفته می شود ( یسیل من ظهر الرجل )
- 4 " سلاله من طین همان گل است ، که وقت فشرده شود از میان انگشتان خارج می شود از خاطر رقیق و نرم بودنش .<sup>1</sup>
- 5 " ( استل آدم من الطین ) خارج کرده شده آدم از گل . و خلق کرده شده اولادهای او از آب بی تمکین و سست .
- 6 " مجاهد گفته است که سلاله من طین بمعنی خارج کرده شده ، و خلق شدن اولاد آدم از منی (اسپرم)<sup>2</sup>
- 7 " سلاله من طین بمعنای این است که ، انسان گرفته شده از تمام حصص زمین و از همین خاطر اولادها آدم متفاوت پیدا شده اند . یعنی مثل زمین که آرایش متفاوت است ( بعض انسان خوب ، بعض شان بد ، بعض شان پاک ، بعض شان ناپاک ، بعض شان سخت گیر ، بعض شان آسان گیر ، بعض شان خوش طبع ، خوش خندان ، بعض شان غم گین و محزون ) به رنگهای متفاوت هستند ، سیاه ، سفید ، گندمی ، سرخ ، درمیانه .<sup>3</sup>
- 8 " سلاله من طین ، بمعنای اینکه ماخلق و پیدا کردیم پدر و آباء شمار از اجزاء که خارج شده بود از گل<sup>4</sup>

### آفرینش انسان از گل چسپ ناک :

{فَأَسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ}<sup>5</sup> از ایشان سوال کن که ، آیا شما بسیار سخت هستید از روی پیدایش یا آن مخلوقات را که ، ما پیدا کردیم ، ما آفریدیم ایشانان را از گل چسپ ناک .<sup>6</sup> در این مورید اقوال متعدد وجود دارد .

1 " ابن عباس و علی (رضی الله عنهما) گفتن که ، گل چسپنده در اجزاء همدیگرش است .

<sup>1</sup>: قرطبی ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح انصاری خزرجی شمس الدین متوفی 671 هـ ق جامع الاحکام - ج 12 - ص 109 ناشر دار عالم لکنتب ریاض سعودی عربی - و تفسیر بغوی - ج 3 - ص 361

<sup>2</sup>: طبری محمد بن جریر بن بزید بن کثیر بن غائب الأملی ، ابو جعفر - جامع البیان فی تأویل القرآن - ج 19 - ص 14 تحقیق احمد شاکر - ناشر مؤسسه رساله - طبع اول 1420 هـ ق عدد اجزاء 24 جزء

<sup>3</sup>: سعدی عبد الرحمن بن ناصر بن سعدی - تفسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام منان - ج 1 - ص 548 - تحقیق عبد الرحمن بن معلا اللویح - ناشر مؤسسه رساله طبع اول 1420 هـ ق

<sup>4</sup>: تفسیر وسیط طنطاوی - ج 10 - ص 16

<sup>5</sup>: سوره صافات آیت 11

<sup>6</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 934

- 2 " عکرمه گفته است که طین لازب گل لزج ( بسیار تسمه ) است .
- 3 " قتاده گفته است که طین لازب بمعنای گل چسپنده به شیء دیگر (مثل دردیوار و خشت )<sup>1</sup>
- 4 " طین لازب بمعنای گل لازم
- 5 " طبری<sup>2</sup> گفته است طین لازب بمعنای این است که آفریدیم انسان را از گل لاصق (چسپنده ) آمیخته از خاک ، آب ، آتش ، هوا این چنین گل که از ترکیب یافته باشد ، از چهار ماده . گفته می شود به زبان عربی طیناً لازباً<sup>3</sup>
- 6 " از منکرین قیامت وبعث ، سوال کن که ، زنده کردن بعد از مرگ ایشان سخت و دشوار است ، یا خلق کردن آسمانها ، وزمین، وکوها در این شک نیست که ، پیداکردن آسمانها ، وزمین ، کوها دشوارتر است از زنده کردن ایشان بعد از مرگ ، پس لازم است که اقرار نمود که زنده گی ز بعد از مرگ هست و می باشد .
- اگر انسان فکر کند که ابتداء پیدایش شان از گل چسپ ناک هیچ وقت به فکر انکار زنده شدن بعد از مرگ نمی شد .<sup>4</sup>
- 7 " در آیت مبارکه دو دلیل وجود دارد ، به ثبوت زنده گی پس از از مرگ .
- یک : اعتراف مشرکین بر اینکه آفرینش و پیداکردن آسمانها ، وزمین ، کوها دشوار تر است از خلق کردن انسانها را کرده .
- دوم : آفرینش انسان از گل چسپ ناک ذات اقدس قادروتوانا بود به پیداکردن انسان از گل چسپ ناک و او قادرتر است به دوباره زنده کردن انسان بعد از اینکه استخوان ها شان گرد و غبار گردد .
- یک ضرب المثل معروف است ، در نزد عاقلان ، بار دوم آسان تر است از بار اول کرده<sup>5</sup>
- 4: آفرینش انسان از گل خشک صدادارمانندپخته شده در آتش :**

{ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ }<sup>6</sup> . آفریده شده انسان از گل خشک صدادار مانند پخته شده در آتش .<sup>7</sup>

- 1 " ابن عباس (رضی الله عنهما) گفته است که ، گل آمیخته و خلط شده باریگ است .
- 2 " قتاده گفته است که ، گل است خشک شنیده می شود از او صدای را .

<sup>1</sup>: تفسیر ماوردی - ج 5 - ص 40 = و ابن کثر - ج 7 - ص 5 = . قرطبی - ج 15 - ص 68

<sup>2</sup>: محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غائب الأملی ، ابو جعفر طبری متولد 224 ه ق در آمل طبرستان متوفی 310 ه ق در بغداد دارای ده ها تصانف است تاریخ تفسیر در باب حدیث

<sup>3</sup>: تفسیر جامع البیان - ج 21 - ص 19

<sup>4</sup>: تفسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام منان - ج 1 - ص 700 = و ابن عاشور تحریر و التتویر - ج 23 - ص 82

<sup>5</sup>: تفسیر وسیط طنطاوی - ج 12 - ص 73

<sup>6</sup>: سوره رحمن آیت 14

<sup>7</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 1137

3 " گل است که اجوف (میان خالی) وقت باچیز تماس گیرد صدا از او شنیده میشود .

4 " گل پخته شده است یا مانند پخته شده است .

[قال عبد الله بن سلام : خلق الله آدم من تراب من طين لازب ، فترکه كذلك أربعين سنة ، ثم صلصلة كالفخار أربعين سنة ، ثم صوره فترکه جسداً لا روح فيه أربعين سنة ، فذلك مائة وعشرون سنة ، كل ذلك والملائكة تقول سبحان الذي خلقك ، لأمر ما خلقك].<sup>1</sup>

عبد الله ابن سلام (رضی الله عنه) گفته است که ،الله متعال آفرید آدم را از خاک وگل چسپ ناک ودراین حالت گذاشت وترکش کرد چهل سال ، سپس گرداندش گل خشک صدادار ودراین مرحله هم چهل سال گذاشت وترکش کرد ،سپس کالبدش را قالب کرد ودراین حالت هم چهل سال ترکش کرد که روح نداشت .واین یکصدوبیست سال شد ، هر وقت ملائکه هابر او می گفتن پاک است اوداتی ک ترا پیدا کرد ، برای کدام امر خلق کرده تورا .

درمیان آیات که درمورد خلق انسان از خاک ، گل آمده است . هیچ نوع تعارض وجود ندارد ( تراب ، طین ، صلصال ، حمامسون ) بلکه تمام سخن درمورد مرحله به مرحله پیدایش انسان بوده ، که خاک گل شده سپس گل خمیر شده ، پس وقت سر این خمیر گذشت گل متغیر گشت ، بعد از قالب شدنش خشک شده ، به گل صدادار گشت . دراین مورد هیچ تصادم درمیان آیات نیست بلکه برای همدیگر مؤید وتائید کننده هستند . در حدیث آمده است ، الله ( جل جلاله ) سه چیز را بدست بلاکیف خود خلق کرده است .

1 " آدم ( علیه السلام ) را بدست بلاکیف خود آفریده .

2 " تورات را بدست بلاکیف خود نویسته است .

3 " فردوس را بدست بلاکیف خود غرس نموده است .<sup>2</sup>

**همچنان در اثر آمده ایت که ، کعب قرظی از عبد الله بن عباس (رضی الله عنهما) روایت کرده که عمر(رضی الله عنه) روز در جمع اصحاب کرام نشسته بود ، که از مهاجرین وانصار تشکیل یافته بودن ، درمورد شب قدر سخن رفت بعض شان گفتن چیز را که شنیده بودن عمر (رضی الله عنه) برای ابن عباس گفت چراخاموش هستی وسخن نمی گوی دراین مورد .**

عبد الله ابن عباس گفت ای امر المؤمنین . الله متعال وتر است دوست دارد ، وتر را الله ( جل جلاله ) روزهای دنیارا هفت روز ساخته در هفته ، وانسان را در هفت مراحل آفریده است آسمانها را به هفت

<sup>1</sup>: تفسیر ماوردی - ج 5 - ص 428

<sup>2</sup>: تفسیر بغوی - ج 3 - ص 361

طبقه در بالای سر مان خلق کرده ، وزمین را در زیر پای مان هفت طبقه پیدا کرده است . الله ( جل جلاله ) منع نموده از نکاح کردن به هفت نوع محرمات ( محرمات نکاحی هفت ) .  
تقسیم میراث هفت قسم است ، و به هفت اعضای بدن سجده میکنیم ، رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) به کعبه هفت طواف کرده ، وسعی در میان صفاومروه هفت بار است ، جمرات در مراسم حج هفت بار است ، شب قدر هم بیست هفتم رمضان است . عمر ( رضی الله تعالی عنه ) متعجب شده گفت ، در این مجلس با هیچ یکی من موافق نیستم جز باین غلام ( عبدالله ابن عباس )<sup>1</sup>

## ب : مرحله جنین :

### 1 : انسان از قطره آبی آفریده شده است :

انسان از نظر زسیت شناسان به اسفنجی میماند که ، او را آب گرفته است . یک فرد هفتاد کیلوی پنجاه لیتر آب دارد ، و این نسبت ثابت و غیر ممکن است که این نسبت را تغیر داد بدون اینکه دچار ناراحتی نشود اگر شخصی بیست درصد آب بدنش را از دست دهد دیگر سلامتی خود را باز نخواهد یافت .  
از این جاست که خالق لایزال می فرماید { وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا }<sup>2</sup> . اوست ذاتی که آفریده است آب بشر را گردانیده در میان شان ، نسب و خویشاوندرا ( خسردامادی ) را وهست پروردگارت توانا .<sup>3</sup> این مسله با آنچه که یک اصل مسلم و پذیرفته شده روز است هم خوانی مستقیم دارد چون انسانباینکه در اصل مسلم جسم مخلوط از آب بوده و نیاز مبرم در حیات خود به آب دارد ، وبدون آن نمیتواند امرار معیشت نماید .  
از این آب خلق کرده جنین را که ، مذکر را که محل وموضوع نسب است ، ومؤنث را که محل وموضوع خویشاوندی و ( خسردامادی ) است ، وهمه حیات بشر ناشی از این آب است ، وبشر به آن آب ضرورت دارد .

بعض گفته اند مراد از آب همان آبی که گل آدم ( علیه السلام ) خمیر شده به آن است . وبعض گفته اند که مراد این آب آبی منی واسپرم است .<sup>4</sup>

البته وجود آب نه تنها برای انسانها بلکه برای سائیر حیوانات ضروری است . که آن همه مسله بهم آمدن پدر ومادر است ، یعنی هیچ انسان نمیتواند از آن عاری باشد و آن بهم آمدن آب منی رقیق از طرف پدر ومادر می باشد که وسیله زنده گی برای انسان میگردد چنانچه خداوند ( جل جلاله )

<sup>1</sup>: تفسیر در المنثور - ج 15 - ص 558

<sup>2</sup>: سوره فرقان آیت 54

<sup>3</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 758

<sup>4</sup>: فی ظلال القرآن - ج 5 - ص 2573 = و فتح البیان فی مقاصد القرآن - ج 9 - ص 324



فرموده است { فَأَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ مِمَّ خُلِقَ - خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ - يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ }<sup>1</sup> انسان باید بنگرد و دقت کند که از چه چیز آفریده شده است - او از آب پرش کننده ناچیزی آفریده شده است - از میان پشت پدر و استخوانهای سینه مادر می گذرد و بیرون می آید.<sup>2</sup>

پس باید انسان نظر کند به عقل خود ، فکر کند ، و تدبر کند که ، آغاز پیدایش وی از چه چیزی بوره تا اینکه واضح شود ، قدرت باری تعالی که ، اوقاد به آفرینش انسان از مواد که هرگز توان استشمام بویش را ندارد است . پس پروردگار توانا است ، بر اینکه دوباره زنده کند مرده گان را بعد از مرگ شان.<sup>3</sup>

## 2 " نطفه در رحم مادر :

{ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ}.<sup>4</sup> سپس او را به صورت نطفه ای در آورده و در قرارگاه استوار ( رحم مادر ) جای میدهم.<sup>5</sup>

خاک این موجود ساده و پیش پا افتاده و خالی ، از حس و حرکت و حیات را ، تبدیل به نطفه می شود ، که از موجودات زنده ذره بینی اسرار آمیزی تشکیل یافته که در مرد ( اسپرم ) و در زن ( اوول ) نامیده می شود .

البته باید متذکر شد که در آیت شریفه قبلی همین سوره ( مؤمنون ) بیان شده که ، ما انسانها را از عصاره ای گل آفریدیم ، مراد از انسان نوع بشر است که در نتیجه شامل آدم ( علیه السلام ) و همه ذریه و نسل اومی شود ، لکن یک فرقی می توان بین ، خلقت آدم ( علیه السلام ) و بقیه انسان ها قائل شد ، و آن این است که ، حضرت آدم ( علیه السلام ) مستقیماً از گل آفریده شده .

ولی از آن به بعد نسل او از نطفه خلق شده اند ، به قرینه این که خداوند ( جل جلاله ) { إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا }<sup>6</sup> ما انسان را آفریدیم از نطفه مختلط و امتحان میکنیم او را و گردانیدیم او را شنوا ، و بینا .

در این آیت اشاره به نسل انسانی که ، بعد از آدم ( علیه السلام ) می آیند است .<sup>7</sup>

1 " بعض گفته اند که ، نطفه در صلب مرد قرارگاه ، و مکان ، مکین اش است تا وقت خروجش از صلب جای مناسب است برایش ، و اینتقالش به رحم که بودعه ( امانت ) گذاشته می شود در رحم .

<sup>1</sup>: سوره طارق آیت 5 = 7

<sup>2</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 1285

<sup>3</sup>: تفسیر مراعی - ج 30 - ص 112 = و فی ظلال القرآن - ج 6 - ص 3879

<sup>4</sup>: سوره مؤمنون آیت 13

<sup>5</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 704

<sup>6</sup>: سوره انسان آیت 2

<sup>7</sup>: تفسیر و سبیط طنطاوی - ج 10 - ص 16

2 " بعض دیگری گفته اند که ، جای استقرار ، امکان ، ممکن نطفه رحیم است ، و جای استوداع وودعه نطفه صلب است .

3 " بعض گفته اند که هر دو ( صلب ورحیم ) جای استقرار و امکان ، و ممکن نطفه شده می تواند .  
یعنی معنای آیت چنین می شود که ، ماقرار دادیم نطفه را در مکان حریر ، و محروز ( محفوظ و مصون) که ، او مکان صلب مرد است تا وقت خروجش و بعد از انتقال به رحیم زن ( رحیم ) جای مناسب است برای حفظ و استقرار نطفه تا وقت معین که ، خداوند ( جل جلاله ) خواسته باشد .<sup>1</sup>  
الله ( جل جلاله ) بعد از اطوار و مراحل آفرینش انسان { فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ }<sup>2</sup> مبارک و بابرکت است ، الله ( جل جلاله ) ا حسن ( بهترین ) خلق کننده است .<sup>3</sup> صاحب تفسیر روح البیان این بیت را ، در ضمن و تحت آیت نگاشته است . چون صورت تو بت نگارند بکشمیر + چون قامت تو سرو نگارند بکشورگر نقش تو پیش بت آزر بنگارند + از شرم فرو ریزد نقش بت آزر...<sup>4</sup> و همچنان در حدیث شریف آمده بیان آفرینش انسان از نطفه ، یهودی در رابطه سوال کرد .

[حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ حَدَّثَنَا أَبُو كُدَيْبَةَ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَرَّ يَهُودِيٌّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ فَقَالَتْ قُرَيْشٌ يَا يَهُودِيٌّ إِنَّ هَذَا يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ فَقَالَ لِأَسْأَلَنَّهُ عَنْ شَيْءٍ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا نَبِيٌّ قَالَ فَجَاءَ حَتَّى جَلَسَ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مِمَّ يُخْلَقُ الْإِنْسَانُ قَالَ يَا يَهُودِيٌّ مِنْ كُلِّ يُخْلَقُ مِنَ نُطْفَةِ الرَّجُلِ وَمِنْ نُطْفَةِ الْمَرْأَةِ فَأَمَّا نُطْفَةُ الرَّجُلِ فَنُطْفَةٌ غَلِيظَةٌ مِنْهَا الْعَظْمُ وَالْعَصَبُ وَأَمَّا نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ فَنُطْفَةٌ رَقِيقَةٌ مِنْهَا اللَّحْمُ وَالْدَّمُ فَقَامَ الْيَهُودِيٌّ فَقَالَ هَكَذَا كَانَ يَقُولُ مَنْ قَبْلَكَ]<sup>5</sup>

حدیث بیان کرده ، حسین ابن حسن و حدیث بیان کرده ابو کدینه از عطاء بن سائب از قاسم بن عبد الرحمن از پدرش از عبد الله گذرنمود یهودی از نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و او در حال که با اصحاب صحبت میکرد ، قریش برای یهودی گفت که .

ای یهودی این شخص گمان میکند که ، (نبی) است ، گفت یهودی که من حتماً از او سوال میکند چیز را نمیداند آن را کسی غیر از نبی آمد یهودی حتی نشصت سپس .

گفت ای محمد از چه چیز پیدا شده ، انسان گفت ای یهودی از نطفه مرد و نطفه زن ، امانطفه مرد سخت غلیظ است از او استخوان ، و عصب پیدامی شود ، هر چه نطفه زن ، نرم (رقیق) است گوشت

<sup>1</sup>: ثعلبی احمد بن محمد بن ابراهیم ابو اسحاق متوفی 427 هـ ق الکشف و البیان عن التفسیر (معروف به تفسیر ثعلبی) - ج 7 - ص 42 - تحقیق امام ابی محمد ابن عاشور ناشر دار احیاء التراث عربی بیروت لبنان - طبع اول 1422 هـ ق = و تفسیر ماتردی - ج 7 - ص 454

<sup>2</sup>: سوره مؤمنون جزئ آیت 14

<sup>3</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 704

<sup>4</sup>: استانبولی اسماعیل حقی ، بن مصطفی حنفی ، خلوتی ، مولی ابو فداء متوفی 1127 هـ ق تفسیر روح البیان - ج 10 - ص 178 - ناشر دار فکر عربی - بیروت - لبنان

<sup>5</sup>: امام احمد بن حنبل - مسند الامام احمد بن حنبل - ج 7 - ص 437 - شماره حدیث 4438 - تحقیق شعیب ارنؤوط - ناشر مؤسسه رساله چاپ دوم 1420 هـ ق

، و خون پیدامی شود یهودی استاد شد ، سپس گفت ، چنین گفتن کسانی که پیش از توبودن ( پیامبران گذشته ) .

همچنان در حدیث دیگری هم بیان پیدایش انسان از نطفه شده است . [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، رَفَعَهُ، قَالَ: الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ نَزَلَ إِلَيْهَا مَلَكٌ، فَإِذَا قَضَى اللَّهُ خَلْقَ مَا فِي بَطْنِهَا، قَالَ الْمَلَكُ: يَا رَبِّ، أَذَكَرٌ أَمْ أُنْثَى؟، فَيَقْضِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَيَكْتُبُ الْمَلَكُ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ، مَا عَمَلُهُ؟، فَيَقْضِي اللَّهُ إِلَى الْمَلَكِ، وَيَكْتُبُ الْمَلَكُ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، أَشَقِيٌّ أَمْ سَعِيدٌ؟، فَيَقْضِي اللَّهُ إِلَى الْمَلَكِ، وَيَكْتُبُ الْمَلَكُ " وَهَذَا الْحَدِيثُ قَدْ رَوَاهُ جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ مَوْثُوقًا، وَعَنْ حَذِيفَةَ بْنِ أَسِيدٍ مَرْفُوعًا، وَأَسْنَدُهُ رَبِيعَةُ بْنُ كَلْثُومِ بْنِ جَبْرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، وَلَا نَعْلَمُ أَسْنَدَ أَبُو الطُّفَيْلِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ إِلَّا هَذَا الْحَدِيثَ<sup>1</sup>]

حدیث بیان کرده حسن بن یحی ارزی ، گفته ، خبر داد مرا مسلم بن ابراهیم ، گفت خبر داد مرا ربیعہ بن کلثوم از پدرش و از ابی طفیل و از عبد الله بن مسعود ، بلند برده حدیث را براو (به پیامبر ) رسانده ه گفت بدبخت کسکه بدبوده در بطن مادرش وقت که نطفه واقع گردد، در رحم ، پائین می شود به طرفش ملک وقت الله فیصله کند پیدایش او را ملک میگوید ، ای پروردگار را .

مذکر باشد ، یامونث ؟ سپس نویسته میکند فصیله پروردگارش را ، سپس سوال میکند ملک ای پروردگار را عمل چه باشد ( نیک ، یابد ) نویسته میکند ملک فصیله الله (جل جلاله ) را .

سپس می گوید ملک ، ای پروردگار را نیک بخت باشد ، یابدبخت ، نویسته میکند ملک فصله الله (جل جلاله ) را . این حدیث را گروهی از ابی طفیل و او از عبدالله بن مسعود به گونه موقوفی روایت کردن .

اما از طریق ، حذیفه بن أسید مرفوع روایت شده . منسوب کرده ربیعہ بن کلثوم بن جبر به پدر او پدرش از طفیل و از عبدالله بن مسعود ، ونمی

### 3 " آفرینش انسان از خون بسته :

مرحله پس از نطفه ، علقه است که این مرحله ، سلول های نطفه هم چون دانه توت بدون شکل ، در کنار هم قرار می گیرند به صورت یک قطعه خون بسته می شوند. طوریکه الله (جل جلاله) فرموده است { ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ } سپس آفریدیم از خون بسته. عکرمه گفته است که خون بسته ی به رنگ (سرخ) است و مستطیله است (دراز)

<sup>1</sup>: بزار أبوبکر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبید الله عتکی ، معروف به بزار متوفی 292 ه ق \_ مسند بزار منشور باسم البحر الزخار - ج 4 - ص 280 - تحقیق محفوظ الرحمن زین الله + عادل بن سعد + وصیری عبد الخالق شافعی - ناشر مکتبه علوم والحکم مدینه منوره - طبع اول آغاز 1988 م - ختم 2009 م عدد اجزاء 18 جز ء

همچنان در حدیث شریف آمده و بیان کرده که انسان از نطفه آفریده شده است [قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ، قَالَ: " إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَكُونُ عَاقِبَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضَعَّةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكًا فَيُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ، وَيَقَالُ لَهُ: أَكْتُبْ عَمَلَهُ، وَرِزْقَهُ، وَأَجَلَهُ، وَشَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا، ثُمَّ يُنْفَخُ فِيهِ الرُّوحُ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَعْمَلُ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ كِتَابُهُ، فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ، وَيَعْمَلُ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ]<sup>1</sup>

عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) می‌گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که صادق مصدوق است، فرمود: نطفه هر یک از شما مدت چهل روز در رحم مادر، جمع می‌شود. سپس تا چهل روز دیگر، به شکل خون بسته در می‌آید. و بعد از چهل روز دیگر، به پاره گوشتی، تبدیل می‌شود. آنگاه، خداوند، فرشته‌ای را می‌فرستد و او را به نوشتن چهار چیز، مأمور می‌کند. و می‌گوید: عمل، رزق، أجل و شقاوت یا سعادتش را بنویس. آنگاه در او، روح دمیده می‌شود. اینجاست که مردی از شما اعمالی انجام می‌دهد که بین او و بهشت، فقط یک ذراع، باقی می‌ماند. ولی تقدیرش، بر او پیشی می‌گیرد و اعمال دوزخیان را انجام می‌دهد. (در نتیجه، به دوزخ می‌رود) و شخص دیگری از شما عملی انجام می‌دهد که بین او و جهنم، فقط یک ذراع، باقی می‌ماند. ولی تقدیر بر او پیشی می‌گیرد و اعمال بهشت‌یان را انجام می‌دهد (در نتیجه، به بهشت می‌رود).

همچنان در حدیث دیگر هم آمده است که انسان بعد از نطفه از خون بسته آفریده شده است [عَنْ أَنَسٍ؛ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بِالرَّحِمِ مَلَكًا فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ نَظْفَةِ أَيُّ رَبِّ عِلْقَةِ أَيُّ رَبِّ مَضْغَةٍ فَمَاذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلْقَهَا قَالَ: يَا رَبِّ ذَكَرًا، أَوْ أُنْثَى شَقِيًّا، أَوْ سَعِيدًا فَمَا الرِّزْقُ وَمَا الْأَجَلُ قَالَ: فَذَلِكَ يَكْتُبُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ].<sup>2</sup>

أنس (رضی الله عنه) روایت نموده که، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده، الله (جل جلاله) مؤظف نموده بالای رحم او (ملک) می‌گوید ای پروردگار نطفه، ای پروردگار خون بسته شده، ای پروردگار قطعه گوشت جویده شد، چیز که الله (جل جلاله) اراده کرده باشد همان پیدامی شود، باز ملک گفت ای پروردگار، مذکر ی مؤنث؟ بدبخت یا نیک بخت؟ چقدر روزیش وقت اجلش؟، آن را نویسته میکند در بطن مادرش.

و در حدیث دیگری هم آمده.

<sup>1</sup>: صحیح البخاری - ج 4 - ص 111 باب ذکر ملائکه شماره حدیث 3208 = و صحیح المسلم - ج 4 - ص 2036 - باب کیفیت خلق آدمی فی بطن امه - شماره حدیث - 4708

<sup>2</sup>: بزار أبوبکر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبید الله عتکی، معروف به بزار متوفی 292 هـ ق \_ مسند بزار منشور باسم بحر زخار - ج 14 - ص 34 - مسند ابی حمزه أنس بن مالک - تحقیق محفوظ الرحمن زین الله + عادل بن سعد + وصبری عبد الخالق شافعی - ناشر مکتبه علوم والحکم مدینه منوره - طبع اول آغا ز 1988 م - ختم 2009 م - عدد اجزاء 18 جزء = و صحیح بخاری - ج 1 - ص 70 - باب قول الله عزوجل شمره حدیث 318 = و صحیح مسلم - ج 4 - ص 2038 - باب کیفیت خلق آدمی فی بطن امه

[عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدٍ، يُبَلِّغُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: يَدْخُلُ الْمَلَكُ عَلَى النُّطْفَةِ بَعْدَ مَا تَسْتَقِرُّ فِي الرَّحِمِ بِأَرْبَعِينَ، أَوْ خَمْسَةَ وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً، فَيَقُولُ: يَا رَبَّ أَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ؟ فَيُكْتَبَانِ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ أَذْكَرٌ أَوْ أَنْثَى؟ فَيُكْتَبَانِ، وَيُكْتَبُ عَمَلُهُ وَأَثَرُهُ وَأَجَلُهُ وَرِزْقُهُ، ثُمَّ تُطَوَّى الصُّحُفُ، فَلَا يُزَادُ فِيهَا وَلَا يُنْقَصُ].<sup>1</sup>

حذیفه بن اسید گفته که رسیده ه برایش که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است ، وارید میشود ملک بالای نطفه بعداز استقرار و تمکین اش بعد از گذشت چهل شبانه وروز ، ویا چهل پنج شبانه روز ، سپس می گوید ای پروردگار بدبخت باشد ، یانیک بخت ؟ باز میگوید ای پروردگار را مذکر باشد ، یامؤنث ؟ پس نویسته میکند هر دو را .

نویسته می کند عمل وچگونگی آن را واجل اورا ، روزی اورا ، سپس بسته میشود صفحه کتابش ، زیادت و کمی در آن نمی شود .

#### 4 : آفرینش انسان از قطعه گوشت جویده شده :

دراین مرحله ، کم کم جنین شکل ، یک قطعه گوشت را به خود می گیرد نه آن که ، اعضای بدن در آن مشخص باشد .

اما ازاین مرحله به بعد ، بعضی از جنین ها ، خلقت و شکل آن ها کامل می شود ، یعنی تام الخلق می شوند و مراحل رشدرا ادامه میدهند .

ولی بعضی دیگرشان خلقت آن ها ناقص مانده و ادامه مراحل رشد محروم می شوند ، و سقط می گردند.<sup>2</sup>

{ ثُمَّ مِنْ مَّضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ }<sup>3</sup> سپس از گوشت جویده شده مانند تام الخقت ویا ناقص الخقت . درمورید مخلقه و غیرمخلقه چند نظرووجود دارد .

1 " ابن مسعود گفته است که آفریده شده ، ویا ترد شده از ارحام (نطفه) ردمی کند .

2 " قتاده گفته است ، تام الخلق ویا ناقص الخلق .

3 " مجاهد گفته است ، مصوره و غیر مصوره ، مانند سقط جنین .<sup>4</sup>

#### 5 : درآوردن قطعه گوشت به شکل استخوان :

دراین مرحله در پوست (جلد) جنین تغییرات پیدامی گردد و شکل آن متناسب باکاری که باید انجام دهد تغییرمی باید و اعضای بدن آن کم کم ، ظاهر می شود .

<sup>1</sup>: صحیح مسلم - ج 4 - ص 2044 باب کیفیت خلق آدمی فی بطن أمه - شماره حدیث 2644 = و مسند أحمد الرسالة - ج 26 - ص 64 شماره حدیث 16143

<sup>2</sup>: إيسر التفاسیر - ج 3 - ص 454 = وتفسیر زحیلی - ج 2 - ص 1626

<sup>3</sup>: سوره حج جزئ آیت 5

<sup>4</sup>: تفسیر ماوردی - ج 4 - ص 7

از شگفتی های این مرحله باید بیان داشت که این مرحله بامرحله ی قبل ، تفاوت اساسی وکل دارد ، چراکه آن گوشت جویده شده (مضغه ) به طورکامل ازجنس گوشت بودن خارج شده ، به استخوان تبدیل می گردد ، واین یکی از شگفتی های خلقت و آفرینش انسان است .  
 طوریکه الله متعال فرموده است. { فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا }<sup>1</sup> سپس قطعه گوشت ( مضغه ) به صورت ، استخوان ها درآوردیم .

هدف از گردانیدن ، گوشت را به استخوان محکم ومستحکم کردن ستون بدن ، است. وعمود پایه گردانیدیم استخوان هارا در بدن مقتضای حکمت خود. از نطفه انسان را آفرید ، بعض آن را گوشت (لحم) ساخت ، بعض آن را استخوان ، بعض آن را موی (شعر) ، بعض آن را ناخن (ظفر) ، بعض آن را عصب ، بعض آنرا جلد (پوست) ، بعض آن را مغز (مخ) ، بعض آن را رگ ( عرق) هراعضای را به گونه ی مخصوص وکیفیت معلوم ، اما صفات انسان را متفاوت ساخت ، از شنوای ، بینای ، از فکر واندیشه ، غضب قهر ، قوت وقدرت ، در علم ، اراده ، در شجاعت ودلاوری ، درجودت سخاوت ، در بخل عدوات در همه این مواصفات متفاوت هستند.<sup>2</sup>

## 6 : پوشاندن استخوانها توسط گوشت :

دراین مرحله لباس برای استخوانها در نظر گرفته می شود تا او را از آسیب هاو خطرات ، محافظت نماید وبه او زیبای بخشد ، زیراکه اگر این لباس براستخوان های انسان پوشانیده نمی شد ، شکل ظاهری انسان به صورت اسکلیت استخوانی می بود بدون اینکه دارای زیبای باشد ، لذا خداوند (جل جلاله) آن استخوان ها را بالباس از گوشت پوشاند ، پوشاندن استخوان توسط گوشت برای حفاظت او ودرعین حال زیبای را هم به بار می آورد .

از همین رو الله (جل جلاله) فرموده است { فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا } پوشاندیم استخوانها را ، گوشت. الله (جل جلاله ) بیان کرده ، انتقال احوال ، واطوار آفرینش انسان را تا اینکه بداند ، الله متعال نعمت بزرگی بالای شان ، ارزانی کرده است .<sup>3</sup>

## 7 : سپس پیداکردیم انسان را آفرینش دیگری :

{ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ} بعد از آن خلق کردیم ، آفرینش دیگر. دراین مورد انظار متعدد وارید شده است  
 1 " ابن عباس وکلبی گفتن هدف دراین جاه ، دمیدن روح است (نفخ)

<sup>1</sup>: سوره مؤمنون جزئ آیت 14

<sup>2</sup>: قشیری عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملک ، متوفی 465 ه ق لطائف الاشارات ( تفسیر قشیری) - ج 2 - ص 570 - ناشر کتاب خانه عامه مصر - طبع سوم .

<sup>3</sup>: تفسیر مراعی - ج 18 - ص 9 = وتفسیر ماوردی - ج 4 - ص 48 تفسیر بغوی - ج 3 - ص 361 =

2 " قتاده گفته است هدف آن برآمدن موی است درجنین ( انبات شعر)

3 " حسن گفته است هدف آن ، تعیین مذکر ، مؤنث است .

4 " گفته است که دورانی جوانی است .

5 " بعض گفته اند که وقت عقل ، و تمیز است .

6 " بینای ، شنوای ، و درک و فهم است .

7 " بغوی از ابن عباس در تفسیر خود روایت نموده است که مراد آن در این جاه ، تصرفا بعد از ولادت است ، از قبیلی صداوگریان کردن (استهلال) ، شیرخوری (ارتضاع) ، نشستن ، و استاد شدن. و راه رفتن ، دوره فطامت یعنی خوردن ، و نوشیدن ، تارسیدن به حلم و عقل ، و حتی گشت و گذار نمودن در شهرها (امصار).<sup>1</sup>

### ب : دوره طفولیت :

این مرحله بامراحل قبلی که جنین در بطن مادر بود تفاوت اساسی دارد. الله (جل جلاله) فرموده است . { ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا }<sup>2</sup> بعداً شمارا به صورت طفل بیرون می آوریم . در این مرحله که انسان ، شده صاحب حیات ، قدرت ، و علم کرده که این اوصاف در مراحل قبلی نبود صرف یک ماده مرده ، و عاجز بوده سپس تبدیل به موجودی زنده و عالم و قادر نسبی گردید ه . باوجودیکه طفل در حالت طفولیت ضعیف است نه معدوم .

ضعیف در بدن

ضعیف در دیدن (بینای)

ضعیف در شنیدن (شنوای)

ضعیف در حواس و حس

ضعیف در گرفتن

ضعیف در عقل<sup>3</sup>

در مورد مدت ، طفل در بطن مادر حد کم تر و اقل آن شش ماه است .

اما در مورد ، حد اکثر آن چند نظر است .

اول : نزد امام ابوحنیفه (رحم الله) دوسال است<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: بغوی محی السنة أبو محمد حسین بن مسعود بن محمد بن فراء شافعی متوفی 510 هـ ق معالم التنزیل فی تفسیر القرآن ( تفسیر بغوی) - ج 3 - ص 361 - تحقیق عبد الرزاق المهدی - ناشر إحياء تراث عربی - بیروت - لبنان = مفاتیح الغیب (تفسیر رازی) - ج 1 - ص

3186 = تفسیر روح البیان - ج 6 - ص 51 = تفسیر ماوردی - ج 4 - ص 807 = الأساس فی التفسیر - ج 7 - ص 3632

<sup>2</sup>: سوره حج - جزئ آیت 5

<sup>3</sup>: الأساس فی التفسیر - ج 7 - ص 3528

دوم : نزد امام شافعی (رحم الله) چهار سال است .  
سوم : در نزد امام مالک (رحم الله) پنج سال است  
حدود طفل بودن از وقت تولدش تا شش سالگی است ، بعد از پوره شدن شش سال مراحل طفولیت  
تمام می شود . مراحل ماحق شروع می شود .<sup>2</sup>

### ج : دوره رشد و بلوغ :

طوریکه قرآنکریم این دوره بیان کرده است . { ثُمَّ لِنَبْلُغْهُمُ أَشُدَّهُمْ }<sup>3</sup> سپس هدف این است که به حد  
رشد و بلوغ خویش رسیدید. در این مرحله اشاره شده براینکه پس از گذراندن دوران طفولیت ، به  
مرحله رشد و بلوغ می رسد ، یعنی در این مرحله اعضای بدن نیرومند می شود ، و عقل ، جسم به  
کمال می رسند ، البته بعضی این دوران زنده گی را از جوانی تا حدود سی ساله گی می داند .  
که کمال قوت ، عقل ، و تمیز در میان سی تا چهل ساله گی است . اما بعضی دیگری گفتن از هژده ساله  
گی تا سی ساله گی است ، رسیدن به کمال ، قوت بهاری زیبای جوانی است .<sup>4</sup>

### د : عقب گردی و از دست دادن نیروی آغاز می شود ، تدریجاً دوره ی پیری و کهنسالی فرامی رسد :

طوریکه الله متعال فرموده است . { وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ  
عِلْمٍ شَيْئًا }<sup>5</sup> بعضی از شما وفات میکند در این خلال و بعضی از شما ان قدر عمر می کنند که ، به بدترین  
مرحله زنده گی (پیری) می رسند .

طبق ماقبلاً این آیت شریفه را ترجمه کردیم ، که عده ای از انسان ها پس از مرحله رشد و بلوغ ، و قبل  
از این که به این مرحله برسند عمر آن ها پایان یافته و روح ابدن آن ها گرفته می شود .

ولی عده ای دیگری مانند ، و به این مرحله می رسند ، البته ، دیگر (پیری) و کهنسال شده همه سرمایه  
های حیاتی خود را از دست داده اند ، و دیگر منتظر سلامتی و نشات جوانی نیستند ، بلکه منتظر رسیدن  
مرگ هستند، لذا پست ترین مرحله عمر در زنده گی به شمار می رود .

در مورد ارز العمر (کهنسالی) چندین وجوه است .

اول : کهنسالی است .

---

<sup>1</sup>: نعم بن ثابت تیمی أبوحنیفه کوفی امام مولی بنی تیم الله بن ثعلبه فقه اهل عراق و گفته شد او از ابنا فارس است متولد 80 ه ق  
طبقه 6 هم عصر صغار تابعین متوفی 150 ه ق در بغداد از وی ترمذی ، و نسائی روایت نمودن - نزد ابن حجر فقه مشهور است اما  
در نزد امام ذهبی فقه اهل عراق است  
امام شافعی ابو عبد الله محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد المناف المطلبي قریشی مکی متوفی 204 ه ق  
امام مالک بن انس بن مالک بن عامر اصبحی مدنی متوفی 179 ه ق  
<sup>2</sup>: تفسیر روح البیان - ج 6 - ص 4  
<sup>3</sup>: سوره حج - جزی آیت 5  
<sup>4</sup>: الأساس فی التفسیر - ج 7 - ص 3528 = و روح البیان - ج 6 - ص 4  
<sup>5</sup>: سوره حج - جزی آیت 5



دوم : هدف ضعف ، ناتوانی است .

سوم : هدف کم شدن عقل است .

چهارم : شیخوخة و پیری که باعث ضعف قوت ، عقل ، فهم ، درک ، و فکرا ندیشه می شود .<sup>1</sup>

**ی : سرانجام پایان عمر ، که آخرین مرحله است که فرامی رسد و انتقال از سرای دنیا ، به سرای جاوندان ، تحقق می آید :**

**خداوند (جل جلاله ) فرموده است . { تُمْ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ }<sup>2</sup>** سپس شما بعد از آن می میرید .  
الله متعال تذکر می دهد که ، این انسان با همه شگفتی هایش ، تاابد در دنیا زنده نمی ماند .

بلکه زمانی می رسد که این ساختمان عجیب فرومی ریزد .

لذا این آیت بیان آخرین مراحل تدبیر الهی در دنیا است ، و می رساند که مرگ از مراحل است که در مسیر تقدیر به طور حتم باید باشد و همه باید آن را طی کنند .

هدف اساسی این عالم هلاکت و فنا نیست ، بلکه اصلی هدف تأمل و تفکر نمودن ، در عواقب پیدایش این عالم است ، دیگر مرگ تحول و انیقلاب در عالم است . زیرا که گذاشتن عالم بر یک حالت واحد در همان آغاز آن را ترک می کردش به حالت فنا و نیستی اش.<sup>3</sup>

حکمت درموت (مرگ) همین است که . اول : رسیدن به نعمت های الهی است . و ثواب اعمالش درش آخرت ، مگر ثواب اعمال برای شخص انجام دهنده آن نمی رسد مگر بعد از مرگ .

دوم : مرگ است که عاشقان را ربه معشوق اصلی خود می رساند ، آن عبارت است از بنده گان خاص خداوند (جل جلاله) است . والله ذی الجلال محل شق و محبت بنده گانی واقعی است (معشوق)

همچنان برای برآورده شدن همه امید های بندگانش ، زیرا که اگر شخصی نماز میخواند ، و روزه میگرد ، زکات تأدیه میکند ، و مناسک حج را انجام میدهد از اوسوال شود چرا چنین میکنی ؟ در جواب می گوید که به خاطر رسیدن به جنت ، که بزرگترین نعمت وعده داده شده پروردگار است . برای رسیدن به جنت (بهشت ) همه مشکلات را قبول و تحمل میکند .

دیگر اینکه مرگ بزرگترین راه نجات است ، از مشکلات ، و مصائب دنیا<sup>4</sup> مراد از موت در این آیت مرگ بعد از حیات است در دنیا ، اما موت که در سوره ملک ذکر شد قبل از حیات است .

از مرحل آفرینش انسان قبل (موت ) خاک ، موت نطفه ، موت خون بسته ، موت قطعه گشت است پیش از پیدایش هدف سوره ملک است

<sup>1</sup>: تفسیر ماوردی - ج 4 - ص 8 - = تفسیر روح البیان - ج 6 - ص 4 = و اساس فی تفسیر - ج 7 - ص 3528

<sup>2</sup>: سوره مؤمنون آیت 15

<sup>3</sup>: تفسیر ماتردی - ج 7 - ص 458 .

<sup>4</sup>: مفاتیح الغیب ( تفسیر رازی ) - ج 23 - ص 267

## مناسبت درمیان مقدمه سوره ، و موضوع سوره :

در مقدمه سوره انسان را ذکر میکند ، همراهی نعمت وجودش ، و حکمت خلقت ، و آفرینش اش و راهی بازگشتش که ، کدام یکی از راه ها را ، انتخاب ، و اختیار نموده است .<sup>1</sup>

## فواید که استنباط شده از آیات فوق :

- 1 - متوجه کردن ، و یادآوری انسان به نعمت وجودش .
- 2- انسان برای حکمت والا و هدف ، و مقصد بزرگی آفریده شده .
- 3- نعمت هدایت ربانی که الله (جل جلاله) به بندگان بطور احسان یادآوری و تذکر داده که راه خیر ، و راه شر را برای شان معرفی نموده .
- 4 - ضرورت درک این مخلوق به حقیقت ناتوانی ، وضعف ، ذلت و خواری خود ، و درک نمودن احسانات و فضل خداوند (جل جلاله) را که چگونه او را در بهترین شکل و صورت آفریده . و راه حق را برایش نشان داده و حریت و آزادی برایش نصیب کرده است
- 5 - از جمله دوای تکبر ، و غرور ، و تداوی نسیان این است که ، انسان در اصل خود فکر کند و راه و مصیر که در انتظارش هست ، به آن تأمل کند .
- 6 - آزمایش سنت و قانون الهی است ، برای انسانیت .
- 7 - الله (جل جلاله) . برای انسان وسایل ادراک که عقل ، گوش ، و چشم است .  
بخشیده است .
- 8 - الله (جل جلاله) برای کفار عذاب سخت و دردناکی ، را آماده کرده است ، که بسبب کفر ، گمراهی شان .
- 9 - الله (جل جلاله) ثواب بزرگی را برای بندگان مؤمنش تهیه کرده که نهایت ندارد .
- 10 - اعجاز قرآن کریم در بحث از خلقت انسان ، و مراحل حیات او و آفرینش انسان که ، علم جدید آنرا کشف کرده است .<sup>2</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن - ج 8 - ص 513

<sup>2</sup>: تفسیر منیر از دکتر زحیلی - ج 29 - ص 284 = و تفسیر موضوعی سوره های قرآن - ج 8 - ص 513

## مقطع دوم : اهداف خلقت و آفرینش انسان :

بدنیا آمدن انسان برای مدت کوتاه چه هدف دارد ؟ این موضوع قابل غور است زیرا آنچه در هستی وجود دارد روی هدف و مقصدی ایجاد گردیده است و موظف به وظیفه میباشد این کهکشان ها و سیارات و منظومه شمسی و ابحار و انوار همه در مدار خود موظف اند پس دید ه میشود که قرآن عظیم الشان مقصد از آمدن انسان را در دنیا بیان میدارد و یا خیر ؟

در پاسخ چنین ارشاد میفرماید {أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ} <sup>1</sup> آیا شما پنداشتید که ما شما را بدون مقصد و نتیجه پیدا کردیم و شما بسوی ما آمدنی نیستید ؟ الله جلی جلاله حکمران حقیقی این هستی است وی از این گفتار بسیار بلند است که یک فعل عبث را انجام دهد بغیر از وی معبودی نیست مگر او پروردگار عرش بزرگ است.

بلی انسان در دنیا بدون مقصد پیدا نشده بلکه بروی این کره خاکی به نیابت و خلافت و اهداف متعدد دیگری ، الله (جلی جلاله) آفریده شده است . بعداز ذکر کیفیت خلقت و آفرینش انسان ، به سوی اهداف این خلقت اشاره نموده است

**الف :** هدف از آفرینش انسان امتحان و آزمایش است طوری که الله متعال فرموده است . {نبتلیه} تاورا بیازمائیم . یعنی خلقت انسان عبث و بی هوده نیست ، بلکه به غرض آزمایش و مکلف ساختن او به احکام الهی است ، تاظاهر کرده شود که ایاطاعت میکند ویاسر کشی میکند .

چنانکه درسوره هود هم آمده { وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيُقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ } <sup>2</sup>

خدا آن کسی است که آسمانها و زمین را در شش دوره بیافرید و پیش از آن ، جهان هستی جز موادّ مذاب گازی شکل گسترده در گستره گیتی نبود ، و این جهان هستی و پای تخت قدرت خدا براین ماده عظیم به ظاهر آب ، قرار داشت .

این آفرینش سترگ و شگفت را بدین خاطر ساخت تا شما را بیازماید ، و معلوم شود که چه کسانی از شما کارهای نیکو می کنند و چه افرادی از شما کارهای بد می کنند .

اگر به آنان بگویی شما بعد از مرگ برانگیخته می شوید ، و زندگی دوباره پیدا می کنید کافران از روی شگفت می گویند چیزی را می گویی باورکردنی نیست و واقعیت ندارد ؛ بلکه این يك جادوگری آشکاری است ، که خردها را به بازیچه می گیرد. <sup>1</sup>

<sup>1</sup> : سوره مومنون:آیت 115

<sup>2</sup> : سوره هود آیت 7

درمورید {ایکم احسن عملاً} چهار وجه است .

1- کدام شما عقل تام دارید .

2- کدام شما زهد از دنیا دارید .

3- کدام شما زیاد شکر میکنید .

4- از ابن عمر روایت کرده ابن عمر گفته است رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است ، کدام

شما احسن (خوب) عقل دارید ، و پرهیز از محارم الله دارید و به طاعت خداسبقت دارید .<sup>2</sup>

و همچنان درسوره کهف هد ف خلقت و آفرینش ، انسان را امتحان و آزمایش گفته است.

{إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا}<sup>3</sup>.

ما همه چیزهای روی زمین را زینت آن کرده ایم . و جهان پرزرق و برق ، و پرنعمتی را برای

انسانها آراسته ایم ، تا ایشان را بیازمائیم ، و ببینیم از آنان کدام يك کار نیکوتر می کند.

{اناجعلنا ما على الارض زينه لها} از حیوانات ، و درختان ، و گیاهان ، و دریاچه ها ، و بحر ها .<sup>4</sup>

و همچنان درسوره ملک ، هد ف خلقت و آفرینش ، انسان را امتحان و آزمایش گفته است. { الَّذِي خَلَقَ

الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ}<sup>5</sup>

همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدام تان کارتان بهتر و نیکوتر

خواهد بود . او است غالب و توانا ، و آمرزگار و بخشاینده است. [عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا

الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ، فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النَّسَاءِ» وَفِي حَدِيثِ ابْنِ بَشَّارٍ: لِيَنْظُرَ كَيْفَ

تَعْمَلُونَ]<sup>6</sup>

از ابی سعید خدری (رضی الله عنه) روایت است ، که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است

که دنیا شیرین و سبز است ، و الله متعال خلیفه گماشته شمارا در آن سپس نظر میکند که، چگونه عمل

انجام می دهید . پس پرهیز کنید از دنیا و پرهیز کنید از زن ها ، و اولین فتنه بنی اسرائیل بود درزن ها

<sup>1</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 4

<sup>2</sup>: تفسیر ماوردی - ج 2 - ص 422

<sup>3</sup>: سوره کهف آیت 7

<sup>4</sup>: ایسر التفاسیر جرائری - ج 3 - ص 239

<sup>5</sup>: سوره ملک آیت 2

<sup>6</sup>: صحیح مسلم - ج 4 - ص 98 20 - باب اکثر اهل الجنة فقراء و أكثر شماره حدیث 2742 = وسنن ترمذی ت بشار - ج 4 - ص 53 - باب ماجاء ما لخبار النبی (صلی الله علیه وسلم) شماره حدیث 2191

## ب : هدف آفرینش انسان برای عبادت الله (جل جلاله) است :

در مواردی از عبادت به عنوان هدف آفرینش انسان و جن نام برده است. { وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ }<sup>1</sup> من نه آفریدم جن و انس را، مگر برای عبادت .

طنطاوی در تحت آیت فوق ذکر نموده که ، آفریده شده انس و جن (ثقلین) برای عبادت الله (جل جل له) و برای اطاعت او ، ولی بعضی از ایشانان عبادت الله (جل جل له) میکنند ، و بعضی شان نافرمانی الله (جل جل له) میکنند ، از خاطر تسلط و وسوسه شیطان که بالای شان است .<sup>2</sup>

امام ابن کثیر گفته است که ، آفریده شده بندگان خدا برای عبادت تائیکه پرستش الله (جل جل له) به یکتای بکنند ، و به او هیچ شریک نیاورند ، کسیکه اطاعت او را کرد ثواب پوره برایش داده می شود (کامل) ، و کسیکه نافرمانی او را بکند عذاب داده می شود به شدید ترین عذاب .

بعضی گفته اند که ، الله عروجی برای فرزند آدم خطاب کرده گفته ای فرزند آدم آفریدم تو را برای عبادت بازگوشی نکن ، وضامن روزی تو من هستم خود را در مشقت مینداز مرا طلب بکن می یاف مرا اگر مرا یافتی همه چیز را یافت نید ، و اگر مرا نه یافتی همه چیز از تو فوت گشته است از هر چیز بیشتر من محبوب تو هستم .<sup>3</sup>

## ج : هدف آفرینش انسان برای ، ثبوت وحدانیت الله (جل جل له) :

طوریکه در آیت مبارکه آمده است ، {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا}<sup>4</sup>

خدا همان است که هفت آسمان را و همانند آن زمین را آفریده است . فرمان خداوند (جل جل له) همواره در میان آنها جاری است . و تدبیر هدایت و رهبری او ، لحظه ای از جهان بزرگ هستی برداشته نمی شود ، این آفرینش عظیم بدان خاطر است . تا بدانید خداوند بر هر چیزی توانا است ، و آگاهی او همه چیز را فرا گرفته است .<sup>5</sup>

این آیت دلالت بر وحدانیت الله (جل جل له) میکند ، و همچنان بر قدرت او در آفرینش آسمانه که بدون ستون ، و پایه بالاسر ماهست که می بینیم ، مشاهده میکنیم ، و مزین کرده او را با چراغها که ستاره گان است ، و ستاره گان را برای رجم و زدن شاطین خلق کرده است .

و وجود آسمانها دلایل روشن است ، به قدرت باری تعالی که در آن هیچ نوع تفاوت را دیده نمی شود .

<sup>1</sup>: سوره زاریات آیت 56

<sup>2</sup>: تفسیر وسیط طنطاوی - ج 14 - ص 30

<sup>3</sup>: تفسیر ابن کثیر - ج 7 - ص 401

<sup>4</sup>: سوره طلاق آیت 12

<sup>5</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 1193

و همچنان در آفرینش زمین دلالت بر وجود وحدانیت و قدرت الله (جل جلاله) هست ، و می باشد که زمین خلق نموده و او را هموار نموده که در روی آن انسانها و سایر مخلوقات زنده گی کنند .  
 و برای استفاده هر نوع ضرورتها شان استعمال کنند ، و در آن الله (جل جلاله) چشم ها ، و نهرها و بحر ها را جاری کرده ، و او را اعمارش کرده توسط باغها (حدایق) و انواع میوه ها ، و مزین کرده او را توسط انواع گیاهان مثلون ( رنگارنگ ) .<sup>1</sup>

#### د : هدف دیگری خلقت ، آفرینش انسان برای خلافت در زمین است :

{ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً <sup>2</sup> } . زمانی ، را یادآوری کن ، که پروردگارت به فرشتگان گفت ، من در زمین جانشینی بیافرینم .

= امر عظیم و بزرگ خلافت را ، بدوش او گذاشت در زمین و او را فاعل مؤثر قرار داد و رهبر ، سید در این میراث وسع و پهناور گردانید ، مالک و صاحب همه داشته های زمین در استفاده گماشت او را ، تمام چیز را در خدمت آدم ( علیه السلام ) قرار داد ، قیمت و ارزش هیچ چیز به ارزش و جایگاه آدم ( علیه السلام ) نمی رسد ، و نعمت گلانی را برای او داد و تمام مخلوقات را برای او مسخر و تابع گردانید .<sup>3</sup>

یا د کن ای محمد (صلی الله علیه وسلم) برای قومت قصه و واقعه آفرینش پدرشان آدم ( علیه السلام ) را الله (جل جلاله) گفت برای ملائکه ها که ، من میگیرم در زمین نایب روی چند هدف .

اول : برای اعمار زمین و آبادانی آن

دوم : در آن زنده گی کنند و جای بود باش برای شان باشد زمین .

سوم : اجرای احکام الله (جل جلاله) در میان مردم تطبیق کند .

این آیت دلیل است ، بر وجوب تعیین زعیم و خلیفه برای امت اسلامی برای تطبیق احکام اجرای شریعت اسلامی ، که تمام علماء اسلام اتفاق دارند بر وجوب تعیین زعیم و خلیفه در نظام اسلامی ، غیر از ابی بکر اصم معتزلی خلاف نظر و رای جمهوری علماء گفت که ، تعیین زعیم خلیفه واجب نیست در دین .<sup>4</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر منیر - ج 28 - ص 297 = و تفسیر وسط طنطاری - ج 14 - ص 461

<sup>2</sup>: سوره بقره جزی آیت 30

<sup>3</sup>: تفسیر فی ظلال القرآن - ج 1 - ص 54

<sup>4</sup>: تفسیر منیر - ج 1 - ص 127

## ه : هدف دیگری از آفرینش انسان برای اعمار و آبادانی زمین :

طوری که درایت مبارکه آمده است { وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ }<sup>1</sup> به سویی قوم تمود یکی از خودشان را ( به عنوان پیغمبر ) فرستادیم که صالح نام داشت . به آنان گفت : ای قوم من خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد ، و کسی غیر او مستحق پرستیدن نمی باشد .

او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است و نیروی بهره برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است . پس ، از او طلب آمرزش ( گناهان خویش ) را بنمائید و به سویی او برگردید .

و با انجام عبادات و دوری از منکرات ، مغفرت و مرحمت او را بخواهید و بدانید که اگر در این کار صادق باشید ، خداوند شما را در می یابد و دعای شما را می پذیرد . بیگمان خداوند من ، به بندگانش ، نزدیک است . و استغفار و انگیزه استغفارشان را می داند و پذیرنده ، دعای کسانی . است که او را مخلصانه به زاری می خوانند و به یاریش می طلبند .<sup>2</sup>

همچنان در مورد اعمار زمین پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حدیث بیان فرموده است . [حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَبَيَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيُفْعَلْ ]<sup>3</sup>

انس ابن مالک روایت کرده که ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است ، اگر قیامت هم برپا شد در دست یکی از شما اصله خرما ( فسیله ) باشد اگر توان دارد پیش از قیامت آن را غرس کرده می تواند انجام دهد ( غرس کند

## و : هدف دیگری از آفرینش انسان برای رسیدن به رحمت الهی است :

طوری که درایت مبارکه آمده است . {إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ }<sup>4</sup> مردمان بنا به اختلاف استعداد ، در همه چیز حتی در دینی که خدا برای آنان فرستاده است متفاوت می مانند . مگر کسانی که خدا به ایشان رحم کرده باشد ، و در پرتو لطف او بر احکام قطعی الدلاله کتاب خدا متفق بوده . هر چند در فهم معنی ظنی الدلاله آن که منوط به اجتهاد است .

<sup>1</sup>: سوره هود آیت 61

<sup>2</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 306 س

<sup>3</sup>: مسند احمد ابن حنبل الرسالة - ج 20 - ص 296 مسند انس ابن مالک (رضی الله عنه) شماره حدیث 12981

<sup>4</sup>: سوره هود جزئی آیت 119

اختلاف داشته باشند ، و خداوند برای همین . اختلاف و تحقق اراده و رحمت ، ایشان را آفریده است و سخن پروردگار تو بر این رفته است که : دوزخ را از جملگی جنیها و انسانهای که ( پیروی نفس اماره هستن ) . پُر می کنم .

خدا آنان را بر تفاوت و تنوع آفریده است . و حق انتخاب راه درست و راه نادرست را به ایشان داده است و جوابگویی این انتخاب شان کرده است . برای این رحمت ، آنان را آفریده است .<sup>1</sup>

### ی : هدف دیگری از آفرینش انسان برای عشق و محبت ورزیده به الله (جل جلاله)

طوری که خداوند (جل جلاله) در قرآن کریم درایت مبارکه بیان فرموده است . { وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ }<sup>2</sup>

برخی از مردم هستند که غیر از خدا را ، خدا گونه هایی باطل برمی گزینند و آنان را همچون خدا دوست می دارند ، و کسانی که ایمان آورده اند خدا را سخت دوست می دارند . و بالاتر از هر چیز بدو عشق می ورزند .

= بعضی مردم همراهی خداوند (جل جلاله) در محبت و دوستی گرفتن مثل مانند ، که آن ها دوست دارند بت های شان را مانند دوست داشتن خداوند (جل جلاله) .

= محبت بالله (جل جلاله) از جمله عبادت به شماره می رود ، بلکه اساسی عبادت بر محبت بنا یافته است .

که توسط محبت انجام ماموریت صورت میگیرد و توسط تعظیم اجتناب و دوری از محظورات و ممنوعات صورت میگیرد ، اگر در میان محبت و تعظیم جمع صورت گیرد ، و که هر دو (محبت و تعظیم) لازم و ملزوم همدیگر هستند .

= کسی که همراهی الله (جل جلاله) . در محبت ، و عشقتش ، کسی دیگری شریک سازد او ظالم بر نفس خود است .

= مؤمنین و مسلمان در محبت شان نسبت الله (جل جلاله) بسیار زیاد هستند از اینکه محبت کافران ، و مشرکان نسبت به بت های شان است .

= مرتب کردن الله (جل جلاله) زیادت محبت را برایمان به معنا که به هر اندازه ای که ایمان مسلمان زیاد باشد ، به همان اندازه محبتش بالله (جل جلاله) زیاد میشود و به چه اندازه که ایمان داریش کم و ناقص باشد ، محبتش بالله (جل جلاله) کم و ناقص میشود .<sup>3</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل - ج 1 - ص 607

<sup>2</sup>: سوره بقره جزئی آیت 165

<sup>3</sup>: تفسیر العثمین - ج 2 - ص 226



**ذ : هدف دیگری از آفرینش انسان : بنا بر مقتضای علم بی پایان ، و قدرت لایزال مع  
الداوم الله (جل جلاله) است :**

بنا بر مقتضای علم بی پایان ، و قدرت لایزال مع الداوم الله (جل جلاله) است :  
طوریکه الله (جل جلاله) فرموده است. {فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ}<sup>1</sup>. انجام میدهد وقت که اراده کند. ذات است که  
، انجام میدهد هر آنچه را که اراده کند بدو اینکه کسی در فعل او مداخله و یا اعتراضی داشته باشد ،  
بلکه فعل او تطبیق و نافذ میشود ، و امر او با دوام اطاعت می شود. این صفت اراده الله (جل جلاله)  
یک صفت جامع ، بزرگ ، ذاتی است.<sup>2</sup>

و همچنان در تفسیر سعدی آمده است گفته که الله (جل جلاله) ذاتی است که هر وقت که چیزی را خواست  
و اراده کرد ، برای آن میگوید ، {کن فیکون} انجام شومی انجامد . و هیچ کسی به جز الله (جل جلاله)  
فعال لمایرید هیچ کسی از مخلوقات نیست .

زیرا که مخلوق چیزی را اراده کنند در انجام او به معاونین ، و کمک کنند ه ضرورت دارد و همچنان  
در تطبیق انجام آن موانعات سرراش میاید و عارض میشود. اما برای الله (جل جلاله) در انجام ارادش  
به معاونین محتاج نیست، و در تطبیق آن موانع وجود ندارد.<sup>3</sup>

#### **مقطع سوم : بیان عقوبت کافران در آخرت :**

{إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا}<sup>4</sup>.

ما برای کافران زنجیرها و غلها و آتش فروزان دوزخ را آماده کرده ایم .  
خلاصه تفسیر : تعبیر {اعتدنا} ، اشاره به حتمی بودن عذاب است ، زیرا آزادی کامل آنها و خوش  
گذرانی و شهوت پرستی شان در زندگی دنیا ، سبب چنین عذاب شدید می گردد. در این آیت مبارکه به  
عاقبت و خیم اشخاصی که کفر ورزیدن ، و از راه هدایت الله (جل جلاله) انحراف نمودن اشاره بعمل  
آمده است .

که برای کافران ، زنجیرها دوزخ که ، هفتاد گز طول هر یک آن است ، و غلها دست بند ها که ، آماده  
کردیم که توسط آنها دست های آنان را در گردن های شان سخت بسته میگردد و در آتش که برای شان  
آماده شده است ، انداخته می شوند و در شعله های آتش سوختانیده میشوند برای عبرت. از ایشان انتقام

<sup>1</sup>: سوره بروج آیت 16

<sup>2</sup>: تفسیر وسیط طنطاوی - ج 15 - ص 348

<sup>3</sup>: تفسیر سعدی - ج 1 - ص 918

<sup>4</sup>: سوره انسان آیت 4

گرفته میشود بخاطر غفلت شان ، وروی گردانیدن شان ، ازحق وذلت خواری برای شان بسبب کبر وغرورشان است که درحالیکه مقید اند میسوزند .<sup>1</sup>

[عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: لَوْ أَنَّ حَلَقَةَ مِنْ سَلْسِلٍ جَهَنَّمَ وُضِعَتْ عَلَى ذِرْوَةِ جَبَلٍ لَذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرِّصَاصُ فَكَيْفَ يَا بَنَ آدَمَ «وَهِيَ»<sup>2</sup>

ازعلی (رضی الله تعالی عنه) روایت است که ، رسول(صلی الله علیه وسلم) فرموده است که ، اگر یک حلقه زنجیر آتش جهنم (دوزخ) درسرکوه گذاشته شود ، ذوب وآب میشود آن کوه مانند آب شدن سرب درآتش ، پس چگونه هستی توای اولاد آدم بآن .

از جهت اینکه دوزخ به لحاظ عذاب، بیم و وحشت درجات متفاوتی دارد، برای کافران واهل دوزخ . اول: سوختن پوست ها :

بی گمان آتش خداوند قهار، پوست اهل دوزخ را می سوزاند و این پوست بدن است که درد و ناراحتی سوختن را احساس می کند، به همین خاطر خداوند پوست سوخته شده ی کفار را به پوستی تازه تبدیل می کند تا همواره درد سوختن را بچشند:

{ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا }<sup>3</sup>

بیگمان کسانی که آیات و دلایل ما را انکار کرده و انبیاء ما را تکذیب نموده اند، بالاخره ایشان را به آتش شگفتی وارد می گردانیم و بدان می سوزانیم. هر زمان که پوستهای (بدن) آنان بریان و سوخته شود، پوستهای دیگری به جای آنها قرار می دهیم تا (چشش درد، مستمر باشد و) مزه عذاب را بچشند. خداوند، توانا (بر عذاب منکران و کافران و) حکیم است (و از روی حکمت کیفر می دهد).

#### دوم: گداختن:

یکی از انواع عذاب ریختن حمیم (آب داغ) بر سرشان است، حمیم به آبی گفته می شود که به درجه ی نهایی حرارت رسیده و بر اثر شدت حرارت روده های آنها و آنچه در شکم دارند گداخته می شوند:

{ هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ \* يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ }<sup>4</sup>

اینان که دو دسته مقابل هم مردمان، به نام مؤمنان و کافران ، می باشند و در آیه های متعدّد ذکری از ایشان رفته است .

<sup>1</sup>: تفسیر وسط طنطاوی - ج 15 - ص 217 تفسیر موضوعی سوره های قرآنکریم - ج 8 - ص 515 = و جامع الاحکام القرآن )

تفسیر قرطبی - ج 19 - ص 123

<sup>2</sup>: تفسیر مقاتل بن سلیمان - ج 4 - ص 523

<sup>3</sup>: سوره نساء آیت 56

<sup>4</sup>: سوره حج آیت 19 = 20

درباره (ذات و صفات) خدا به جدال پرداخته اند و به کشمکش نشسته اند. کسانی که کافرند، خداوند برایشان آتش دوزخ را تهیه دیده، و انگار آتش آن جامه هائی است که به تن آنان چست بوده و، برای آنان از آتش بریده و دوخته شده است.

علاوه بر آن از بالایی سرهایشان (بر آنان) آب بسیار گرم و سوزان ریخته می شود. این آب جوشان آن چنان در بدنشان نفوذ می کند که، آنچه در درونشان است بدان گداخته و ذوب می گردد، و هم پوستهایشان.

از ابوهریره رضی الله عنه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

[ ان الحمیم لیصب علی رؤوسهم فینفذ حتی یخلص الی جوفه فیسلت ما فی جوفه، حتی یمرق من قدمیه، و هو الصهر، ثم یعود کما کان ]<sup>1</sup>.

آب داغی بر سرشان ریخته می شود، چنان بر او تأثیر می گذارد که به درونش می رسد، پس آنچه در شکم دارد بیرون می آورد و در نهایت به پاهایش می رسد و گداخته می شود، سپس برای بار دیگر شکل داده می شود.

**سوم: کافران و اهل دوزخ به رو در آتش انداخته می شوند:**

صورت محترم ترین عضو انسان است، به همین خاطر پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را از ضربه وارد کردن بدان نهی نموده است، و از جمله اهانت‌های خداوند به دوزخیان این است که در روز قیامت آنها را بر روی رخساره و کور و لال و کر جمع می گرداند:

{ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا }<sup>2</sup>

خدا هر کس را (به سبب ایمان به پروردگار و پیغمبرش و کتاب آسمانی قرآن) رهنمود کند، راهیاب او است، و هرکس را (به سبب سوء اختیار و فرو رفتن در گناهان و سرکشی از قوانین آفریدگار) گمراه سازد، جز خدا دوستان و مددکارانی برای چنین کسانی نخواهی یافت.<sup>3</sup>

تا دست آنان را بگیرند و به سوی حق برگردانند و از کیفر و عذاب آخرت رستگارشان گردانند، و ما در روز رستاخیز ایشان را بر روی رخساره، کشانده و (کور و لال و کر از گورها، جمع می گردانیم (و به صحرائی محشر گسیل می داریم. به گونه ای که بر اثر پریشانی حال چشمانشان نمی بیند و گوشهایشان نمی شنود و زبانهایشان قادر به تکلم نمی باشد).

<sup>1</sup>: مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثیر (المتوفى: 606هـ) جامع الاصول فی احادیث الرسول ج 10 ص 540

شماره حدیث 8103

<sup>2</sup>: سوره اسراء آیت 97

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 588

جایگاهشان دوزخ خواهد بود. هر زمان که زبانه آتش به سبب سوختن گوشت و استخوان ایشان فروکش کند، با تجدید گوشت و استخوانشان بر زبانه آتش شان می افزائیم. اهل دوزخ به رو در آتش انداخته می شوند: .

{ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ }<sup>1</sup>

و کسانی که کارهای ناپسند (چون شرك و معصیت) انجام می دهند، به رو در آتش افکنده می شوند (و بدن سرنگون می گردند، و بدیشان گفته می شود): آیا جزایی جز سزای آنچه می کردید ، و معاصی و کفری که می ورزیدید به شما داده می شود.<sup>2</sup>

سپس آتش دوزخ صورت هایشان را بریان می کند و برای همیشه آنان را می پوشاند و به گونه ای که میان خود و آتش هیچ مانعی را نمی یابند .

{ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ }<sup>3</sup>

اگر کافران خبر می داشتند از آن زمانی که (قیامت فرا می رسد و به دوزخ می افتند و آتش جهنم از هر سو ایشان را در بر می گیرد و) آنان نمی توانند آتش را از پس و پیش خود باز دارند و (از طرف کسی هم) ایشان یاری نمی گردند.<sup>4</sup>

{ تَلْفَحُ وُجُوهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحِوْنِ }<sup>5</sup>

شعله های آتش دوزخ صورتهای ایشان را فرا می گیرد، و آنان در میان آن، چهره در هم کشیده (و پریشان و نالان) بسر می برند.<sup>6</sup>

{ سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَعْشَى وُجُوهُمُ النَّارُ }<sup>7</sup>

پیراهنهای ایشان از قطران است و آتش سر و صورت (و سراپای وجود) آنان را فرا می گیرد.<sup>8</sup>

{ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ }<sup>9</sup>

آیا کسی که عذاب بد (و سوزناک دوزخ) را در روز قیامت با چهره و صورت از خود دور می سازد.<sup>10</sup>

اندکی به این منظره و صحنه هولناکی که بدن را به لرزه در می آورد نگاه کن:

{ يَوْمَ تَقْلَبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ }<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: سوره نمل آیت 90

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 800

<sup>3</sup>: سوره انبیاء آیت 39

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 659

<sup>5</sup>: سوره مؤ منون آیت 104

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 712

<sup>7</sup>: سوره ابراهیم آیت 50

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 505

<sup>9</sup>: سوره زمر آیت 24

<sup>10</sup>: خرم دل ج 1 ص 972

روزي چهره هاي ايشان در آتش زير و رو و دگرگون مي گردد (و فريادهاي حسرت بارشان بلند مي شود و) مي گویند: اي کاش! ما از خدا و پيغمبر فرمان مي برديم.<sup>2</sup>

همانگونه که گوشت روي آتش و ماهي در ماهتابه زير و رو کرده مي شود تا بريان شود، چهره هاي کفار نیز به همین صورت در آتش زير و رو کرده مي شوند. خداوند ما را از عذاب اهل دوزخ نجات بدهد و ما را از آن پناه دهد.

#### چهارم: به رو (چهره) کشانیدن

يکي ديگر از انواع عذاب درد آميز اين است که کافرين را بر برويشان مي کشانند:

{ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ \* يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ }<sup>3</sup>

قطعاً گناهکاران، گمراه و ديوانه و گرفتار آتشد. روزي داخل آتش، بر رخساره، روي زمين کشيده مي شوند (و بديشان گفته مي شود): بچشيد لمس و پسوده دوزخ را.<sup>4</sup>

و آنچه که به عذاب و ناراحتي آنها مي افزايد اين است که آنها با زنجيرهاي محکمي بسته شده اند:

{ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ \* إِذِ الْأَعْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ }<sup>5</sup>

کساني که کتابهاي آسماني و چيزهائي را که به همراه پيغمبران فرو فرستاده ايم تکذيب مي دارند، به زودي (نتيجه شوم کار خود را) خواهند فهميد. \* آن زمان که غلها و زنجيرها در گردن دارند و روي زمين کشيده مي شوند. در آب بسيار داغ برافروخته و سپس در آتش تافته مي گردند).

قتاده مي گوید: یک بار در آتش و یک بار ديگر در حميم (آب داغ) کشانده مي شوند.

#### پنجم: سياه کردن چهره ها

خداوند در روز قيامت صورت هاي اهل دوزخ را سياه مي کند:

{ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ }<sup>6</sup>

روزي را که در چنين، روزي، روهائي سفيد و روهائي سياه مي گردند. و اما آنان که به سبب انجام کارهاي بد در پيشگاه پروردگارشان شرمنده و سرافکنده و بر اثر غم و اندوه.<sup>7</sup>

<sup>1</sup>: سوره احزاب آيت 66

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 882

<sup>3</sup>: سوره قمر آيت 47 = 48

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1130

<sup>5</sup>: سوره غافر آيت 70 = 72

<sup>6</sup>: سوره العمران آيت 106

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 98

آن رنگ سیاهی که بر صورت آنها کشیده می شود چنان سیاه است که می پندارید تاریکی شب بر صورت آنها نقش بسته است: { وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءَ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهُمْ ذُلًّا مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }<sup>1</sup>

کسانی که کارهای زشت می کنند، کیفر هر کار زشتی به اندازه آن خواهد بود (نه بیشتر)، و خواری و حقارت آنان را فرا می گیرد. هیچ کس و هیچ چیزی نمی تواند آنان را از (دست عذاب) خدا رهائی بخشد (و در پناه خود دارد. آن اندازه روسیاه و گرفتار غم و اندوهند) انگار با پاره های تاریکی از شب چهره هایشان پوشانده شده است. آنان دوزخیانند و جاودانه در آن می مانند.<sup>2</sup>

### ششم: احاطه کفار به وسیله ی آتش

اهل دوزخ کسانی هستند که گناه و معاصی آنان را احاطه کرده است و هیچ عمل خوب و نیکی برای آنان باقی نمانده است. همانطور که خداوند در مقام رد یهود، آنانی که گفتند: «لن تمسنا النار الا ایاماً معدودة» آتش جز روزهای اندکی ما را نمی سوزاند می فرماید:

{ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }<sup>3</sup>

(آری! هر کس مرتکب گناه شود، و گناه (احساس و وجدان و سراسر وجود) او را احاطه کند، این چنین افرادی یاران آتش بوده و جاودانه در آن خواهند ماند.<sup>4</sup>

از این جهت که خطا و گناه کافران را - همانند احاطه ی دست به وسیله ی دست بند- احاطه کرده سزا و پاداش آنان نیز از جنس اعمالشان است. لذا آتش دوزخ نیز کفار را از هر جهت احاطه می کند. خداوند می فرماید:

{ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ }<sup>5</sup>

برای آنان (در دوزخ) بستری از آتش و بالاپوشهائی از آتش است.

«مهاده»: یعنی زیر انداز و غواش جمع غاشیه و آن عبارت است از آنچه که بر روی خود می اندازد. منظور این است که آتش آنها را از زیر و رو می پوشاند. همانطور که خداوند می فرماید:<sup>6</sup>

{ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ }<sup>7</sup>

روزی عذاب دوزخ از بالای سرشان و از زیر پاهایشان (و به طور کلی از هر سو) ایشان را فرا خواهد گرفت.<sup>8</sup>

<sup>1</sup>: سوره یونس آیت 27

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 394

<sup>3</sup>: سوره بقره آیت 81

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 40

<sup>5</sup>: سوره اعراف آیت 41

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 285

<sup>7</sup>: سوره عنکبوت آیت 55

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 840

و در جائي ديگر مي فرمايد:

{ لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ }<sup>1</sup>

بالاي سرشان سايبانهائي از آتش و در زير پاهيشان سايبانهائي از آتش دارند (و بلکه از هر سو آتش

بر آنان خيمه زده است و طبقات آتش ايشان را فرا گرفته است).<sup>2</sup>

و در جائي ديگر درباره اين احاطه تصريح شده است.

{ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ }<sup>3</sup>

آتش دوزخ، كافران (چون ايشان) را فرا مي گيرد).

**هفتم: رسيدن آتش به دلها**

قبلاً بيان گرديد که لاشه ي اهل دوزخ فوق العاده بزرگ مي شود، با اين وجود آتش به عمق وجود

آنان داخل مي شود.

{ سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ \* لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ \* لَوَاحِئُ اللَّبْثِ \* عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ }<sup>4</sup>

هرچه زودتر او را داخل دوزخ مي سازيم و بدان مي سوزانيم. تو چه مي داني که دوزخ چگونه

است؟! دوزخ نه مي ميراند و نابود مي کند (تا انسان از دست آن با مرگ هميشگي راحت شود) و نه

رها مي سازد (تا انسان از دست آن بگريزد و نجات پيدا کند). نوزده (فرشته) بر آن گمارده شده اند).

بعضي از علماء سلف در تفسير «لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ» گفته اند: «تاکل العظم و اللحم و المخ و لا تذره

علي ذلك» استخوان، گوشت و مغز را مي خورد و آن را به حالت اول نمي گذارد.<sup>5</sup>

خداوند مي فرمايد:<sup>6</sup>

{ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ \* نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ \* الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ }<sup>7</sup>

محمد بن كعب قرطبي مي گويد: آتش اهل دوزخ را چنان مي خورد که به دلهايشان مي رسد. آنگاه به

حالت اولي برگردانده مي شود. ثابت بناني پس از قرائت آيه فوق مي فرمود: در حالي که آنها زنده

اند آتش تا عمق دلهايشان آنها را مي سوزاند، براستي که عذاب به نقطه اوج خود مي رسد، سپس به

گريه مي افتاد.<sup>8</sup>

**هشتم: اوزان شدن روده ها در آتش**

در بخاري و مسلم از حضرت اسامه بن زيد روايت شده که رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود:

<sup>1</sup>: سوره زمر آيت 16

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 970

<sup>3</sup>: سوره توبه آيت 49

<sup>4</sup>: سوره مدثر آيت 26=29

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 1233

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 1233

<sup>7</sup>: سوره همزه آيت 4=7

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 1324

[ يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْنَابُهُ فِي النَّارِ فَيَدُورُ كَمَا يَدُورُ الْحِمَارُ بِرَحَاهُ فَيَجْتَمِعُ أَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ أَيُّ فُلَانٍ مَا شَأْنُكَ أَلَيْسَ كُنْتَ تَأْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَانَا عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ كُنْتُ أَمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَأُكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ ]<sup>1</sup>

(روز قیامت مردی به دوزخ انداخته می شود، روده هایش در آتش آویزان می شوند. او مانند الاغی که آسیاب را می چرخاند، بر روده های خود می چرخد. اهل دوزخ دور و بر او تجمع نموده از وی سوال خواهند کرد: فلانی! چرا به چنین بلایی گرفتار شده ای. مگر تو نبودی که در دنیا به ما امر و نهی می کردی و به ایمان دعوت می نمودی؟ می گوید: آری، شما را به کار خیر امر می کردم، اما خود بدان عمل نمی نمودم و شما را از منکرات نهی می کردم، اما خودم آنها را انجام می دادم). و از جمله کسانی که روده هایشان در آتش کشانده می شوند، عمرو بن لحي است. او نخستین کسی است که دین مردم عرب را تغییر داد. رسول الله صلی الله علیه وسلم او را دید در حالی که روده هایش در آتش کش می خورد. در صحیح مسلم از حضرت عبدالله روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[ رَأَيْتُ عَمْرَو بْنَ عَامِرِ الْخَزَاعِيِّ يَجْرُ قُصْبَهُ فِي النَّارِ كَانَ أَوَّلَ مَنْ سَيَّبَ السَّوَابِ ]<sup>2</sup>  
(عمرو بن عامر را دیدم که روده هایش در آتش کش می خورد و او نخستین کسی بود که بت پرستی را رواج داد).

### نهم: بند، اغلال، زنجیر و کوبیدن اهل دوزخ

خداوند برای اهل دوزخ زنجیر، شلاق و آلات کوبیدن را تدارک دیده است:

{ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا }

ما برای کافران زنجیرها و غلها و آتش فروزان دوزخ را آماده کرده ایم.

{ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا \* وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا }<sup>3</sup>

نزد ما غل و زنجیرها و آتش سوزان دوزخ است. و همچنین خوراک گلوگیري و عذاب دردناکی موجود است.<sup>4</sup>

اغلال به گردن آنها انداخته می شود:

{ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>5</sup>

و ما غل و زنجیرها را به گردن کافران می اندازیم (و ایشان را روانه دوزخ می سازیم). آیا به آنان جزایی جز (جزای) کارهایی که می کرده اند داده می شود؟<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: صحیح بخاری ج 1 ص 256 باب 4

<sup>2</sup>: صحیح بخاری ج 1 ص 115

<sup>3</sup>: سوره مزمل آیت 12=13

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1230

<sup>5</sup>: سوره سبأ آیت 33



انکال یعنی قیود، قیود را بدان جهت انکال گویند که خداوند کفار را بدان عذاب می دهد. سلاسل نوعی دیگر از اقسام عذاب است که بزهاران بدان بند می شوند. همانطور که در دنیا مجرمان را بدان بند می کنند. به این صحنه که خداوند متعال آن را برای ما ترسیم نموده است. توجه بفرمائید:

{ خُدُوهُ فَعَلُوهُ \* ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ \* ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ }<sup>2</sup>

او را بگیرد و به غل و بند و زنجیرش کشید. سپس او را به دوزخ بیندازید. سپس او را با زنجیری ببندید و بکشید که هفتاد ذراع درازا دارد.<sup>3</sup>

خداوند برای اهل دوزخ چکش های آهنینی تدارک دیده است. چکش هایی هستند که بر سر مجرمان فرو کوفته می شوند، در حالی که آنها قصد خروج از دوزخ را دارند.

{ كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ }<sup>4</sup>

هر زمان که دوزخیان بخواهند خویشتن را از غم و اندوه عظیم آتش برهانند، بدان برگردانده شوند (و آمرانه بدیشان گفته شود): بچشید عذاب سوزان را).<sup>5</sup>

**دهم: کفار همراه معبود و شیطان هایشان يك جا به آتش انداخته می شوند:**

کفار و مشرکین معبودان باطل را بزرگ می داشتند و از آنها دفاع می کردند و در این راستا مال و جان خود را بذل می نمودند. روز قیامت خداوند این معبودان باطل را بمنظور توهین عبادت کنندگان، در آتش می اندازد تا بدانند که گمراه بوده اند. معبودانی را عبادت کرده اند که هیچگونه نفع و ضرری برای آنها نداشته اند.

{ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ \* لَوْ كَانَ هُوَ لِآلِهَةٍ مَّا وَرَدُّهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ }<sup>6</sup>

ای کافران ستمگر! شما و چیزهایی که جز خدا می پرستید آتشگیره و هیزم دوزخ خواهید بود. شما حتماً وارد آن می گردید. اگر اینها معبودها و خدایانی بودند، هرگز وارد دوزخ نمی گشتند. (نه تنها وارد دوزخ می گردند) حتی همه (بتها و بت پرستها) در آن جاودانه می مانند.<sup>7</sup>

**یازدهم: حسرت، پشیمانی و خواسته کفار:**

کفار زمانی که آتش دوزخ را مشاهده می کنند، بشدت پشیمان می شوند. اما دیگر پشیمانی سودی ندارد.

{ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ }<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 897

<sup>2</sup>: سوره الحاقه آیت 30 = 32

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 1210

<sup>4</sup>: سوره حج 22

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 680

<sup>6</sup>: سوره انبیاء آیت 98=99

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 675

هنگام رویارویی با عذاب (دوزخ سخت به هراس می افتند و بغض می کنند و) آهسته (نالاه سر می دهند و) اظهار پشیمانی می نمایند. در میانشان دادگرانه داور می گردد و بدیشان ستمی نمی شود). و زمانی که کفار از نامه اعمال خود اطلاع می یابند و کفر و شرک خود را می بینند، همان کفر و شرکی که آنها را مستحق ماندگاری در دوزخ قرار داده است، علیه خود دعای هلاکت و نابودی می کنند.<sup>2</sup>

{ وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ تَبُورًا \* لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ تَبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا تَبُورًا كَثِيرًا }<sup>3</sup>

هنگامی که ایشان، با غل و زنجیر، به مکان تنگی از آتش دوزخ افکنده می شوند، در آنجا (واویلا سر می دهند و) مرگ را به فریاد می خوانند (و آرزوی نابودی می کنند) امروز يك بار نه، بلکه بارها و بارها مرگ را به آرزو بخواهید و فریادش دارید (ولی بدانید که دیگر مرگی وجود ندارد، و خلاص از عذاب و نجات از عقابی که پیوسته رو به افزایش است، غیر ممکن است).

در آن لحظه آه و فغان آنها بلند می شود و به امید اینکه از دوزخ بیرون آورده شوند، به درگاه پروردگار دعا می کنند.<sup>4</sup>

{ وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ }<sup>5</sup>

آنان در دوزخ فریاد برمی آورند: پروردگار! بیرونمان بیاور تا کارهای شایسته ای انجام دهیم که جدای از کارهایی باشد که قبلاً می کردیم.<sup>6</sup>

آری در آن لحظه کفار به ضلالت و بی خردی خود اعتراف کرده و می گویند:

{ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ \* فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ }<sup>7</sup>

و می گویند: اگر ما گوش شنوا می داشتیم، و یا عقل خود را به کار می گرفتیم، هرگز از زمره دوزخیان نمی گشتیم. اینجا است که به گناه خود اعتراف می کنند. پس دوری (از رحمت خدا) بهره دوزخیان باد!<sup>8</sup>.

{ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ }

<sup>1</sup>: سوره یونس آیت 54

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 408

<sup>3</sup>: سوره فرقان 13=14

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 747

<sup>5</sup>: سوره فاطر آیت 37

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 911

<sup>7</sup>: سوره ملک آیت 10=11

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 1198

کافران می گویند: پروردگارا! ما را دوبار میرانده ای و دوبار زنده کرده ای، و ما (در این مرگها و حیاتها به قدرت تو پی برده ایم و همه چیز را فهمیده ایم، اکنون) به گناهان خود اعتراف می کنیم، آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ و بازگشت به دنیا و جبران مافات) وجود دارد؟!.

اما این خواسته کفار بشدت رد داده می شود و همان پاسخی برای آنها بکار برده می شود که برای چهارپایان استعمال می شود: { قَالُوا رَبَّنَا عَلَبْتُ عَلَيْنَا شِفْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ \* رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ \* قَالَ اخْسُؤُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ }<sup>1</sup>

(در پاسخ می گویند: پروردگارا! بدبختی ما (که ناشی از انجام معاصی بود) بر ما چیره گشته بود، و ما مردمان گمراهی بودیم پروردگارا! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور، و اگر (بعد از این، به کفر و عصیان و انجام گناهان) برگشتیم، ما ستمگر خواهیم بود (و مستحق هرگونه عذابی) (خداوند بدیشان) می گوید: بتمکید در آن! و با من سخن مگوئید).<sup>2</sup>

براستی که عذاب الهی بر آنان ثابت شده و آنان در مسیری قرار گرفته اند که، نه دعا سودی خواهد داشت و نه آرزویی برآورده می شود.

{ وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ \* وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ \* فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ }<sup>3</sup>

(اگر (می شد) ببینی گناهکاران را در آن هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و کتاب گرد آورده شده اند، و ایشان از خجالت) سر به زیر افکنده اند و می گویند: پروردگارا! دیدیم (آنچه خود را از آن به کوری زده بودیم) و شنیدیم (آنچه خود را از آن به کوری زده بودیم). هم اینک (پشیمانیم) پس ما را (به جهان) بازگردان تا عمل صالح انجام دهیم (و سرافراز به خدمت برگردیم). ما (به قیامت و فرموده پیغمبرانت) یقین کامل داریم. اگر ما می خواستیم به هر انسانی هدایت لازم اش را می دادیم، ولیکن (انسان را صاحب اراده و مکلف به تکالیف و مسؤول در برابر اعمال خود، و قابل هدایت به وسیله پیغمبران آفریدیم و) من مقرر کردم که دوزخ را از جملگی افراد (بی ایمان و گناهکار) جنّ و انس پر کنم بچشید (عذاب جهنّم را) به خاطر این که ملاقات امروز خود را (با پروردگارتان برای حساب و کتاب) فراموش کرده اید، و ما نیز شما را (در میان عذاب رها و) به دست فراموشی می سپاریم، و بچشید عذاب همیشگی را به سبب اعمالی که (در دنیا) انجام می داده اید).<sup>4</sup>

<sup>1</sup>: سوره مؤمنون آیت 106=108

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 721

<sup>3</sup>: سوره سجده 12=14

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 871

دوزخیان بعد از آن رو به نگهبان دوزخ کرده و از وی می خواهند تا برای آنان درباره تخفیف عذابی که بدان مبتلاء هستند پیش پروردگار شفاعت کنند.

{ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ \* قَالُوا أَوْلَمْ تَأْتِكُمْ رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ }<sup>1</sup>

(دوزخیان به نگهبانان دوزخ می گویند: شما از پروردگارتان درخواست کنید که یک روز (بلی فقط یک روز) عذاب را از ما بردارد. (نگهبانان دوزخ به آنان) می گویند: آیا پیغمبران شما آیه های روشن و دلایل آشکاری را برای شما نمی آوردند؟ می گویند: آری. می گویند: پس خودتان درخواست کنید، ولی درخواست کافران (به جایی نمی رسد و بیفایده است و) جز سردرگمی نتیجه ای ندارد).<sup>2</sup>

### مناسبت آیت باما قبلش :

وقتی که خداوند (جل جلاله) بر انسان وسایل ادراک رابخشیده و آزادی را هم برایش داده ، و اختیار داده برایش و راه را برای شان ، واضح و روشن کرده .

و تعدادی انسان ها براه راست و مستقیم ، و راه حق استوار شدند که کامیابی نصیب شان شد . و گروه دیگری میلان کردند و از راه حق و حقیقت به انحراف رفتند ، و در راه گمراهی افتیدند پس خداوند (جل جلاله) راه فرقی را بیان کرد.<sup>3</sup>

### فوائد مستنبطه :

1- درآین کریمه تهدید سختی است ، برای انسان که از انسانیت خود را بیرون کده است. و از وظیفه خود در خلقتش غافل شده است و مغرور نعمت های الهی شده ، و دلایل قدرت او را انکار کرده و از آن روی گردانیده است .

2 – عذاب که برای کفار تدارک دیده شده عذاب سخت و مؤلمی است که ، طاقت فرسا است پروردگار برای شان تهیه کرده جزاء و نکال برای شان است .

3 – تقسیم انسان با اختیار به دو نوع است .

اول : شاکر (مؤمن ) دوم : کافر (ناسپاس ) ایجاب تنوع جزاء را میکند، که بعد از مکلفیت (ماموریت ) که الله (جل جلاله) امر کرده پس در این صورت کسیکه کافر شد برای او عذاب است .

<sup>1</sup>:سوره غافر آیت 49 = 50

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 996

<sup>3</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - ص 514

از نوع سلاسل (زنجیرهای) دوزخ درپایشان و اغلال است (دست بند) در دست و گردنشان ، که در آتش شعله آوری محرکه دوزخ سوزنیده میشود جسد شان .

آیت مبارکه دلیل موجودیت جهنم در حال است که در جمله (اعتدنا) به گذشته اشاره شده است.<sup>1</sup>

### مقطع چهارم : ذکر اعمال نیکان ( ابرار) دردنیا و شرح نعمت های ایشان در آخرت

{ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا \* يُوفُونَ بِالْآثَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا \* فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا \* وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا \* مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا \* وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَيْدِيهَا تَدْلِيلًا \* وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتٍ مِنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا \* قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا \* وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا \* عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا \* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا \* وَإِذَا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا \* عَلَيْهِمْ تِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا \* إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا \* }<sup>2</sup>

ترجمه: نیکان ، جام های شرابی را سر می کشند و می نوشند که آمیخته به کافور است.\*

این جام ها پر می شود از چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و هر جا که بخواهند با خود روان می کنند و می برند.\*

بندگان که در جهان اعمال و اوصافی این چنین ، در پیش می گرفتند . به نذر خود وفا می کردند ، و از روزی می هراسیدند که شر و بلائی آن گسترده و فراگیر است .\*

و خوراک می دادند به بینوا و یتیم و اسیر ، به خاطر دوست داشتن خدا.\*

به زبان حال ، به ایشان می گویند . ما شما را تنها به خاطر ذات خدا خوراک می دهیم ، و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی خواهیم.\*

ما از عذاب. پروردگاران می ترسیم ؛ از ( عذاب ) روز بس ترش رو و سخت عبوس (پیشانی گرفته گی)قمطریر(ترش روی) ( که قیامت نام دارد )\*

به همین خاطر ، خداوند آنان را از شرّ و بلائی آن روز محفوظ می دارد ، و ایشان را به خرمی و شادمانی می رساند.\*

و در برابر صبری که نموده اند ، خداوند بهشت و جامه ابریشمین را پاداش ، شان می کند\*

<sup>1</sup>: تفسیر منیز - ج 29 - ص 191

<sup>2</sup>: سوره انسان - آیت 5-22

در بهشت بر تختهای زیبا و مجلل تکیه می کنند ، و نه ( گرمای ) آفتابی و نه سوز سرمائی در آنجا می یابند.\*

سایه های ( درختان ) بهشتی بر آنان فرو می افتد ، و میوه های آنجا سهل الوصول و در دسترس است\* .

جامه های سیمین شراب و قدحهای بلورین می میان شان به گردش در می آید.\*  
قدحهای بلورینی که از نقره اند . (خدمتکاران بهشتی) آنها را درست به اندازه لازم پیموده اند\* .  
در آنجا از جام های شرابی بدیشان می دهند که آمیزه آن زنجبیل است.\*  
این جام ها پر می شوند از . چشمه ای که در بهشت است و سلسبیل نامیده می شود.\*  
همواره نوجوانان جاودانه ای میان شان می گردند ( و به خدمت شان می پردازند ) که هرگاه ایشان را بنگری چنین گمان می کنی که مروارید غلتانند\* .

هنگامی که بنگری ، در آنجا نعمت فراوانی و سرزمین فراخی و پادشاهی بزرگی را خواهی دید.\*  
بر تن ایشان ، لباس های ابریشم نازک سبز و دیبای ضخیم (یک نوع ابریشم دبل) است ، و با دست بندها و زیورات نقره ، زیب و زینت شده اند ، و پروردگارشان به ایشان شراب پاک می نوشاند.\*  
این نعمت های فراوان پاداش کارهای پسندیده نیک دنیوی . شما است ، و بدین وسیله . از تلاش و کوشش شما قدردانی و سپاسگزاری می شود.\*<sup>1</sup>

در مورد (إِنَّ الْأَبْرَارَ)

ایرار از دید گاه قرآن :

{ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا  
مَعَ الْأَبْرَارِ }<sup>2</sup>

پروردگارا ! ما از منادی شنیدیم که ( مردم را ) به ایمان به پروردگارشان می خواند و ما ایمان آوردیم پروردگارا ! گناهانمان را ببامرز و بدیهایمان را ببوشان و ما را با نیکان و بمیران .

{ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ  
لِلْأَبْرَارِ }<sup>3</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل-ج 1 - ص 1245 = 1246

<sup>2</sup>: سوره العمران آیت 193

<sup>3</sup>: سوره العمران آیت 198

ولي آنان که از ( خشم ) پروردگارشان ( با انجام طاعات و ترك منهيّات ) مي پرهيزند ، بهشت از آن ايشان است که در زير ( درختان ) آن رودخانه ها روان است ، و جاودانه در آن مي مانند . به عنوان مهماني و پذيرائي از جانب خدا است ، و آنچه درپيشگاه يزدان است براي نيکان بهتر است.<sup>1</sup>

{ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ }<sup>2</sup> مسلماً نيکان در ميان نعمت فراوان بهشت بسر خواهند برد .

{ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيّن \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيّون \* كِتَابٌ مَرْقُومٌ \* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ \* إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ }<sup>3</sup>

هرگز! قطعاً نوشته اعمال نيکوکاران در « عِلِّيّين » قرار دارد . \* تو چه مي داني که « عِلِّيّين » چه و چگونه است ؟ \* کتاب نوشته شده اي است \* فرشتگان مقرب ( براي نوشتن مطالب ) در آنجا حضور بهم مي رسانند . \* بي گمان نيکان در ميان انواع نعمتهاي فراوان بهشت بسر خواهند برد .<sup>4</sup>

روايت و اقوال متعدد وجود دارد از جمله روايت ابن عمر (رضی الله عنهما) است .

[وَرَوَى ابْنُ عُمَرَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّمَا سَمَّاهُمْ اللَّهُ جَلًّا تَنَائُؤُهُ الْأَبْرَارَ لِأَنَّهُمْ بَرُّوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَآءَ، كَمَا أَنَّ لِي وَالِدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا كَذَلِكَ لِي وَالِدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا]<sup>5</sup>

ابن عمر (رضی الله عنهما) روايت نموده که ، رسول الله (صلی الله عليه وسلم) فرموده است ، يقيناً نام نهاده ايشان را الله (جل جلاله) ابرار و نيکان را از خاطريکه ، ايشان نيکی ميکنند به پدر و مادر و نيکی ميکنند به فرزندان ، و اولادها ، طوریکه پدر و مادر بالاييت حق دارد و همچنان اولادها بالاييت حق دارد .

1 – بعض گفته ابرار و نيکان کسانی است که رقيب خود را ضرر و اذيت نمی کنند .

2 – بعض ، ابرار و نيکان کسانی است که ، حقوق الله (جل جلاله) ادا نموده و به نذر شان وفا ميکنند .

ابرار و نيکان ، اهل اطاعت و اخلاص ، هستند و از جمله اشخاصی اند که ، حق الله متعال را ادامی نمايند و حقوق العباد را رعايت ميکنند ، به عهد پيمان شان وفا ميکنند طوریکه در حديث شريف آمده است [ البر ما اطمأنت إليه النفس ]<sup>1</sup> .

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 134

<sup>2</sup>: سوره انفطار آيت 13

<sup>3</sup>: سوره مطففين آيت 18 = 23

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1434

<sup>5</sup>: هندی علاء الدين على بن حسام الدين المتقى البرهان فوری متوفی 975 هـ ق – كنز العمال في سنن الاقوال والافعال – ج 16 – ص 469 – شماره حديث 45490 – تحقيق – بكری حيانی – صفوة السفا – ناشر مؤسسة الرسالة – طبع پنجم 1401 هـ ق

نیکی چیز است که ، روح و روان انسان به آن آرام گیرد .

کلمه {کأس} پیاله شراب است ، که آمیزان کافور است ، یعنی کافور به آن آمیخته میشود تا بوی و طعم شراب کامل و لذت بخشتر گردد . {میزاج} بمعنای آمیخته ، {کافور} گیاه خوشبوی است که عربها آن را به داخل شراب می ریختند تا معطر گردد .

ولی در این ایه متبرکه اسم آبی است درجنت ، تشبیه آن به کافور از لحاظ سفیدی و خوشبوی است . یعنی محتوی آن از آبی به نام کافور است . شراب آن خوشبو و سفید همچون کافور است .<sup>2</sup>

{عینا} چشمه ابی است . {یشرب بها} می نوشند از آن {عباد الله} آیت مبارکه در شان ابوبکر صدیق ، عمر فاروق ، علی مرتضی ، زبیر حواری رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ، عبد الرحمن بن عوف ، سعد بن ابی وقاص ، ابی عبیده بن جراح ، عبد الله بن مسعود ، حذیفه بن یمان ، سلمان فارسی ، و ابی زر غفاری (رضی الله عنهم) نازل شده است .<sup>3</sup>

{ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا } برمیجوشانند و به فوران درمی اوزند .

در این آیت مبارکه پرور دگار با عظمت می فرماید جنتیان آن چشمه را به هر جای که ، از بهشت بخواهند ، روان میکنند و از آن هرگونه که بخواهند ، استفاده میگیرند .

هدف این است که آن چشمه ، تحت امر و فرمان و تصرف جنتیان قرار دارد . در حدیث شریف آمده است . در بهشت چهار چشمه وجود دارد ؛ دو چشمه آن زیر عرش روانند که خداوند (جل جلاله) از یکی آن چنین یاد کرده است .

{ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا } . و آن دیگر چشمه زنجبیل است . دو چشمه دیگر از فراز عرش فواره زنند ه که یکی از آن ها را خداوند (جل جلاله) چنین یاد کرده است . چشمه ای است در آن که سلسبیل نامیده میشود . دیگری آن چشمه تسنیم است .

حسن بصری میگوید ( چشمه تسنیم مخصوص مقربین است ، که به عنوان آب شرب ایشان است که از آن برای ابرار (نیکان) آمیخته و آمیزه ای است . چنانکه از چشمه های زنجبیل و سلسبیل نیز برای ابرار آمیخته و آمیزه .

<sup>1</sup>: تفسیر احمد - ج 29 - ص 483

<sup>2</sup>: و جامع الاحکام القرآن (تفسیر قرطبی) - ج 19 - ص 125 = تفسیر فی ظلال القرآن - ج 7 - ص 412 = تفسیر فتح القدر - ج 5 - ص 418 .

<sup>3</sup>: سمعانی ابومظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار - تفسیر القرآن سمعانی - ج 6 - ص 115 - تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم - ناشر داروطن راض سعودی عربی - سال نشر 1418 ه ق



امام رازی<sup>1</sup> گفته است از این آیات که در ذکر عذاب شیوه اختصار اختیار کرده و در شرح ثواب شیوه تفصیل را به کار برده است ، این دلالت برمی آید که جانب رحمت الله (جل جلاله) غالب تر و قویتر است بر جانب عذاب او .<sup>2</sup>

{ **يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا** }<sup>3</sup> بنده گان نیکوکار و فاء میکنند به نذرومی ترسند از روزی که شروبلای آن فراگیر است .  
از جمله صفات نیکوکاران کسانی که به این صفات ، کریم و باعزت رسیدند ، و بدست آوردند ثواب بزرگ را به نذر خود کردند و از روز رستاخیز ترسیدند .

### نذر چیست :

**نذر در لغت :** به معنی الزام کردن آمده است ، و هدف از آن اینکه : انسان چیزی را برخو لازم می گرداند است . (نذر علی نفسه لله کذا ، ینذر ، ینذر ، نذراً و نذوراً)<sup>4</sup>

امام شافعی (رحمه الله) در کتاب (جرح عمد) ، آن مال را که در جرحات از دیه واجب میباشد نذر نامیده و گفته که لغت اهل حجاز همین است و اهل عراق در مقابل ، به آن ارش میگویند :<sup>5</sup>

**معنی اصطلاحی نذر :** نذر در شریعت اسلام به این معنی میباشد که شخص برخو عبادتی را که شرع بر او لازم نکرده ، واجب گرداند .<sup>6</sup>

### نذر از دید گاه قرآن کریم :

{ **إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** }<sup>7</sup>

هنگامی که همسر عمران گفت : پروردگارا ! من آنچه را در شکم دارم خالصانه نذر تو کردم پس ( آن را ) از من بپذیر که تو شنوا و دانائی.<sup>8</sup>

{ **فَكُلِّي وَاشْرَبِي وَفَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا** }<sup>9</sup>

پس بخور و بیاشام و چشم را روشن دار ، و هرگاه کسی را دیدی بگو : که من برای خدای مهربان روزه نذر کرده ام ، و به همین دلیل امروز با انسانی سخن نمی گویم .<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسن بن حسین تیمی معروف به فخر الدین رازی خطیب رئی متوفی 606 هـ ق

<sup>2</sup>: تفسیر طبری - ج 24 - ص 94 = و تفسیر احمد - ج 29 - ص 484

<sup>3</sup>: سوره انسان آیت 7

<sup>4</sup>: لسان العرب - ج 5 - ص 200

<sup>5</sup>: ابن اثیر ابوالسعادات المبارک بن الجزری - النهایة فی غریب الاثر - ج 2 - ص 539 - تحقیق طاهر احمد الرازی - محمود محمد

الطناحی - ناشر مکتبه علمیه بیروت - سال نشر 1399 هـ ق عدد اجزاء 5

<sup>6</sup>: مرجعه فوق - ج 5 - ص 39

<sup>7</sup>: سوره العمران آیت 35

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 98

<sup>9</sup>: سوره مریم آیت 26

{ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ }<sup>2</sup>

و هر هزینه ای را که ، متحمل می شوید ، یا هر نذری را که ، به گردن می گیرید ، بیگمان خداوند آن را می داند ، و ستمگران را یاور می نیست .

### نذر در ادیان :

نذریکی عبادت های قدیمی که در امت ها و ادیان گذشته هم به حیث یک عباد محسوب میشد و در نزد آنان وفای به آن لازم و واجب بوده است و کسی که به نذرش عمل نمی کرد ، نکوهش و ذم میشدند و نوعی از مخالفت از دساتیر دینی و شرعیت شان به حساب میرفت .

### نذر در اعراب جاهلیت :

مؤرخین می نویسند که در زمان جاهلیت و قبل از اسلام هم ، مشرکان و بت پرستان مکه برای خداوند (جل جلاله) و بت ها نذر میکردند و خداوند (جل جلاله) هم از اهل جاهلیت نقل میکند که آن ها برای تقرب به خداوند (جل جلاله) برای بت ها نذر میکردند و آن ها را نزد خداوند (جل جلاله) شفیع قرار می دادند تا به حاجات و ضروریات شان رسیدگی شود .<sup>4</sup>

### نذر در اسلام :

موضوع نذر در شرع اسلامی مشخص و معلوم است و کتاب ، سنت ، و اجماع بر مشروعیتش دلالت دارد .

و تعدادی از علماء بر مشروعیت نذر ، نقل اجماع کرده اند.<sup>5</sup>

### نذروا جب نیست :

هیچ یکی از فقها از جمله فقهای مذاهب اربعه حکم بر واجب بودن نذررانه نموده اند ، و حتی از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) ثابت نگردیده که نذر کرده باشند ، بناءً گفته می توانیم که نذر بصورت قطع واجب نمی باشد .<sup>6</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 616

<sup>2</sup>: سوره بقره آیت 270

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 88

<sup>4</sup>: سید سابق متوفی 1420 ه ق فقه السنة - ج 3 - ص 34 ناشر دارالکتاب العربی بیروت لبنان - طبع سوم 1397 ه ق 1977 م

<sup>5</sup>: ابن قدامه ابو محمد موفق الدین عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه الجماعلی ، المقدسی ، ثم دمشقی ، الحنبلی ، معروف به ابن قدامه -

الشرح الکبیر - ج 11 - ص 331

<sup>6</sup>: المغنی لابن قدامه - ج 11 - ص 332

## مستحب بودن نذر :

تعداد از علمای مذهب شافعی از جمله قاضی حسین ، متولی ، ظاهر قول رافعی و امام غزالی (رحمهم الله ) نذر کردن را عمل خیر و قربتی دانسته ، می فرمایند ، که نذر مندوب می باشد و لذا از کافر قبول نمیگردد.<sup>1</sup>

شیخ امام قرطبی<sup>2</sup> آن را در مجاریات مکروه و در تبریر مندوب میدانند و میگویند اگر فرد اعتقاد به تأثیر ذاتی نذر کند و آن را مؤثر بداند ، نذر کردن برای اینگونه افراد می باشد .  
امام ابوحنفیه ( رحمه الله ) می فرماید نذر صحیحی بشرایط خود دار باشد ، قربت مشروع و مندوب می باشد و دلیل قربت بودن آن ، به دلیل انجام اعمال خیری است که نذر کرده می شود و دلیل مشروع بودن آن ره خاطر اوامری که از طرف شارع به ایفا کردن به آن آمده است .<sup>3</sup>

## دلایل استحباب نذر:

علمای که بر استحباب بودن نذر قائل اند بر دلایل ذیل استنباط می نمایند :  
اول اینکه الله (جل جلاله) ایفا کنندگان نذر را مدح نموده اند ، طوری که می فرماید . { وَلْيُؤْفُوا نَّذْرَهُمْ }<sup>4</sup> و به نذر های خویش ، اگر نذر کرده اند ، وفا کنند .

## مباح بودن نذر :

امام مالک ( رحمه الله ) بدین نظر است که ، نذر کردن مباح است بشرط اینکه تکرار نشود ؛ چرا که در غیر این صورت انجام آن برایش مشکل میگردد . عدهای از فقهای حنفی هم گفته اند که نذر کردن در طاعت مباح می باشد ؛ چه مطلق باشد و یا معلق  
امادلیل این ها برای اباحه نذر این است که میگویند چون ما احادیث امر و نهی داریم و هیچ دلیلی هم برای ترجیح بین آن ها نداریم ، لذا حمل آن ها به اباحه اولی میباشد تا امر و نهی پیامبر (صلی الله علیه وسلم ) هر دو اعمال گردد .

## نذر کردن مکروه است :

امام شافعی ( رحمه الله ) می فرماید که اصلاً نذر کردن مکروه می باشد .  
مذهب ظاهریه نذر کردن را مکروه میدانند .

<sup>1</sup>: محمد خطیب شیرینی - مغنی المحتاج - ج 11 - ص 578

<sup>2</sup>: قرطبی محمد بن أحمد بن ابی بکر بن فرح ابو عبد الله خزرجی شمس الدین متوفی 671 هـ ق

<sup>3</sup>: عبد الرحمن بن محمد عوض الجزیری (المتوفی: 1360 هـ - الفقه علی المذاهب الأربعة - ج 2 - ص 117 الناشر: دار الکتب العلمیة،

بیروت - لبنان الطبعة: الثانية، 1424 هـ - 2003 م

<sup>4</sup>: سوره حج جزئ آیت 29

مذهب مالکیه هم براین عقیده است که نذر مطلق منوذب است ، به شرطی که تکرار نشود ، اما اگر تکرار شود مکروه میدانند ؛ مثلاً شخصی بگوید که من برای الله نذر میکنم که روزه ی هرپنجشنبه را بگیرم ، اما این نذر به علت سنگینی و مشقتی که دارد به عدم طاعت بودن بیشتر نزدیک است تا به طاعت بودن و ممکن است که شخص دروفای به آن کوتاهی کند و نتواند آن را انجام دهد<sup>1</sup>

### حرام بود نذر کردن :

در روایتی از مذهب حنابله آمده که نذر کردن مکروه تحریمی میباشد . وعده از اهل حدیث هم حرام میدانند .

امام قرطبی آن را در مجازات مکروه و در تبرر مندوب میداند ، اما میگوید اگر فرد اعتقاد به تأثیر ذاتی نذر نکند و آن را مؤثر بداند ، نذر کردن برای اینگونه افراد حرام می باشد  
دلیل حرام بودن نذر :

در حدیثی که امام مسلم روایت کرده آمده است که [عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَنْذِرُوا، فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِي مِنَ الْقَدَرِ شَيْئًا، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ»<sup>2</sup>  
نذر نکنید ، چراکه نذر هیچ چیز را از قدر و مقدرات خداوند (جل جلاله ) راعوض نمیکند ، و فقط مال است که از دست انسان بخیل خارج میشود ، یعنی اینگونه افراد به خاطر بخل به کسی چیزی نمیبخشند و فقط هنگام نذر کردن مال میدهند بس .

و در حدیث دیگر هم امام مسلم در کتاب صحیح خود آورده است .

[عَنْ ابْنِ عُمَرَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَهَى عَنِ النَّذْرِ، وَقَالَ: «إِنَّهُ لَا يَأْتِي بِخَيْرٍ، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ»<sup>3</sup>

پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) از نذر کردن نهی نموده و فرمودند که چیزی ی از قضای خداوند (جل جلاله) را تغییر نمیدهد و از انسان بخیل مال را بیرون میکشد که در حالت عادی آن مال را نمیداد .  
و در این احادیث رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) از نذر کردن نهی کرده اند و اصل در منهیات رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) بر تحریم میباشد .

مگر قرینه ای باشد و لذا ما هم در اینجا آن را بر حرمت حمل میکنیم ، هر چند که وفا کردن به آنواجب میباشد ، چون ملازمه ای بین این دونمی باشد. آیا نذر کردن در بر آوردن حاجات مفید است ؟ بلی اگر

<sup>1</sup>: شوکانی محمد بن علی بن محمد بن عبد الله یمنی متوفی 1250 - نیل الاوطار - ج 8 - ص 280 - تحقیق عصام الدین الصبابطی - ناشر دار الحدیث مصر - طبع اول 1413 ه ق عدد اجزاء 8 جزء

<sup>2</sup>: صحیح مسلم - ج 3 - ص 1261 - باب النهی عن النذر - شماره حدیث 1640

<sup>3</sup>: صحیح مسلم - ج 3 - ص 1261 - باب نهی عن النذر - شماره حدیث 1639 .

خداوند (جل جلاله) بخواهد کاری را انجام دهد انعام میدهد ، وواگربخواهد کاری را انجام ندهد انعام نمیدهد ، وازطرفی خود رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از نذر نهی کرده وبیان فرموده که درنذر هیچ فایده شرعی وجود ندارد ، وفایده شرعی ندارد ، چون خیری ندارد وفایده قدری ندارد ، چون قدری را عوض نمیکند ؛ پس قول به حرام بودن قویتر است .

**شیخ ابن عثیمین<sup>1</sup> می فرماید :** اگرکسی اعتراض کند وبگوید چگونه خداوند (جل جلاله) وفاکننده گان به نذررادمح وتمجید ، ستایش نموده است ، درحالی که آن ها بانذر کردن به کارحرامی مرتکب شده اند ؟

جواب همین است که خداوند (جل جلاله) برنذرکنندگان مدح نکرده است ، بلکه وفاکنندگان ره نذرهایشان رادمح نموده است وبین این دو تفاوت است ، پس این قول الله (جل جلاله) که می فرماید { يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ }<sup>2</sup> بندگان صالح به نذرهای شان وفامیکنند"

معنایش این است که اگر برا خداوند (جل جلاله) چیزی را نذر کنند ، صبر نمیکنند وبه سرعت به ادای نذر خود میپردازند ، وقول دیگری هم درمورد این آیه میباشد که اصلاً منظور از نذر دراین آیات واحادیث که نذردهندگان درآن مدح شده اند ، ادای واجبات میباشد طوریکه درآیت مبارکه آمده است {ثُمَّ لِيُقْضُوا نَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ}<sup>3</sup> سپس ، باید آلودگی های شان را برطرف سازند ، وبه نذر های خود وفاکنند. باینکه آن ها نذر ی نکرده بودند ، امامی فرماید که باید به نذرهایشان وفاکنند .

امام طبری ازقتاده درمورد تفسیر آن { يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ } روایت کرده است ، [حدثنا بشر، قال: ثنا يزيد، قال: ثنا سعيد، عن قتادة، قوله: (يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ) قال: كانوا يذرون طاعة الله من الصلاة والزكاة، والحج والعمرة، وما افترض عليهم، فسامهم الله بذلك الأبرار، فقال: (يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ) وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا].<sup>4</sup>

می گوید آنان درنماز وروزه وسایر فرائض خداوند (جل جلاله) نذر میکردند ولذا خداوند (جل جلاله) آنان را ابرار نامیده است . درمورد { وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا }<sup>5</sup> طعام میدادن باوجود نیازمند شان به مستمندان ، ویتیمان ، اسراء .

<sup>1</sup>: محمد بن صالح بن محمد بن العثیمین متوفی 1421

<sup>2</sup>: سوره انسان آیت 7

<sup>3</sup>: سوره حج آیت 29

<sup>4</sup>: تفسیر طبری جامع البیان - ج 24 - ص 95

<sup>5</sup>: سوره انسان آیت 8

## صفات دیگری از نیکوکاران (طعام دادن برای بدست آوردن رضا الله) (جل جلال له) :

به خاطر دوستی و محبت با الله (جل جلاله) ، طعام خویش را برای مسکینان ، یتیمان و اسیران به مصرف میرسانند . بادر نظر داشت اینکه خود شان خوراکی کمی در اختیار دارند ، ولی با آنهم به منظور رضای پروردگار آنرا بر این سه گروه تقسیم می نمایند .

امام فخرالدین رازی : بدان که مجامع طاعات در دوا امر محصور است . تعظیم امر که وفایه نذر است . و شفقت به بر خلق الله (جل جلاله) طعام دادن به نیازمندان است .

ابن جریر ی در مورد کلمه اسیرا فرموده است که ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اهل اسلام را به اسارت نمیگرفت و این آیت درباره اسیران اهل شرک نازل گردید و رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) مسلمانان را به رفتار نیک با آنها دستور دادند .

{ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِيُوجِبَ اللَّهُ لَكُمْ لَوْلَا شُكْرًا }<sup>1</sup> آنها میگویند ف ماشمار راتنها به خاطر دیدار ، روی خدا (جل جلاله) غذا میدهم ، یعنی جز حصول دیدار الله (جل جلاله) و دست یافتن به رضای او هدف دیگری نداریم ، این دلیل اخلاص ایشان است که یکی از دوش شرط اساسی قبولیت هر عمل است لذا این هدف شان را بیشتر توضیح داده میگویند :

ما از شما پاداش و سپاس گزاری نمی خواهیم لذا در انتظار آنیستیم که به ما سپاس و تشکر بگویند از این آیت دانسته میشود که انفاق و کمک خالص همان است که کمک کنند ه از کسی که کمکش میکند ، جز رضای الله (جل جلاله) هیچ نوع توقع و آرزو و نیت دریافت پاداش و احسان در مقابل رانداشته باشد . در این آیت مبارکه ملاحظه می شود که ، اطعام و انفاق زمانی ارزش بیتر دارد که شیء انفاق شده ، مورد ضرورت و علاقه انسان باشد .

در جمله { نطعمکم } این فهم عالی در می رساند که اطعام ، زمانی ارزش بیشتر ی دارد که از خود و بادست خود باشد .

و از جانب دیگر ؛ کمال واقعی زمانی است که نیکی در انسان نهادینه شود .  
هکذا اگر توجه نموده شود دیده میشود که تمام کمالات به فعل مضارع که نشانه استمرار فعل است ، آمده است .

انسان های خیر رسان، نه تنها بازبان درخواست تشکر از جانب مقابل ندارد ، بلکه در دل هم به فکر تمجید و تشکر نمی باشد .<sup>2</sup>

{ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا } . مامی ترسیم از پروردگار روز که ، جبین گرفته و کار شدید و سخت میگردد .

<sup>1</sup>:سوره انسان آیت 9

<sup>2</sup>: تفسیر طبری - ج 24 - ص 98

عبوس : ترش روی

قمطیر : تاریک

در این آیت مبارکه از موضوع خوف الله (جل جلاله) یادآوری بعمل آمده است، یعنی اشخافیکه از الله (جل جلاله) . خوف داشته باشد ، منافاتی باشوق به ثواب یاخوف از عقاب ندارد .

زیرا ثواب و عقاب نیز از جانب الله (جل جلاله) است .

قابل تذکر است که در روز قیامت ، نه تنها مردم ، ترش می باشد ، بلکه در واقعیت این روز اساساً در ذات خویش از روز های عبوس و ترش میباشد طوریکه در آیت مبارکه آمده است .

ولی نباید فراموش کرد که برای فرار از آن روز عبوس ، مانباید امروز در برابر مسکین و یتیم و اسیر ، ترش روی کنیم .

{ فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرٌّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا 15 }<sup>1</sup> پس الله (جل جلاله) ایشانان را از شر آن روز نگه داشته و آنان را باخوشی و شادابی و شادمانی استقبال می کند .

بعد از ذکر وفا ابرار به نذر ، اخلاص ، و خوف شان از عذاب الهی ، در این جاه الله (جل جلاله) عنایات و الطافی را که نصیب ایشان میکند ، شرح داده فرموده .

در این جای هیچ شک نیست که الله (جل جلاله) آنان را از سختی های این روز نگه میدارد ، و ایشان را از هولناکی اش دور میسازد ، از مشکلاتش نجات میدهد .

سیمای شان را زیبای و روشنی می بخشد و با شنیدن خبر ها شادمان شان می سازد ؛ از اینرو چهره های روشن و گشاده دل های شادمان دارند .

{ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا }<sup>2</sup> و به پاداش صبر که کردن بهشت و لباس های از ابریشم بهشتی را به آنان پاداش داد .

ابرار و نیکان انسان های هستند که غیر از رضای پروردگار ، خواست دیگری ندارند و اراده او را بر خواست خود مقدم می شمارند ، و در عبادت و طاعت استقامت و صبر ناک اند ، بهشت برین جای بود باش شان بوده و در آنجا از نعمت های بینظیری و بی مانند ی مستفید و بهر مند می شوند ، و از پوشاک ، تکیه گاه و فرش های ابریشمی استفاده می نمایند .

{ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا }<sup>3</sup> در حالی که در آن جنت بر تخت ها تکیه زده اند ، و در آنجا هیچ گرمای سوزان آفتاب و نه سرما در آن جا می بینند .

«ارائک» بمعنای تخت زینت داده شده است . «شمس» گرمی آفتاب « زمهریر» سختی سرما و سردی جنتیان بر تخت های نرم و ملایم که به زیباترین رنگ ها مزین شده اند و دارای بهترین شکل

<sup>1</sup>: سوره انسان آیت 15

<sup>2</sup>: سوره انسان آیت 12

<sup>3</sup>: سوره انسان آیت 13

میباشد ، تکیه زده اند ، گرمی آفتاب و سردی زمهریر را درجنت احساس نمی کنند ، بلکه فضای معتدل ، هوای خوشگوار و سایه های فراخی برای شان آماده است .<sup>1</sup>

{ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا }<sup>2</sup> و سایه های درختان به آنان نردک است و چیدن میوه ها یش بسیار آسان است .

«قطوف» میوه

«تذلیلا» آسان کردنی در دسترس. جنتیانی که درناز و نعمت زندگی بسر می برند ، سایه های درختان آن بر سر آنها نزدیک و گسترده است . و میوه های چیدنی اش به آسانی فرود آمده و در اختیار شان قرار دارد : یعنی میوه های جنت چنان برای تناول کنندگان رام ساخته شدن است که جنتی ها میتوانند آن در هر حالتی که میل و خواهش داشته باشند.

از میوه آن مستفید شوند ، فرق نمی کند در حالات استاده باشد ، و یاد در حالات نشسته و یا هم به پهلو آرمیده باشد ، در همه ای این حالات یکسان میتواند به آن دسترسی یابد و از آن استفاده بعمل آرند ، نه آن درختان از پیش شان دور ، که دست های بهشتیان به آن نهرسد ، در ضمن صفت آن درختان این است که این درختان بدون خار و خاشاک می باشند .

{ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا }<sup>15</sup> { جام های نقره ی شراب و قدحهای بلورین (شیشه ی) می میان شان به گردش در می آید .

«أكواب» جمع کوب بمعنای قدح (کوزه مانند)

«قواریر» جمع قاروره ظرف شیشه ی

فرق در میان آتیه و اکواب این است که اکواب جام های است بدون دسته ، اما آتیه ظروفی است دارای دسته ، مانند کوزه .

قابل تذکر است که پاداش الهی در مقابل صبر و استقامت انسان ها همین است که الله (جل جلاله) در قدم اول برای شان جنت نصیب نموده ، در قدم دوم درجنت خدمت جنتیان را نوجوانان با کوزه های بلورین ظرف های طعام و جام های شراب در اطراف شان پروانه وار می چرخند این بدین معنا است که ، جنتیان دارای خدمت گار ان مهذب و مقرب اند ، در آن جا برای شان خوراک های لذت بخش و قابل اشتها و شراب نافع و بی ضرری را در ظرف های فاخر و زیبای که ، از شیشه نقره ای است برای شان آماده میکنند .

مفسیر کبیر ترجمان القرآن ابن عباس (رضی الله عنهما) فرموده است که ، هیچ چیز درجنت نیست مگر اینکه به شمادردنیا مشابه آن داده شده است ، بجز کوزه های که از نقره است.<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر وسیط طنطاوی - ج 15 - ص 221

<sup>2</sup>: سوره انسان آیت 14 - 18



{ قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا 16 } جام های از نقره ساخته و اندازه نموده اند آنها را به اندازه ای که موافق میل آنان باشد.

«تقدیر» اندازه کردنی ، اندازه ی مناسب. طوری که یاد آور شدیم ظرف های جنت در شکل و اندازه های متفاوت و مطابق با اراده و میل جنتیان ساخته شده است : یعنی اینکه نقره های که حاجب ماوراء نیستند و از بیرون درون آنها دیده می شود .

ساقی آنها را به طور حساب شده مقدر کرده است ؛ طوری که زیادت و نقصانی ندارد و این امر لذت بخش ترین چیز در انسان است .

{ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْأَجُهَا زَنْجَبِيلًا 17 } و نوشانیده می شوند در آنجا ، از جام های که آمیزه آبی از زنجبیل است .

زنجبیل از جمله نباتی (گیاهی) است که معمولاً در مناطق گرمسیر پیدا می شود ، عربها زنجبیل را به خاطر نشاط آور و محرک و خوشبو بودن در شراب خویش استعمال می نمودند .

{ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا 18 } چشمه است در جنت که سلسبیل نامیده میشود. سلسبیل در لغت به معنی آب روان و سلسبیل نام آبی است که در نهایت روانی و صفای بوده . از فحوی آیت مبارکه معلوم شد که ابرار نیکوکار از چشمه ای آب جنت می نوشند که سلسبیل نام دارد ؛ و این آب از در پاک است ، تناولش آسان است ، و خیلی لذت بخش است <sup>2</sup>

{ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا 19 } و بر گرد آنان پسرانی جوانی می گردند چون آنها را ببینی گوی که مروارید های پراکنده اند .

از کلمه «یطوف» این فهم بدست میاید ، که در جنت از جنتیان چنان پذیرای و استقبال گرمی به عمل می آید که ضرورت به درخواست و تقضا و طلب نیست.

بلکه در اطراف ابرار ، پسرانی نیکوکار اند که همیشه نوجوان اند هرگاه ایشان را ببینی گمان میکنی که آنان مرواریدی هستند که تازه از صدف بیرون شده اند ، جوانی انی جوانان بی نهایت باطراوت بوده اند و در تازه گی و خرمی مانند مروارید پراکنده اند ، و دائماً در حالت شادابی قرار دارند که شادابی شان تغیر نمی کنند .

پروردگار با عظمت مالمین پسران خدمت گزار را به مروارید افشاندن تشبیه نموده که در خدمت گزاری بی نهایت سریع اند، برخلاف حورعین که ایشان را به مروارید نهفته تشبیه نمود زیرا ایشان زیر بار خدمت قرار داد نمی شوند و برای عشق ورزیدن فاغبالند .

<sup>1</sup>: ایسر التفسیر جزایری \_ ج 5 - ص 486

<sup>2</sup>: تفسیر ماوردی - ج 6 - ص 171

ابن کثیر فرموده که نهنیکوتر از این تشبیحی وجود دارد و نه از مروارید افشاندن در مکانی زیبا و باصفا، منظره ای دلرباتر و زیباتر وجود دارد.<sup>1</sup>

{ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا 20 } هنگامیکه آنجا را ببینی نعمتها وپاد شاهی بزرگ رامیبینی

و درایت مباحه اشاره دارد به اینکه در هر جای و هر طرفی از جنتت که نظر اندازی به اندازه نعمتهای ماندگار، جاودانگی پایدار، شادمانی دوامدار، شادابی عمیم و خورسندی عظیمی را مشاهده مینماید. که هرگز قدر و اندازه آن را در حد و حصر نتوان آنرو د .

{ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَخُلُوعًا أَسْوَرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا 21 } . بر اندام و تن شان لباس های از حریر (ابریشم) نازک و سبز رنگ و دیبای نازک و ابریشم ضخیم است و بادستبند های از نقره آراسته شده اند ، و پروردگار شان شراب طهور به آنان می نوشاند .

این شرابی است که پروردگار شان به لطف و کرمش برای شان مرحمت نموده است ، و همانند شراب دنیانیست که عقل را مختل بسازد و موجب صد ها مفسد دیگر شود ، بلکه شرابی است که از هر نوع عوارض جانبی پاک و صاف است.

در مورد لباسهای بهشتیان ، امام احمد (رحمه الله ) در مسند خود از عبدالله بن عمرو بن العاص (رضی الله عنه) روایت کرده [ ثم قام رجل فقال: يا رسول الله، أُرِيتَ ثِيَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أُنْتَسَجُ نَسْجًا أَمْ تُشَقَّقُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ؟، قال: فَكأنَّ الْقَوْمَ تَعَجَّبُوا مِنْ مَسْأَلَةِ الْأَعْرَابِيِّ!، فقال: مَا تَعَجَّبُونَ مِنْ جَاهِلٍ يَسْأَلُ عَالِمًا؟ قال: فَسَكَتَ هُنَيْئَةً، ثم قال: أَيْنَ السَّائِلُ عَنِ ثِيَابِ الْجَنَّةِ؟، قال: أَنَا، قال: بَلْ تُشَقَّقُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ ]<sup>2</sup> شخصی از پیامبر (صلی الله علیه وسلم ) پرسید که ای رسول خدا آیا لباسها ی بهشتیان بافته میشود یا از درختهای جنت پاره کرده برای خود لباس تهیه میکنند .

گوا حاضرین از سوال شخص بادیه نشین تعجب کردند . گفت چرا تعجب میکنید از شخصی جاهل و نادانی که ، از عالم مسلمه دریافت میکند ؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم ) لحظه ای خاموش نشسته بود سپس پرسید . سوال کنند کجا ست ؟ شخص در مجلس حضور داشت ، گفت حاضر هستم پیامبر (صلی الله علیه وسلم ) گفت نه بلکه از میوه های جنت برای شان لباس تهیه کرده میشود . همچنان در حدیث دیگری از بوهریره نقل شده است .

<sup>1</sup>: تفسیر مقاتل بن سلیمان - ج 3 - ص 429

<sup>2</sup>: امام احمد ابن حنبل - مسند احمد بن حنبل - ج 6 - ص 379 - اول مسند عبد الله بن عمرو بن العاص - تحقیق احمد محمد شاکر

[عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَهْلُ الْجَنَّةِ جُرْدٌ مُرْدٌ كُحْلٌ لَا يَفْنَى شَبَابُهُمْ وَلَا تَبْلَى ثِيَابُهُمْ. هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ.]<sup>1</sup>

از ابی هریره روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند جنتیها کامل الخلق اند و امرد یعنی بدون ریش اند باچشمانی سرمه شده ، جوانی شان فنا نمی شود ، ولباسهای شان کهنه نمی شود { إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا 22 } . درحقیقت این پاداشی برای شما است ، وکوشش شما مورد سپاس است .

درآیت مبارکه خطابی به اهل جنت که این نعمت ها پاداشی است برای شما در برابر اعمال تان وسیعی ، تلاش که از جانب پروردگار برای شما ارزانی گردیده است ، وسیعی شما در نزد پروردگار قابل تقدیر ستوده ومورد پسند است .

خوشا به حال شما به نعمت های رنگارنگ که امروز درخدمت شما قرار دارد واهمه نعمت الهی برخوردار هستید .<sup>2</sup>

### مناسبت یاارتباط آیات به آیات ماقبل :

1: وقتیکه مسیر کفار را به اختصار بیان کرد ، پس شروع کرد دربیان پاداش نیکوکاران ، پس نفس ها علاقه ومیلان دارد به شناختن کرامت وآنچه را الله (جل جلاله) از نعمتها برامؤمنان تهیه کرده وجنت که جای سعادت وخوشی هاست که درانتظار شکرکنند گان است .آنانکه راه رسیدن به جنت راپیمودند که هماناراه حق ، هدایت ونیکی بوده است .

2: وقتیکه نفسها اشتها داشته باشد وگردنها بسویش بلند شود وآرزوها به آن تعلق گیرد وشوق انسان بسوی آن نعمتهای دایمی زیاد شود ، پس لایق است که از اوصاف نیکوکاران بپرسند .انانکه این کرامات را بدست آوردند وبه آن لذتها رسیدند؟ پس الله (جل جلاله) عمل های شان را بیان کرد که بسبب ان ثواب های بزرگ رابدست آوردند

3: بعاز راحت شدن نفس والفت پیدا کردن باصفات نیکوکاران برمیگردد سخن لذت حاصل کردن از نعمتهای جنت واوصاف بهشتیان وان نعمتهای که ، انسان از آن لذت می برد وقتیکه درراه هدایت گام بردارد . وخود را به نقش قدم سابقین برساند .<sup>3</sup>

<sup>1</sup>: ترمذی محمد بن عسی بن موسی من ضحاک متوفی 279 ه ق سنن ترمذی - ج 4 - ص 260 - باب ماجاء فی صفة ثیاب اهل الجنة - شماره حدیث 2539 - تحقیق بشار معروف عواد - ناشر دارالغرب الاسلامی بیروت - سال نشر 1998 م - عدد اجزاء 6  
<sup>2</sup>: صابونی محمد علی - صفوة التفاسیر - ج 3 - ص 471 ناشر دار الصابونی قاهره مصر - طبع اول 1417 ه ق  
<sup>3</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - ص 519

## فوائد آیات :

- 1: فضیلت پوره کردن نذر
- 2: برای مؤمنین جواز دارد که ، نیت خود را آشکار کند تادیگران به او اقتدا کنند . مقاصد اسلام و خوبهای آنرا و گذشته اسلام را بازگوند .
- 3: مستحب است گفتن کلمات زیبا و طیبه و وعظهای دلنشین در وقت که طعام برای مردم میدهید .
- 4 : رضای الله (جل جلاله ) محور زندگی مسلمان باشد و سبب رفتنش به کارهای ، خیر باشد و باعث ، علت خیر و نیکی برای مردم باشد .
- 5 : بیاد آوردن روز قیامت و سختی های آن و استاد شدن در میدان محشر و آمادگی برای عمل صالح .
- 6: اعمال خیر و نیکی صاحبانش را به تکبر و غرور و اداری نشود بلکه باید خوف و ترس شان بیشتر باشد .
- 7 فضیلت طعام دادن برای بی نوایان و اعمال نیک و احساساً و خصوصاً در مجتمعات مادیات پرستی ، طغیان میکند .
- باسنگدلی و ظلم و افراط خود و غالب اوقات حرف از انتقام و سرکشی است . و حق ضعیف ها در غالب اوقات ضایع می شود در سستم جور ، و ظلم و سختی فضای کمر شکن این نعمت ها میسر نمی شود جز برای اغنیاء ، چنانچه که در اوضاع معاصر همین حالات در جهان حاکم است .
- همین حالات در زمان نزور آیت کریمه در دور جاهلیت موجود بود . قسمیکه نیکو کاران طعام میدانند مردم را برضایت نفس و خوشی و نرم دلی و باچهره های بشاش بافقراء روبرو می شدند و از ترش روی پرهیز میکردند .
- خوشحال ساختن فقراء از جمله اسباب سرور آخرت است ، برای ابن منکر گفته شد که کدام عمل در نزد ت بهتر است . فرمود خوشی را بر مسلمانان آوردن ، گفتند از کدام چیز زیاد لذت میبری گفت از خیر و نیکی رسانیدن بر برادران دینی خود .
- 8 : احسان و نیکی کردن به اسیران که ، از معرکه و غزوات باکفار بدست می آید این سخنان به این معنی است که ، حسن سلوک ، نرمی به اسیران اگر چه آیات مکی گذار شده اما از اوضاع آینده و مایکون رامورد بحث قرار داده است .
- لکن از باب تربیت نفس است ، که افراد مجتمع را تربیت سالم میکند . و مراد از اسیران اسیر مؤمنان است در جنگ باکفار و همچنان بندی های که در زندان های طاغوت های زمان از ابروی گناهان می باشد . مسلمانان برای طعام دادنشان مبادرت ورزند و برای رهای آنها تلاش بی دریغ نمایند .
- 9 : جزاء از جنس عمل است . الله (جل جلاله) در عمل اندک ثواب و پاداش زیاد میدهد .

10: نعمت های اهل جنت مادی وحسی است در آن هرچه با که نفس های بهشتیان آرزو میکند و از آن لذت می برند برای شان آماده کرده می شود .

11: نعمت های اهل جنت شامل همه بهشتیان است ، وکامل وخالص است خالی ار همه عیب ها و نواقص است .

12: قدرت الله (جل جلاله ) صنع خالق ووسعت فضل ومهربانی وكرم بزرگش را به نمایش گذاشته است .

13: عزت وكرامت نيكوکاران در نزد پروردگار و لطف مهربانی او برای بهشتیان .<sup>1</sup>

### مقطع پنجم : بیان اثبات حقانیت و عظمت قرآن کریم :

{ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا 23 } به یقین که ما این قرآن را برای تو، به تدریج فرودستادیم .

### الف : معنای قرآن کریم :

1- معنای لغوی قرآن : در لغت بمعنای جمع کردن و خواندن است .

2- معنای اصطلاحی قرآن : در اصطلاح قرآن کلام معجزه خداوند (جل جلاله)

است که برای آخرین پیامبر از پیامبران الهی بواسطه جبریل امین نازل شده در صحنه فانی نوشته شده و بطور تواتر بی هیچ شبه ای از ایشان به ما رسیده خواندن آن عبادت است ، باسوره فاتحه آغاز و باسوره ناس ختم گردیده . تمام اهل نظر بر این تعریف اتفاق دارند و هیچکسی اختلافی در آن ندارند<sup>2</sup>

### دلایل حقانیت قرآن :

#### 1: تحدی (مبارز طلبیدن ) قرآن :

یکی از دلایل حقانیت و معجزه بودن قرآن ، مسأله تحدی و مبارزه طلبیدن قرآن است . در بعضی آیات مسأله تحدی این گونه بیان شده .

{ قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا }<sup>3</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - 526

<sup>2</sup>: صابونی محمد علی آشنای باقرآن - ج 1 - ص 5 ترجمه محمد میرویس غیائی - انتشارات محمدی سال 1392 ش

<sup>3</sup>: سوره اسراء آیت 88

بگو : اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر این که همچون این قرآن را بیاورند ، نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند ، هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند .<sup>1</sup>

{ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }<sup>2</sup>

بلکه می گویند : آن را به دروغ به خدا نسبت می دهد ! بگو : ( اگر این قرآن را انسانی چون من نوشته است ) شما ( هم ) ده سوره دروغین همانند آن را ( بنویسید و برای ما ) بیاورید و غیر از خدا هرکس را که می توانید دعوت کنید اگر راستگوئید .<sup>3</sup>

{ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }<sup>4</sup>

اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم ، دچار شک و دودلی هستید ، سوره ای همانند آن را بسازید ( و ارائه دهید ) و گواهان خود را بجز خدا فرا خوانید اگر راستگو و درستکارید .

{ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }<sup>5</sup>

بلکه آنان می گویند که ( محمد قرآن را خود ساخته و پرداخته است و ) او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است . بگو : شما يك سوره همانند آن را بسازید و ارائه دهید و در این کار هرکسی را که می خواهید بجز خدا فرا خوانید و به کمک بطلبید ، اگر راست می گوئید .<sup>6</sup>

## 2: هماهنگی آیات :

از جمله ادله حقانیت قرآن هماهنگی و عدم اختلاف بین آیات است . قرآن در این باره می فرماید .

{ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا }<sup>7</sup>

آیا ( این منافقان ) درباره قرآن نمی اندیشند و اگر از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می کردند .<sup>8</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 582

<sup>2</sup>: سوره هود آیت 13

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 422

<sup>4</sup>: سوره بقره آیت 23

<sup>5</sup>: سوره بونس آیت 38

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 404

<sup>7</sup>: سوره نساء آیت 82

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 168

قرآن در مکان های مختلف و زمان های گوناگون و در طی سال ها نازل شده است ، اما با این حال هیچ اختلافی در آن وجود ندارد . به همین دلیل دگرگونی اطلاعات علمی یک انسان درسین مختلف و تغییر روحیه و کیفیت تکامل فکری و عوامل مؤثر در دید جهان بینی انسان ، هنگام ضعف ، قدرت ، جنگ ، صلح ، حالت ترس ، امنیت ، نیازمندی و غنی بودن استثناء در همه انسان ها حتی نوابغ بزرگ مشهود و در آثار فکری آن ها اختلافات و تناقض محسوس است .

در جای دیگری می فرماید :

{ اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَاباً مُتَشَابِهاً مَثَانِي تَفْشَعُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ }<sup>1</sup>  
 خداوند بهترین سخن را ( به نام قرآن ) فرو فرستاده است . کتابی را که ، همگون و مکرر است .

از ( شنیدن آیات ) آن لرزه بر اندام کسانی می افتد که از پروردگار خود می ترسند ، و از آن پس پوستهایشان و دلهایشان ( و همه وجودشان ) نرم و آماده پذیرش قرآن خدا می گردد ( و آن را تصدیق و بدان عمل می کنند ) . این ( کتاب مشتمل بر ) رهنمود الهی است و خدا هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می سازد و خدا هر که را گمراه سازد اصلاً راهنما و راهبری نخواهد داشت<sup>2</sup> .

### 3 : اخبار غیبی قرآن :

در بسیاری از آیات ، خداوند اخبار از غیب داده و به انسان ها اعلام کرده ، اگر در حقانیت قرآن شک دارید ، شما هم چنین کتابی بیاورند . بعضی آیات از حوادث آینده خبر داده است . در مورد شکر روم می فرماید :

{ الْم \* عَلِيَّتِ الرُّومُ \* فِي آدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَعْلَبُونَ \* فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ \* وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ }<sup>3</sup>

رومیان ( از ایرانیان ) شکست خورده اند \* در نزدیکترین سرزمین ، و ایشان پس از شکستشان پیروز خواهند شد \* در مدت چند سالی . همه چیز در دست خدا و به فرمان او است ، چه قبل ، و چه بعد ، در آن روز ، مؤمنان شادمان می شوند \* از یاری خدا . خدا هر کسی را که بخواهد یاری می

<sup>1</sup>: سوره رمز آیت 23

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 972

<sup>3</sup>: سوره روم : آیات 1=6

دهد ، و او بس چیره ( بر دشمنان خود ) و بسیار مهربان است\* این وعده ای است که خدا داده است ، و خداوند هرگز در وعده اش خلاف نخواهد کرد ، ولیکن بیشتر مردم ، نمی دانند .<sup>1</sup>

{ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادِ قُلِّ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ }<sup>2</sup> همان کسی که ( تبلیغ ) قرآن را بر تو واجب گردانده است ، تو را به محلّ بازگشت بزرگ ( قیامت ) برمی گرداند ، بگو : پروردگار من ( از همه ) بهتر می داند که چه کسی هدایت را از سوی او آورده است ، و چه کسی در گمراهی آشکار بسر می برد .<sup>3</sup>

#### 4: معجزات علمی قرآن :

از علوم و دانش های صحبت کرده که در زمان نزول قرآن نیوده است . مدت ها نظریه هیئت بطليموس برافکار بشر حاکم بود که زمین را ساکن و مرکز فرض می کردند ، تا این که دیدگاه های جدید علمی و منطبق بر واقع در مورد گردش ستارگان ابراز شده ، امروز علم هیئت هیچ ستاره ای را ثابت نمی داند و ره این حقیقت پی برده اند که تمام ستاگان مانند خورشید ... در گردش هستند و حرکت فلکی و دوری دارند ؛ قرآن از این حقایق سال ها پیش از دانش بشری خبر داده است ، قرآن در مورد حرکت دوری آفتاب و ماه و زمین چنین اظهار نظری کند :

{ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ }<sup>4</sup> نه خورشید را سزد ( در مدار خود سریعتر شود و ) به ( مدار ) ماه رسد ، و نه شب را سزد که بر روز پیشی گیرد ( و مانع پیدایش آن شود ) . هر يك در مداري شناورند .<sup>5</sup>

#### 5 : عدم تحریف قرآن :

از جمله ادله حقانیت قرآن این است که این قرآن که در دست ما است در آن هیچ گونه تحریفی صورت نگرفته ، خداوند می فرماید :

{ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ }<sup>6</sup>

ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود ما پاسدار آن می باشیم .<sup>7</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 849

<sup>2</sup>: سوره قصص آیت 85

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 834

<sup>4</sup>: سوره یس آیت 40

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 926

<sup>6</sup>: سوره حجر آیت 9

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 514



( و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می داریم ) .

{ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ }<sup>1</sup>

کسانی که قرآن را انکار می کنند بدان گاه که به ایشان می رسد ، قرآن کتاب ارزشمند و بی نظیری است . ( بر ما پوشیده نمی مانند و سزای آن را می بینند ) .<sup>2</sup>

{ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ }<sup>3</sup>

هیچ گونه باطلی ، از هیچ جهتی و نظری ، متوجه قرآن نمی گردد . قرآن فرو فرستاده یزدان است که با حکمت و ستوده است . ( نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است ، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن ، و نه دست تحریف به دامان بلندش می رسد . چرا که )<sup>4</sup>

{ وَإِنَّكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ }<sup>5</sup>

و تو ( ای محمد ! ) کسی هستی که قرآن از سوی خداوند حکیم آگاه ، به تو القاء و عطاء می گردد .<sup>6</sup>

{ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ }<sup>7</sup>

همان گونه که به پیغمبران پیشین وحی کرده ایم ، به تو نیز به فرمان خود جان را وحی کرده ایم .... ( که قرآن نام دارد و مایه حیات دلها است . پیش از وحی ) تو که نمی دانستی کتاب چیست و ایمان کدام ، ولیکن ما قرآن را نور عظیمی نموده ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می بخشیم . تو قطعاً ( مردمان را با این قرآن ) به راه راست رهنمود می سازی .<sup>8</sup>

{ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا }<sup>9</sup>

والا مقام و جاوید کسی است که فرقان ، ( یعنی جدا سازنده حق از باطل ) را بر بنده خود ( محمد ) نازل کرده است ، تا این که جهانیان را بیم دهد .<sup>10</sup>

{ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ }<sup>11</sup>

<sup>1</sup>: سوره فصلت آیت 41

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 1016

<sup>3</sup>: سوره فصلت آیت 42

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1017

<sup>5</sup>: سوره نمل آیت 6

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 793

<sup>7</sup>: سوره شوری آیت 52

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 1034

<sup>9</sup>: سوره فرقان آیت 1

<sup>10</sup>: خرم دل ج 1 ص 746

<sup>11</sup>: سوره انبیاء آیت 50

این ( قرآن ) پند دهنده پر خیر و برکتی است که ، آن را ( برایتان ) نازل کرده ایم. آیا شما آن را منکر می شوید و ناشناخته اش می گیرید <sup>1</sup>؟

{ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ } <sup>2</sup>

ما به پیغمبر ( اسلام سرودن ) چکامه نیاموخته ایم و چامه سرائی او را نسزد . این جز یادآوری ( عاقلان به قانون و فرمان یزدان جهان ) و کتاب خواندنی روشنگر نیست . <sup>3</sup>

{ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِيُنذِرَ بِهِ وَذَكَرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ } <sup>4</sup>

( این قرآن ) کتابی است که از سوی الله بر تو نازل شده است و نباید از ناحیه آن هیچ گونه نگرانی و ناراحتی به خود راه دهی . که بدان بترسانی ، و مؤمنان را پند و اندرز دهی . <sup>5</sup>

### ب : فضیلت قرآن کریم :

احادیث و روایاتی بسیار در فضایل قرآن کریم و علوم مربوط به آن آمده است . از جمله آیات .

{ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ } <sup>6</sup>

.وچون خوانده شود قرآن پس گوش دهید بسوی آن و خاموش باشید تامهربانی کرده شود بر شما. <sup>7</sup>

{إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ} <sup>8</sup>

هر آینه آنانکه تلاوت می کنند کتاب خدا را وبر پاداشته اند نماز را وخرج کرده اند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا امید دارند داد و ستدی را که هرگز نابود نشود . <sup>9</sup>

{أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا} <sup>10</sup> آیا تأمل نمی کنند در قرآن ، یابردلهاقفل های آن دلهاست .

خلاصه تفسیر : یکی از امتیازات که قرآن عظیم الشان نسبت به سایر کتب آسمانی دیگری دارد اینست که قرآن کریم علاوه بر نزول دفعی آن بر قلب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بطور تدریجی و قسمت به قسمت به رسول (صلی الله علیه وسلم) نازل گردید است .

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 671

<sup>2</sup>: سوره یس آیت 69

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 931

<sup>4</sup>: سوره اعراف آیت 2

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 281

<sup>6</sup>: سوره اعراف آیت 204

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 306

<sup>8</sup>: سوره فاطر آیت 29

<sup>9</sup>: خرم دل ج 1 ص 914

<sup>10</sup>: سوره محمد آیت 24

بدین ترتیب ملاحظه می شود که : روش نزول کتب آسمانی در مورد قرآن عظیم اَلشأن تفاوت دارد .  
و این نزول بشکل تدریجی تنها به لحاظ حکمت های بودهاست که مشیت خداوند (جل جلاله) آن را  
ایجاب نموده و ما اگرچه به تمام حقایق این حکمت ها آگاه نمی باشیم ام آن مقدار از این حکمت هارا  
که از راه تفکر و عقل به آنها دست یافته ایم قرار ذیل برمی شماریم .

### **اول : حکمت که اختصاص به قرآن دارد :**

همان طور یکه یادآور شدیم که قرآن عظیم اَلشأن به صورت آیه به آیه در طول 23 سال نال گردید .  
این آیات بایک سبک خاص و دریک سطح بودند بی آنکه کوچکترین تضادی باهم داشته باشند .  
این درحالی بود که قرآن در طول نزول تدریجی خود باحوادثی مختلفی روبرو بود که هیچ یک از این  
حوادث تاثیری برقرآن نگذاشت و این خود برای نشان دادن عظمت قرآن و اثبات اعجاز ووحی قرآن  
دلیل محکم وروشنی است .

### **دوم : نزدیک بودن زمان وحی به زمان وقوع حوادث :**

موضوع دیگری که در نزول تدریجی قرآن مجید مود توجه قرار گرفته است نزدیک بودن نزول قرآن  
کریم به وقایع و حوادث است .  
مثلاً وقتی که آی دربارہ اسیران جنگی نازل می شود و مسلمانان چنین اسیرانی ندارند عمل به آن حکم  
واگذار به آینده خواهد شد .

اما اگر چنین آیه ای در پی اسیر شدن مشرکان نازل شود و مسلمانان تاآن لحظه ندانند که ، وظیفه شان  
چیست . مسلماً نزول قرآن در چنین موقعی براساس ضرورت و به همراه آن رویداد از یک اثر عملی  
برخودار خواهد بود .

### **سوم : بیان خصوصیات قرآن کریم از جنبه عملی و اجرائی**

قرآن کریم همانند یک کتاب نظری و عملی ساخته فکر بشنود هتادراجماع طرح شود و تاثیر و تاثیراتی  
بر روی آن اجام گیرد و بر اثر آزمایش های که از ان نتایج گرفته می شود ، اصلاحات و تصرفاتی  
در آن لازم آید و نقض مطالب آن به تمرین و ممارست گذاشته شود .

این نوع کتابها چون از عقل محدود بشری زائیده شده اند ، انچه از آنها پدید می آید طبعاً محدود  
خواهد بود .

اما قرآنکریم کتابی است که از جانب پروردگار آگاه و حکیم قرآن آمده تادرنزدگی انسان وارد شود و اجراء گردد و بوسله آن راه صحیح زندگی را برای بشریت روشن سازد ، لذا لازمه چنین کتابی آن است که باتحوالات تدریجی اجتماعات هماهنگ و باسنت و قانون الهی مطابقت داشته باشد .

قرآن کریم به صورت تدریجی نازل شد تا مردم به موجب تدریجی بودن آن تحول و تغییری ریشه دار پیدا کنند پس جنبه عملی درقرآنکریم تنها درزمینه قوانین و احکامی که آورده نیست بلکه دراسلوبی است که بانزول تدریجی آن انجام پذیرفته است و اگر این الوب نمی بود هیچ گاه قرآن کریم به نشان عملی بودنش ممتاز نمی شد<sup>1</sup>

### مناسبت آیت باآیات ماقبل :

بعداز سخن گفتن درباره نعیم جنت که نفسها بسویش میلان دارد و نشاط و شادی به نفسها می بخشد . و همت ها را بلند می برد و قدمها بسویش درحالی مسابقه است .

سیاق و سباق قرآن دلالت بر عظمت و بزرگی قرآن دارد و نزول قرآن نجمائماً (ندک اندک) برای ثابت قدمی قلوب مسلمانان است . پس قرآنکریم راه هدایت برای انسان است و باعث سعادت هر دو جهان می شود .

### فواید آیت مبارکه :

1 : نزول قرآن کریم از جانب الله (جل جلاله) منجماً آیت آیت برای تثبیت قلب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) .

2: این قرآن کلام الله (جل جلاله) و وحی که نازل کرده بر بنده اش محمد (صلی الله علیه وسلم) در مدت 23 سال بطور جدا جدا آیت بنابر حسب حوادث و مسایل بوده است . و از نزد خود پیامبر (صلی الله علیه وسلم) جور و اختراع نشده است طوری که مشرکین مدعی بودن .

و در سوره های آن خوف و مژده آمده است بیان گرایین است که، مردم و انسان ها به او محتاج است .

این قرآن نه سحر و نه شعر است بلکه حق و ثابت است از نزد الله (جل جلاله) است .<sup>2</sup>

<sup>1</sup>: تفسیر منیر داکتر زحیلی - ج 29 - ص 304

<sup>2</sup>: تفسیر منیر - ج 29 - ص 308

## مقطع ششم : بیان و عظمت صبر و عدم اطاعت از گنه کاران و کافران :

الف : معنای صبر: صبر در لغت بمعنای حبس و بند ساختن را گویند. در اصطلاح عبارت از این است که انسان صفت تحمل پذیری ، شکیبای و بردباری را در مقابل مشکلات ، و مشقت ها و سختی ها را بپذیرد .

### ب : اقسام صبر

1 : صبر در اطاعت و عبادت الله (جل جلاله) این نوع صبر در طاعات و عبادات می باشد و هدف از این نوع صبر عبارت از شکیبای اتحمل پذیری در رابطه به مشقت ها و سختی ها است در تطبیق اوامر الهی متحمل میشود . { وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا<sup>1</sup> } و امر کن اهل و خانواده را به خواندن نماز و خود هم شکیبای کن بر ادای آن .

2 : صبر از معصیت . نوع دیگری صبر، و شکیبای و تحمل پذیری در مشقت ها و سختی هایست که انسان از اثر خودداری نمودن از نواهیات الهی .

3 : صبر در برابر مصیبت {وَلْيَبْلُغُوا شِئْرًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ<sup>2</sup> } هر آینه بیازمایم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال ها و جان ها و میوه ها و بشارت ده صابری را .

در آیت مبارکه این سوره خطاب به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که ، آنچه که برتولازم است بر آنچه که حق تعالی حکم نموده و از قضای کونی و شرعی مقدر نموده صبر نمای و هرگز از خواستهای مردم گنهکار و جفاپیشه و زورگو و آنان که در محرمات فرو میروند و به رسالت پیامبران و آیات خداوند سبحان کافر شدند ، جانبداری مکن .

ج جایگاه صبر : سختی هایی که بر مردم وارد می آید همه به تقدیری از پیش معلوم گشته اند و خداوند متعال بندگان را به صبر امر فرموده و در برابر ان پاداشی فراوان را مقرر داشته است. انیکه می فرماید:

{إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ<sup>3</sup>}

بی تردید شکیبایان و صابران پاداش خود را بی حساب و پوره خواهند یافت.<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: سوره طه جزی آیت 132

<sup>2</sup>: سوره بقره آیت 155

<sup>3</sup>: سوره زمر آیت 10

## صبر از دیدگاه قرآن کریم :

{ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا 24 }

پس در برابر فرمان پروردگارت صبور و شکیبنا باش و از هیچ گنهکار و کافر اطاعت از آنان مکن .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ }<sup>2</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید ! از بردباری و نماز کمک بگیرید خدا با بردباران است .<sup>3</sup>

{ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ }<sup>4</sup>

و قطعاً شما را با برخی از ( امور همچون ) ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها ، آزمایش می کنیم ، و مزده بده به بردباران .<sup>5</sup>

{ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِإِ الْمُرْسَلِينَ }<sup>6</sup>

پیغمبران فراوانی پیش از تو تکذیب شده اند و در برابر تکذیبها ، شکیبائی کرده اند و اذیت و آزار شده اند ، تا یاری ما ایشان را دریافته است ، و هیچ چیز نمی تواند سخنان خدا را دگرگون سازد . به تو اخبار و سرگذشت پیغمبران رسیده است .<sup>7</sup>

{ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ }<sup>8</sup>

اسماعیل و ادريس و ذالكفل را که جملگی از زمره شکیبایان بودند .

{ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ }<sup>9</sup>

بسته ای را برگیر و ( او را ) با آن بزن ، و سوگند خود را مشکن . ما ایوب را شکیبایا یافتیم . چه بنده خوبی بود ! او بسیار توبه و استغفار سر می داد .<sup>10</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 973

<sup>2</sup>: سوره بقره آیت 153

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 43

<sup>4</sup>: سوره بقره آیت 155

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 44

<sup>6</sup>: سوره انعام آیت 34

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 237

<sup>8</sup>: سوره انبیاء آیت 85

<sup>9</sup>: سوره ص آیت 44

<sup>10</sup>: خرم دل ج 1 ص 963

{ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ }<sup>1</sup>

بگو: ای بندگان مؤمن من! از (عذاب) پروردگارتان، بپرهیزید. کسانی که نیکی کنند، در همین جهان بدیشان نیکی می شود. زمین خداوند وسیع و فراخ است. قطعاً به شکیبایان اجر و پاداششان به تمام و کمال و بدون حساب داده می شود.<sup>2</sup>

{ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ }<sup>3</sup>

پس شکیبایی کن، آن گونه که پیغمبران اولوالعزم (در سختیها) شکیبایی کرده اند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن. روزی که ایشان چیزی را مشاهده می کنند که بدیشان وعده داده می شد، انگار که آنان مدتی از یک روز در دنیا مانده اند ابلاغ است و بسنده است. مگر جز مردمان گناهکار و سرکش از اطاعت خدا، هلاک می گردند.<sup>4</sup>

{ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ }<sup>5</sup>

از آنچه بر تو وحی می شود، پیروی کن و شکیبا باش، تا خداوند، داوری می کند و او بهترین داوران است.<sup>6</sup>

{ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ }<sup>7</sup>  
و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند: پروردگارا! (بر دلهایمان آب) صبر و شکیبایی بریز و گامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.<sup>8</sup>

{ وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ }<sup>9</sup>

و اگر دسته ای از شما بدانچه مأمور بدان هستم ایمان بیاورد (و پیغمبری مرا بپذیرد)، و دسته ای ایمان نیاورد، منتظر باشید تا خداوند میان ما داوری کند، و او بهترین داوران است.<sup>10</sup>

<sup>1</sup>: سوره زمر آیت 10

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 973

<sup>3</sup>: سوره احقاف آیت 35

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1022

<sup>5</sup>: سوره یونس آیت 109

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 420

<sup>7</sup>: سوره بقره آیت 250

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 81

<sup>9</sup>: سوره اعراف آیت 87

<sup>10</sup>: خرم دل ج 1 ص 302

{ وَمَا تَنْفَعُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ }<sup>1</sup>  
 ایراد تو بر ما و آزار رساندن تو به ما جز به خاطر این نیست که ما به آیات روشن و معجزات متقن پروردگاران - وقتی که به ما رسیده است - ایمان آورده ایم. پروردگارا ! صبر عظیم به ما مرحمت فرما و ما را مسلمان بمیران .<sup>2</sup>

{ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ }<sup>3</sup>

مگر کسانی که ( به هنگام شدائد ) شکیبایی کنند ، و کارهای شایسته و بایسته انجام دهند ، بیگمان آنان بخشایش و پاداش بزرگی ، دارند .<sup>4</sup>

{ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>5</sup>  
 آنچه نزد شما ( مردمان از نعمت جهان ) است ناپایدار و فانی است ، و آنچه نزد خدا است ماندگار و باقی است . و ما پاداش زیباترین اعمال شکیبایان را می دهیم.<sup>6</sup>

{ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ \* وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ }<sup>7</sup>

هرگاه خواستید مجازات کنید ( کسانی را که به حقوق شما تعدی و تجاوز کرده اند ) ، تنها بدان اندازه مجازات کنید و کیفر دهید که درباره شما روا شده است ، و اگر شکیبایی پیشه ساختید ، حتماً شکیبایی برای شکیبایان ، بهتر خواهد بود . \* و شکیبایی کن و شکیبایی تو ، جز در پرتو ، توفیق یزدان میسر نیست . بر آنان اندوهگین مشو و در برابر مکر و نیرنگی که می ورزند ، ناراحت و نگران مباش .

8

{ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى }<sup>9</sup>

<sup>1</sup>: سوره اعراف آیت 126

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 309

<sup>3</sup>: سوره هود آیت 11

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 423

<sup>5</sup>: سوره نحل آیت 96

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 551

<sup>7</sup>: سوره نحل آیات 126 = 127

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 558

<sup>9</sup>: سوره طه آ 130



پس تو ( ای پیغمبر ! ) در برابر چیزهایی که می گویند شکیبایی کن ، و قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن ، و در اثناء شب و در بخشهایی از روز ، به پرستش و ستایش پروردگارت مشغول شو ، تا راضی و خوشنود شوی .<sup>1</sup>

{ إِنِّي جَزِيئُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ }<sup>2</sup>

من امروز به خاطر صبري که کرده اند و پایمردي و استقامتي که نشان داده اند ، پاداششان داده ام و آنان به مقصود رسیدگان و رستگار اند .<sup>3</sup>

{ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا }<sup>4</sup>

ما هیچ يك از پیغمبران را پیش از تو نفرستاده ایم مگر این که ، غذا می خورده اند و در بازارها راه می رفته اند . ما برخی از شما را وسیله امتحان برخی دیگر کرده ایم. آیا شکیبایی می ورزید ؟. خدای تو بینا است .<sup>5</sup>

{ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ }<sup>6</sup>

آن کسانی ، شکیبایی ورزیده اند و ، بر پروردگار خود تکیه و توکل داشته اند .<sup>7</sup>

{ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ }<sup>8</sup>

پس شکیبایی داشته باش . وعده خدا به طور مسلم حق است . هرگز نباید کسانی که ایمان ندارند ، مایه خشم و ناراحتی تو گردند<sup>9</sup>

{ وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ }<sup>10</sup>

به این خوي نمی رسند مگر کسانی که داراي صبر و استقامت باشند ، و بدان نمی رسند مگر کسانی که بهره بزرگی داشته باشند .<sup>11</sup>

{ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنَ عَزْمِ الْأُمُورِ }<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 653

<sup>2</sup>: سوره مومنون آیت 111

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 721

<sup>4</sup>: سوره فرقان آیت 20

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 750

<sup>6</sup>: سوره عنكبوت آیت 59

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 747

<sup>8</sup>: سوره روم آیت 60

<sup>9</sup>: خرم دل ج 1 ص 862

<sup>10</sup>: سوره فصلت آیت 35

<sup>11</sup>: خرم دل ج 1 ص 1015

کسی که شکیبائی کند و درگذرد از زمره کارهائی است که باید بر آن عزم را جزم کرد و بر آن ماندگار شد .<sup>2</sup>

{ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>3</sup>

اگر آنان تأمل کنند تا تو بیرون بیائی و به پیش ایشان روی ، برای آنان بهتر خواهد بود . خداوند آمرزگار و مهربان است .<sup>4</sup>

{ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ }<sup>5</sup>

برابر فرمان پروردگارت ، صبر و شکیبائی پیش گیر که تو زیر نظر ما و تحت حفاظت و رعایت ما هستی . وقتی که ( سحرگاهان از خواب ) بلند می شوی ، به تسبیح و تقدیس و شکر و سپاس پروردگارت پرداز .<sup>6</sup>

{ إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرْ }<sup>7</sup>

ما ماده شتر را برای امتحان ایشان خواهیم فرستاد ، بنگر و ببین که چه می کند و بر سر آنان چه می آید و بسیار شکیبائی داشته باش .<sup>8</sup>

{ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ }<sup>9</sup>

در برابر فرمان پروردگارت شکیبیا باش . و همسان یونس مباش که با دلی پر کینه و اندوه ، خدا را به فریاد خواند .<sup>10</sup>

{ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا }<sup>11</sup>

صبر جمیل داشته باش ( و جزع و فزع و یأس و نومیدی به خود راه مده ) .

{ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا }<sup>12</sup>

در برابر چیزهائی که می گویند شکیبائی کن ، و به گونه پسندیده از ایشان دوری کن .<sup>1</sup>

<sup>1</sup>: سوره شوری آیت 43

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 1032

<sup>3</sup>: سوره حجرات آیت 5

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1094

<sup>5</sup>: سوره طور آیت 48

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 1120

<sup>7</sup>: سوره قمر آیت 27

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 1132

<sup>9</sup>: سوره قلم آیت 48

<sup>10</sup>: خرم دل ج 1 ص 1208

<sup>11</sup>: سوره معارج آیت 5

<sup>12</sup>: سوره مزمل آیت 10

{ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ }<sup>2</sup>

گذشته از اینها ، او باید از زمره کسانی باشد که ایمان می آورند و همدیگر را به صبر و شکیبایی توصیه می کنند ، و به ترحم و مهربانی سفارش می نمایند .

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: (ما أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً خَيْرًا وَأَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ)<sup>4</sup>

یعنی: برای هیچکس بخشش و عطائی بهتر و وسیع تر از صبر داده نشده است.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: (المسلم إذا كان مخالطاً للناس و يصبر على أذاهم، خير من المسلم الذي لا يخالط الناس و لا يصبر على أذاهم)<sup>5</sup>

یعنی: " چنانچه مسلمانی با مردم درآمیخته و بر اذیت ایشان شکیبایی نماید او بهتر است مسلمانی که با مردم درنیامیخته و بر آزار ایشان شکیبایی نمی کند."

**[عطاء بن أبي رباح قال : قال لي ابن عباس ألا أريك امرأة من أهل الجنة ؟ قلت بلى قال هذه المرأة**

السوداء أتت النبي صلى الله عليه و سلم فقالت إني أصرع وإني أتكشف فادع الله لي قال ( إن شئت

صبرت ولك الجنة وإن شئت دعوت الله أن يعافيك ) . فقالت أصبر فقالت إني أتكشف فادع الله أن لا

أتكشف فدعا لها ]<sup>6</sup>

صبر مسلمان باعث ورود او به بهشت می شود بانو ام زفر رضي الله عنها، صرع داشت و از پیامبر صلی الله علیه و سلم تقاضا میکند که از خداوند برایش شفا بخواهد، پیامبر صلی الله علیه و سلم به او می فرماید: (إن شئت صبرت ولك الجنة، وإن شئت دعوتُ الله أن يعافيك) یعنی: " خواستی شکیبایی پیشه کن و بهشت از آن تو باشد. و خواستی از خداوند بخواه تا تو را از بیماری برهاند. " و به او گوشزد می کند که در برابر مریضی اش صبر کند تا در آخر به بهشت وارد شود.

**[عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال : سمعت النبي صلى الله عليه و سلم يقول ( إن الله قال إذا ابتليت**

عبدي بحبيبتيه فصبر عوضته منهما الجنة ) . يريد عينيه ]<sup>7</sup>

هرگاه بنده ای را به فقدان دو حبیبش (یعنی: نور دو چشمش) مبتلا کنم و صبر کند در عوض آن به

وی بهشت می دهم.

<sup>1</sup>: خرم بل ج 1 ص 1230

<sup>2</sup>: سوره بلد آیت 17

<sup>3</sup>: خرم بل ج 1 ص 1301

<sup>4</sup>: صحیح بخاری ج 2 ص 534 شماره حدیث 1400

<sup>5</sup>: ترمذی ج 4 ص 662 شماره حدیث 2507

<sup>6</sup>: صحیح بخاری ج 5 ص 2140 شماره حدیث 5328

<sup>7</sup>: صحیح بخاری ج 5 ص 2140 شماره حدیث 5329

### مناسبت آیت باماقبل :

وقتیکه همه این نعمت های بزرگ و همیشه منتظر اهل ایمان است . باید هودرا به لباس صبر آراسته کند ، صبر ثبات دوامدار و همیشه تهنترین توشه وقوی ترین اسلحه است . در برابر طوفان ها ، فتنه ها و حمله حوادث روزگار .

در این آیت توجیه و تسلیت و دعوت بثبات و پایداری است برای پیامبر ( صلی الله علیه و سلم ) معنایش اینست که ای پیامبر چنانچه که تورا کرامت و عزت دادیم توسط قرآن که نازل شده است . پس صبر کن بر قضاء و قدر الهی و بدان که الله ( جل جلاله ) برایت تدبیر راسنجیده است .

### فوائد آیت :

1: دعوت به صبر و ثبات و استقامت بر منهج الهی .

2: مخالفت اهل کفر و عصیان و استنادگی در برابر محنت ها و مشاکل .<sup>1</sup>

### مبحث دوم : مقاطع فرعی سوره مبارکه انسان :

#### مقطع اول : بیان عظمت ذکر :

**الف : معنای ذکر :** بمعنای یاد نمودن الله ( جل جلاله ) است .

بمعنای عامش تمام بخش عبادات را شامل می شود مثل نماز ، روزه ، حج ، تلاوت قرآن کریم ، دعا و استغفار ، تسبیح و تحلیل .

معنای خاص آن الفاظ ذکر را شامل میشود که ، در قرآن و سنن آمده باشد .

#### ب : اقسام ذکر .

**1- ذکر زبانی** است که توسط زبان یاد الله ( جل جلاله ) کرده می شود مانند گفتن سبحان الله ، الحمد لله ، الله اکبر .

**2- ذکر قلبی** است که از آن فکر و تفکر اندیشیدن تعبیر می شود .

<sup>1</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - ص 528

## ذکر در قرآن کریم :

{وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً 25} و نام پرور دگارت را هر صبح و شام به یاد آور .

{ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ }<sup>1</sup>

پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم و از من سپاسگزاری کنید و از من ناسپاسی مکنید.

عن أبي هريرة قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم " يقول الله : أنا عند ظن عبدي بي وأنا معه إذا ذكرني فإن ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي وإن ذكرني في ملاء ذكرته في ملاء خير منهم وإن تقرب إلي شبراً تقربت إليه ذراعاً وإن تقرب إلي ذراعاً تقربت إليه باعاً وإن أتاني يمشي أتيته هرولة " <sup>2</sup>

از ابی هریره روایت است که رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) فرموده است ، که الله متعال فرموده من در نزد گمان بنده ام هستم و من باهمرای او هستم ، وقت یاد من بکند پس اگر یاد من را در نفسش بکند ، یادش میکنم در نفس خود ، و اگر یاد من بکند در جماعت و گروهی یادش را در جماعت و گروهی میکنم که ، بهتر است از آنها ، اگر نزدیک شود به من یک بلیس (وجب) من نزدیک میشود یک گز (ذراع) و اگر نزدیک شود به من یک گز (ذراع ) نزدیک میشوم یک متر مکعب ، و اگر بیاید به سوی من بگونه بطی عادی بیایم بسوی او به سرعت .

و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «سَبِّرُوا هَذَا جُمْدَانُ ، سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ ، قَالُوا : وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ»<sup>3</sup>

. بروید و سیر کنید این کوه جمدان است مفردون سبقت گرفتند. یاران گفتند: مفردون چه کسانی هستند؟ فرمود: مردان و زنانی که ذکر خدا بسیار کنند.

رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «لَا يَفْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ، إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ»<sup>4</sup>

هیچ گروهی برای ذکر خدا ننشینند مگر این که فرشتگان آنان را در برگیرند و مهر و رحمت خداوندی بر ایشان فراگیر شود و آرامش بر دل های ایشان فرود آید و خداوند ایشان را میان کسانی که نزد اویند، یاد کند.

<sup>1</sup>: سوره بقره آیت 152

<sup>2</sup>: صحیح بخاری ج 6 ص 2694 شمار حدیث 6970

<sup>3</sup>: صحیح مسلم ج 8 ص 63 شماره حدیث 6984

<sup>4</sup>: صحیح مسلم ج 8 ص 72 شماره حدیث 7030

{ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ }<sup>1</sup>

و هنگامی که مناسک ( حج ) خود را انجام دادید ، همان گونه که پدران خویش را یاد می کنید ، خدا را یاد کنید و بلکه بیشتر از آن ، کسانی هستند که می گویند : خداوندا ! به ما در دنیا عطاء کن . ( و لذا ) چنین کسانی در آخرت بهره ای ، ندارند .<sup>2</sup>

{ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ }<sup>3</sup>

و اگر ترسیدید در حال پیاده یا سواره انجام دهید . اما هنگامی که امنیت خود را باز یافتید برابر آن چیزهایی که نمی دانستید و خدا به شما آموخت ، خدای را یاد کنید .<sup>4</sup>

{ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ وَإِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ }<sup>5</sup>

و کسانی که چون دچار گناه ( کبیره ای ) شدند ، یا ( با انجام گناه صغیره ای ) بر خویشتن ستم کردند ، به یاد خدا می افتند و آمرزش گناهانشان را خواستار می شوند - و بجز خدا کیست که گناهان را ببامرزد ؟ - و با علم و آگاهی بر ( زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن ) چیزی که انجام داده اند پافشاری نمی کنند .<sup>6</sup>

{ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَرَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }<sup>7</sup>

آیا تعجب می کنید از این که ، اندرزی از سوی پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان به شما برسد تا شما را بیم دهد . به یاد آورید آن زمانی را که شما را بعد از قوم نوح وارثان زمین کرد و شما را در میان مردمان از سلطنت شکوهمندتر و از مملکت فراختر و از قدرت جسمانی بیشتری برخوردار کرد . پس نعمتهای خدا را به یاد آورید ، باشد که رستگار شوید .<sup>8</sup>

<sup>1</sup>: سوره بقره آیت 200

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 60

<sup>3</sup>: سوره بقره آیت 239

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 77

<sup>5</sup>: سوره آل عمران آیت 135

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 125

<sup>7</sup>: سوره اعراف آیت 69

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 298

{ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا }<sup>1</sup>

سرمشق و الگوي زيبيائي در ، پيغمبر خدا براي شما است . براي كساني كه اميد به خدا داشته ، و جويابي قيامت باشند ، و خدای را بسيار ياد كنند .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا }<sup>2</sup>

اي مؤمنان ! بسيار خدای را ياد كنيد \* مراد اين است كه بنده در همه حال به ياد خدا باشد ، و پرستش و ستايش يزدان صحنه هاي زندگي او را نوبران کند .<sup>3</sup>

و بامدادان و شامگاهان ( و در همه وقت و آن ) به تسبيح و تقدیس او بپردازيد .

{ اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ }<sup>4</sup>

( اي پيغمبر ! ) بخوان آنچه را كه از كتاب ( آسماني قرآن ) به تو وحی شده است ، و نماز را چنان كه بايد برپاي دار . مسلماً نماز ( انسان را ) از گناهان بزرگ و از كارهاي ناپسند ، باز مي دارد ، و قطعاً ذكر خدا و ياد الله ، والاتر و بزرگتر است ، و خداوند مي داند كه شما چه كارهاي را انجام مي دهيد .<sup>5</sup>

{ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ }<sup>6</sup>

سليمان گفت : من اين اسبان را سخت دوست مي دارم ، چون ساز و برگ من براي عبادت پروردگارم مي باشند تا از ديدگانش در پرده پنهان شدند .<sup>7</sup>

{ وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ }<sup>8</sup>

پند و اندرز بده ، چرا كه پند و اندرز به مؤمنان سود مي رساند .

<sup>1</sup>: سوره احزاب آيت 21

<sup>2</sup>: سوره احزاب آيات 41=42

<sup>3</sup>: خرم بل ج 1 ص 886

<sup>4</sup>: سوره عنكبوت آيت 45

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 843

<sup>6</sup>: سوره ص آيت 32

<sup>7</sup>: خرم بل ج 1 ص 960

<sup>8</sup>: سوره ذاريات آيت 55

موعظه حسنه . پند و اندرزي كه انسان را به ياد خدا مي اندازد و موجب تقويت ايمان و افزايش تقوا مي گردد .<sup>1</sup>

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ }<sup>2</sup>

اي مؤمنان ! هنگامي كه روز آدینه براي نماز جمعه اذان گفته شد ، به سوي ذكر و عبادت خدا بشتابيد و داد و ستد را رها سازيد . اين براي شما بهتر و سودمندتر است اگر متوجه باشيد

**ج : فوائد ذکر :** فوايد ذكر در كتاب الوابل صيب بستر از صد فايده بيان شده ايت اما

در اين جا چند آن را بطور نمونه مي نوسم

- 1 - شيطان را دور ميکند .
- 2 - الله (جل جلاله) راضي و خوشنود مي شود بذكر .
- 3 - دور ميکند غم و اندورا از قلب ذاکر .
- 4 - جلب سرور و فرحت ميکند براي قلب ذاکر .
- 5 - ذکر قلب و بدن را قوي ميکند.
- 6 - قلب و چهره را نوراني ميکند .
- 7 - ذکر جلب رزق و روزی ميکند .
- 8 - ذکر محبت الله (جل جلاله) براي ذاکر زياد ميکند .
- 9 - زندهگي خوبي براي ذاکر دست ميدهد .
- 10 - باعث مراقبیت مي شود ذکر تائنيکه در باب احسان و ارید شوند
- 11: ذکر الله (جل جلاله) باعث انابت و رجوع کردن به طرف الله (جل جلاله) می شود .
- 12: ذکر الله (جل جلاله). باعث قرب و نزديکی به خداوند (جل جلاله) می شود .

<sup>1</sup>: خرم بل ج 1 ص 1113  
<sup>2</sup>: سوره جمعه آیت 9



13 : ذکر الله (جل جلاله) باز میکند در اوزه از در اوزه های معرفت الله (جل جلاله) را ا به روی بندگان.

14 ذکر الله (جل جلاله) باعث حضور قلب مع الله می شود .

15 : ذکر الله (جل جلاله) باعث یاد بند ه نزد خداوند (جل جلاله) می شود طوری که در حدیث آمده است .

هر کسی مرا در نفسش یاد کند من او را در نفسی خود یاد میکنم و کسی که مرا در میان جماعت و گروهی یاد کند من او را در میان جماعت و گروهی یاد میکنم بهتر هستن از آن ها .

16: ذکر الله (جل جلاله) حیات و زندگی قلب است طوری که شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته است ذکر الله در قلب مثل ارزش آب برای ماهی است که آب برای ماهی زندگی می بخشد چگونه می بینید ماهی را وقتی که از آب جدایش کنید .

17 : شیخ الاسلام<sup>1</sup> گفته است که قوت قلبی و روحی در ذکر الله (جل جلاله) است .

18 : ذکر الله (جل جلاله) و توبه ، استغفار باعث جلاء قلب می شود .

19: ذکر الله (جل جلاله) محو کنند خطاء و گناه شخصی ذاکر میشود زیرا که ذکر کار حسنه ایت حسنات سیئات انسان دور کرده از بین می برد .

20 : ذکر الله (جل جلاله) دورکننده وحشة است بین بنده و پروردگار او.<sup>2</sup>

### مناسبت آیت باماقبل :

بذکر الله (جل جلاله) کمک بخواد که از بزرگترین قربات است صبر و ثبات همراه با ذکر با دوام بهترین توشه است برای انسان مسلمان در برابر مشکلات روزگار .

### فواید آیت مبارکه :

1: طلب استعانت از الله (جل جلاله) بواسطه نماز و ذکر و دعا

2 سختی ها زندگی انسان مسلمان را از یاد خداود مانع نشود .

<sup>1</sup>: تقی الدین ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن ابی القاسم بن محمد ابن تیمیه حرانی حنبلی دمشقی متوفی 728 ه ق  
<sup>2</sup>: ابن قیم جوزی محمد بن ابی بکر ایوب الزعی ابو عبد الله - الوابل صیب - ج 1 - ص 62 - ناشر دارالکتاب عربی بیروت - طبع اول 1405 ه ق

## مقطع دوم : بیان عظمت نماز شب (تهجد):

{ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا 26 } .

و بخش از شب را برای الله سجده کن و در حصه طولانی از شب به تسبیح او بپرداز .

هر کس قرآن کریم را با اندیشه و تدبیر تلاوت کند، بدون شک در خواهد یافت، تا چه حد خداوند سبحان در باره ی شب زنده داری تأکید و تشویق فراوان کرده است. خداوند چنان از شب زنده داران تعریف و تمجید بزرگوارانه می کند که هر انسان مسلمانی آرزو می کند که از آن گروه باشد، به عنوان مثال از شب زنده داران به عنوان اهل تقوا و احسان یاد می کند و می فرماید:

{إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ \* كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّذِينَ

مَا يَهْجَعُونَ }<sup>1</sup> پرهیزگاران در میان باغ های بهشت و چشمه ساران خواهند بود \* در حالی که نعمت

هایی را که پروردگارشان بدیشان مرحمت فرموده است دریافت می کنند، چرا که آنان پیش از آن نیز

از زمره ی نیکوکاران بوده اند \* آنان اندکی از شب می خوابیدند و در سحرگاهان درخواست آمرزش

می کردند .

بدین ترتیب، قیام و شب زنده داران نشان پارسایی و نیکوکاری آنان است. گاهی هم از آنان به عنوان متفکران و اندیشه ورزان در باره ی حالات آخرت نام برده می شود؛ در جای دیگر به عنوان اهل دانش و علم یاد می شوند؛ گاهی هم به عنوان اهل رجا و خوف، زمانی نیز به عنوان خردمندان و صاحبان عقل یاد می شوند. خداوند متعال نیز در یک آیه تمامی این صفات ارزشمند را به این صورت فرموده است:

{أَمْنَ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ

وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ }<sup>2</sup>

آیا کسی که در لحظات شب سجده کنان و ایستاده به اطاعت و عبادت مشغول است و خویشتن را از عذاب آخرت به دور می دارد و رحمت پروردگارش را خواستار می شود. بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابر و یکسانند؟! هرگز، تنها خردمندان پند و اندرز می گیرند.

<sup>1</sup> : سوره ذاریات آیات 15=17

<sup>2</sup> : سوره زمر آیات 9

به همین سبب خداوند سبحان در این آیه و آیات دیگر، بر شب زنده داری تشویق و تأکید فراوان کرده است. چون این عمل پربرکت دارای چنان فواید بی شمار و آثار پایدار و عمیقی است که پیشوای پیامبران و امام پارسایان، رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم -، آن را درک کرده و جهت تحصیل خیرات و برکات آن کمر همت بسته و آستین های جدیت را بالا زده و آن چنان بر آن مداومت و مواظبت کرده است که پاهای مبارکش در اثر طول قیام، متورم می شده است. از این روی است که خداوند منان در بدو دعوت اسلامی، رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - و صحابه ی کرام - رضی الله عنهم - را به احیا و شب زنده داری امر می کند، تا هسته های اولیه ی دعوت اسلام قوی و سرشار از معنویت شود، چنانچه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ \* قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۱﴾

ای جامه به خود پیچیده! \* شب را به جز اندکی بیدار بمان \* نیمی از شب یا کمی بیشتر را \* در حالی که قرآن را با ترتیل می خوانی قیام کن و بیدار باش .

با نزول این آیات، دوران آسایش و خواب سپری می شود و فصل جدیدی از تلاش و فعالیت، در حیات رسول الله و یارانش گشوده می شود که در حقیقت مرحله ی حساس تغییر و تحول و جهاد و سازندگی است؛ مرحله ای که مردانی نیرومند و بلند همت، با ایمانی قوی و پیوندی مستحکم با خداوند متعال را می طلبد، تا در مسیر دعوت الهی توان حمل مشکلات و ناملازمات را داشته باشند و راسخ و استوار در راه دعوت گام بردارند. با نازل شدن این آیات، خداوند خواست مومنان را جهت فرماندهی و رهبری انسان ها و برای تغییر مسیر تاریخ مهیا و آماده کند، و زمانی که اصحاب دستورات خداوند را گردن نهادند، این مسئله عملاً صورت پذیرفت، و خداوند هم به ایشان تمکین و عزت و کرامت عنایت فرمود.

پس دعوتگران امروزی هم اگر حقیقتاً با جدیت قدم در راه تغییر و تحول نهاده اند، باید به مدرسه ی انسان ساز شب زنده داری بازگردند و خود و همراهان شان را همانند نسل اول اسلام تربیت و پرورش کنند.

چرا که سرانجام این امت، اصلاح نخواهد شد، مگر با همان چیزهایی که نسل اول با آن ها اصلاح شد.

تشویق و تأکید رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - بر شب زنده داری

<sup>1</sup> : سوره مزمل آیات 4=1

رسول - صلی الله علیه وآله وسلم - در مورد شب زنده داری تأکید و تشویق فراوانی کرده و تبیین کرده است که فضیلت آن بسیار بزرگ و عظیم است، و هرکس آن را رعایت و اجرا کند، دارای مقامی عالی و مرتبه ای بلند خواهد بود. چنانکه در حدیثی بسیار پرمحتوا که ابوامامه از آن حضرت روایت می کند، می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَابُّ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ»<sup>1</sup>

«شب زنده داری را بر خود لازم گیرید، چون شیوه ی نیکان پیش از شما بوده است».

رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - برای کسی که شب جهت قیام بیدار شود، و زنش را نیز بیدار کند، دعای رحمت و مغفرت کرده است، همچنین برای زنی که شب بیدار شود و شوهر خود را نیز جهت قیام بیدار کند، دعای رحمت و مغفرت کرده است. حضرت ابوهریره - رضی الله عنه - این حدیث را از رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین روایت می کند: «رَجِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى وَأَيْقَظَ امْرَأَتَهُ رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَةً قَامَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ وَأَيْقَظَتْ زَوْجَهَا»<sup>2</sup> «خداوند آن مرد را مورد رحم و مغفرت قرار دهد که پاسی از شب بیدار و به نماز خواندن مشغول می شود و همسرش را نیز جهت ادای نمازش شب بیدار می کند و خداوند زنی را مورد رحمت و مغفرت قرار دهد که در شب برای نماز شب بیدار می شود و شوهرش را نیز برای ادای نماز بیدار می کند».

عبدالله بن سلام - رضی الله عنه - می گوید: در اوایل که رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - تازه به مدینه تشریف آوردند و مردم جهت استقبال آن حضرت شتافتند، من از جمله کسانی بودم که به استقبال پیامبر آمده بودند. به محض دیدن سیمای مبارک آن حضرت دریافتم که این سیمای دروغین نیست، و اولین سخنی که از ایشان شنیدم این بود: «أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ وَأَطْعَمُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ وَصَلُّوا وَالنَّاسُ نِيَامًا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ»<sup>3</sup> «سلام کردن را بین خودتان گسترش دهید، و عمومی کنید؛ به مستمندان غذا دهید؛ بین خودتان پیوند خویشاوندی برقرار کنید، و در شب هنگامی که مردم خوابند، به نماز خواندن بپردازید، آنگاه است که با سلامتی وارد بهشت خواهید شد».

همانگونه که قبلاً بیان شد، آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - به قیام و شب زنده داری، ترغیب و تشویق فراوان کرده است و گاهی از ستودن کسی که شب زنده داری نمی کرد، خودداری می ورزید، و بدین شکل صحابه کرام - رضی الله عنهم - را بر قیام و شب زنده داری تشویق می کرد،

<sup>1</sup> ترمذی ج 5 ص 552 باب فی الدعاء النبوی صلی الله علیه وسلم شماره حدیث 3549

<sup>2</sup> محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التمیمی البستی صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان ج 6 ص 306 باب نوافل - شماره حدیث 2567 ناشر :

مؤسسه الرساله - بیروت - الطبعة الثانية ، 1414 - 1993 تحقیق : شعيب الأرنؤوط عدد الأجزاء : 18  
<sup>3</sup> محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري - المستدرک علی الصحیحین- ج 3 ص 14 شماره حدیث 4283 ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - طبعة الأولى ، 1411 - 1990 تحقیق : مصطفى عبد القادر عطا عدد الأجزاء : 4

در مورد عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - مي فرمايد: «نِعْمَ الرَّجُلُ عَبْدُ اللَّهِ لَوْ كَانَ يُصَلِّي مِنْ اللَّيْلِ»، قال الراوي: فكان لا ينام من الليل إلا قليلا<sup>1</sup>

«عبدالله مرد خوبی است، اگر به قیام و شب زنده داری می پرداخت. راوی این حدیث می گوید: وی پس از شنیدن این سخن در شب بسیار اندک می خوابید». دیدید که آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - از ستایش عبدالله بن عمر به سبب عدم قیام و یا سستی در آن امتناع ورزید. و ستایش او را مشروط به شب زنده داری کرد.

از برخی احادیث چنین برمی آید که ترک قیام شب، در شخصیت انسان مسلمان نقص و کمبود محسوب می شود. از اینروست که آن حضرت کسی را که به شب زنده داری اهمیت نمی دهد و یا آن را پس از مدتی ترک می کند، مورد سرزنش و مذمت قرار می دهد، همانطور که در جریان عبدالله بن عمر مشاهده شد که آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - عبدالله را چنین مورد خطاب قرار داد: «يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَكُنْ بِمِثْلِ فَلَانٍ كَانَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَتَرَكَ قِيَامَ اللَّيْلِ»

«ای عبدالله، مثل فلان شخص مباش که شب زنده داری می کرد، ولی پس از مدتی آن را رها کرد».

امام مسلم از ابن عباس نقل می کند که «آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - تا نصف شب می خوابید. سپس اندکی قبل از نیمه شب یا بعد از آن از خواب بیدار می شد و آثار خواب را با دست مبارک از چهره اش می زدود و ده آیه ای آخر سوره ی آل عمران را تلاوت می کرد»<sup>2</sup> شیوه ی آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - چنین بود که در اثنای قیام و قبل از آن خیلی دعا می کردند

امام بخاری - رحمه الله - از ابن عباس - رضي الله عنه - روایت می کند: «آن حضرت - صلی الله علیه وآله وسلم - هرگاه جهت نماز شب از خواب بیدار می شد، چنین دعا می فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نَوْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ -صلى الله عليه وسلم- حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنْبَتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْزُزْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَحْرَتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»<sup>3</sup>.

<sup>1</sup>: صحيح البخاري - ج 1 ص 378 باب فضل قيام ليل شماره حديث 1070

<sup>2</sup>: صحيح مسلم ج 2 ص 179 باب الدعائه في الصلوة ليل وقيامه شماره حديث 1825

<sup>3</sup>: صحيح مسلم ج 2 ص 184 باب دعائه في الصلوة ليل وقيامه شماره حديث 1844

«بار الها! ستایش و تعریف، زبینه و ویژه ی ذات مقدس توست؛ تو مالک و دارنده ی آسمان ها و زمین و هرآنچه در آن هاست می باشی. ستایش و تعریف ویژه ی ذات توست، نور آسمان ها و زمین تویی. حمد و ستایش مخصوص توست و تو پادشاه آسمان ها و زمینی؛ حمد و ستایش ویژه ی توست. تو حقی و وعده ی تو برحق است و دیدار تو برحق است، و گفتار و کلام تو برحق است و بهشت حق است و جهنم حق است. پیامبران هم برحق اند، و محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - برحق است و قیامت حق است. خدایا! تسلیم فرمان تو شدم و به تو ایمان آوردم و بر توکل کردم و به سویی تو بازگشتم و به خاطر تو دشمنی ورزیدم و تو را حکم قرار دادم. پس گناهان گذشته و آینده، پنهان و آشکارم را بیامرز. تو مقدم و مؤخر هستی. جز ذات تو اله دیگری وجود ندارد، و غیر از تو معبودی راستین نیست و هیچ نیرو و توانی جز نیرو و توان تو وجود ندارد».

سنت است نماز را با دعایی که عایشه - رضی الله عنها - روایت کرده است، آغاز کنید. ایشان می فرماید: «هرگاه رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - برای قیام و نماز شب از خواب برمی خاست نماز خویش را این چنین آغاز می کرد:

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطْرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>1</sup> «بار الها! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل! ای آفریدگار آسمان ها و زمین! ای داندۀ ی نهان و آشکار! تو بین بندگان خود، در آنچه اختلاف می ورزند حکم و قضاوت می کنی، مرا به آنچه که از حق در آن اختلاف شده است، به فضل خویش راهنمایی کن؛ چرا که تو هرکسی را که بخواهی به راه راست رهنمون می شوی».

کسانی که وظیفه ی دعوت را بر عهده دارند، بیش از دیگران به شب زنده داری نیازمندند. شب زنده داری پیکاری است در راه تقویت اراده، غلبه بر شیطان و فرمانبرداری کردن نفس. از خداوند (جل جلاله). کسی که به خاطر نماز، خواب و راحتی و بستر گرم و نرم خویش را ترک می کند، و با تمایلات نفسانی اش به مبارزه برمی خیزد، با آب سرد وضو می گیرد، و آماده ی نماز و عبادت و تقرب به خدا می شود. بی شک شایستگی و آمادگی دعوت و تبلیغ را نیز به خوبی می یابد، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید:

<sup>1</sup>: صحیح مسلم - ج 2 ص 185 باب دعائه فی الصلوة لیل وقیامه شماره حدیث 1847

[ إذا أراد العبد الصلاة من الليل أتاه الملك، فقال له: قم، قد أصبحت فصل، واذكر ربك، فيأتيه الشيطان، فيقول: عليك ليل طويل وسوف تقوم، فإن قام فصلى أصبح خفيف الجسم، قرير العين، وإن هو أطاق الشيطان حتى يصبح بال الشيطان في أذنه<sup>1</sup> ]

هرگاه بنده در شب قصد نماز کند، فرشته ای از سوی پروردگار (جل جلاله) نزد وی می آید و به وی چنین خطاب می کند: برخیز که صبح شده است، برخیز و نماز برپا دار و به ذکر و یاد پروردگارت پرداز. از طرف دیگر شیطان می آید و به او می گوید:

شب دراز است، بخواب، بعداً بیدار خواهی شد. اگر برخیزد و نماز را به جایی آورد، سبک و با نشاط و شادمان خواهد شد، و اگر از شیطان فرمان برد، تا این که بامداد شود (و نماز نگذارد) بی گمان در گوشش ادرار خواهد کرد.

قیام شب، دلیل اخلاص و تجرد انسان و نشان دوری وی از ریا و تظاهر است، اخلاص که از بایسته ترین صفات دعوتگران است، شرط پذیرش عمل به درگاه خدا (جل جلاله) نیز هست.<sup>2</sup>

### فوائد آیت :

- 1: فضیلت قیام لیل که نور مؤمنین و توشه دعوت گران است .
- 2: سختی ها دعوت گران را ، مانع و مشغولشان نسازد که عبادت نکنند ، باوجود که هدف پیدایش انسان عبادت است .
- 3: چطور چنین نباشد عبادت توشه و غذای روحی دعوت گران است .
- 4 : عبادت او را تقویت میکند و در راستای دعوت معاونتش میکند .<sup>3</sup>

### مقطع سوم : بیان تشویق به سوی آخرت ، و ترهیب از دنیا :

{إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا 27 سورة انسان } . بی گمان اینها دنیا زود گذر را دوست دارند و روز قیامت را که در پیش دارند رها میکنند .<sup>4</sup>

در قرآ « کریم تعبیرمختلفی در مورد اینکه بر بی ارزش بودن و ناچیز بودن دنیا در مقابل جهان آخرت حکم نموده ، آمده است . از جمله اینکه دنیا متاع زودگذر اندک است .

<sup>1</sup>: صحیح البخاری ج 1 ص 107

<sup>2</sup>: طبرانی سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر خمی شامی ابو القاسم متوفی 360 هـ ق المعجم الأوسط - ج 8 - ص 167 - شماره حدیث 8293 - تحقیق طارق بن عوض الله بن محمد ، عبد المحسین بن ابراهیم الحسین - ناشر دار الحرمین قاهره عدد اجزاء 10 جزء

<sup>3</sup>: تفسیر منیر - ج 29 - ص 309

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1247

هدف اساسی این تعابیر نشان دادن این واقعیت است که لذت های دنیا در برابر لذت های جهان آخرت آنی و ناپایدار است .

{وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ} <sup>1</sup>  
و بترسید از روزی که ( در آن به حساب همگان رسیدگی می شود و ) از دست کسی برای کس دیگری ، چیزی ساخته نیست ، و از او میانجیگری پذیرفته نمی گردد ، و از کسی بلاگردان و جایگزین قبول نمی شود ، و کسی به یاری کسی بر نمی خیزد و همدیگر را نمی توانند کمک کنند .<sup>2</sup>  
{وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ} <sup>3</sup>

اگر آنچه در زمین است ، متعلق به کسی باشد که ( با کفر و شرک ، به خود و دیگران ) ستم کرده است ، و آن را برای بازخرید ( و نجات خویشتن از عذاب دوزخ ) بپردازد ، ( از او پذیرفته نمی گردد . او و دیگر کافران ) هنگام رویارویی با عذاب ( دوزخ سخت به هراس می افتند و بغض می کنند و ) آهسته ( ناله سر می دهند و ) اظهار پشیمانی می نمایند . در میانشان دادگرانه داوری می گردد و بدیشان ستمی نمی شود .<sup>4</sup>

{لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ} <sup>5</sup>

این به خاطر آن است که خداوند می خواهد هرکس را مطابق آنچه انجام داده است سزا و جزا دهد . خداوند حسابرس تند و سریعی است .<sup>6</sup>

{وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْفُسُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ} <sup>7</sup>

شعیب را ( نیز ) به سوی قوم مدین فرستادیم که از خود آنان بود . ( شعیب بدیشان ) گفت : ای قوم من ! خدا را بپرستید ( و بدانید که ) جز او معبودی ندارید . و از پیمانها و ترازو مکاهید . من شما را خوب و بی نیاز می بینم ، من بر شما از عذاب روز فراگیر می ترسم .<sup>8</sup>

{وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ} <sup>9</sup>

<sup>1</sup> : سوره بقره آیت 48

<sup>2</sup> : خرم دل ج 1 ص 13

<sup>3</sup> : سوره یونس آیت 54

<sup>4</sup> : خرم دل ج 1 ص 408

<sup>5</sup> : سوره ابراهیم آیت 51

<sup>6</sup> : خرم دل ج 1 ص 512

<sup>7</sup> : سوره هود آیت 84

<sup>8</sup> : خرم دل ج 1 ص 445

<sup>9</sup> : سوره انبیاء آیت 47



و ما ترازوي عدل و داد را در روز قيامت خواهيم نهاد ، و اصلاً به هيچ كسي كمترين ستمي نمي شود ، و اگر به اندازه دانه خردلي ( كار نيك يا بد ي انجام گرفته ) باشد ، آن را حاضر و آماده مي سازيم ( و سزا و جزاي آن را مي دهيم ) و بسنده خواهد بود كه ما حسابرس و حسابگر ( اعمال و اقوال شما انسانها ) باشيم .<sup>1</sup>

{ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ }<sup>2</sup>

و كساني كه دانش و آگهي داشتند گفتند : واي بر شما ! ( چه مي گويد و سعادت را در چه مي جوئيد ؟ ) اجر و پاداش خدا ( كه بهشت جاويدان است ) بسي والاتر و بهتر ( از اين چيزها ) است براي كساني كه ايمان داشته باشند و كارهاي شايسته انجام دهند و اين ( بهشت يزدان هم ) جز نصيب شكيبايان نمي گردد .<sup>3</sup>

{ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ }<sup>4</sup>

زندگي اين دنيا جز لهو و لعب نيست ، و زندگي سراي آخرت زندگي است ، اگر فهم و شعور داشته باشند .

{ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلاً }<sup>6</sup> ما آنان را خلق كرديم و مفاصل شان را استوار و محكم كرديم و هروقت بخواهيم مانند آنها انسان هاي ديگري را جاي گزين شان ميكنيم<sup>7</sup>

خداوند ( جل جلاله ) خالق تمام جهان و مخلوقات ، است بناء براي كافران گوش زد مي شود كه كافران را الله ( جل جلاله ) خلق نموده به آن سيما و صورت بخشيده و خلقت شان را كامل ساخته است . اوتعالی هرگاه هلاكت آنان را اراده كند کسی او را بازداشته نميتواند و به عوض آنان قومی را به وجود ميآورد كه از اين بد كاران برایش فرمان بردار تر باشند .

و پروردگار خویش را بیشتر عبادت نمایند .

### مناسبت آیات باماقبل :

بعد از اين بيان واضح و دلايل قاطع و حكمت هاي بالغه را . الله ( جل جلاله ) بيان نموده كه تعداد ي از انسانهاي است كه از راه هدايت كور گشته اند . و گمراهي را ترجيح ميدهند و شقاوت را اختيار ميكنند . و چشم هاي شان را از اين تعمت بزرگ ميپوشند ، و قلبشان نيز باز نمي شود .

<sup>1</sup> : خرم دل ج 1 ص 665

<sup>2</sup> : سوره قصص آيت 80

<sup>3</sup> : خرم دل ج 1 ص 832

<sup>4</sup> : سوره عنكبوت آيت 46

<sup>5</sup> : خرم دل ج 1 ص 858

<sup>6</sup> : سوره انسان آيت 28

<sup>7</sup> : خرم دل - 1 ص 1247

این نمی باشد مگر علت مشغولیت و مصروفیتش به نعمت های زود گذر دنیا و لذت های فنا پذیر و متاع فانی ، و متوجه نمی شود به آنچه در انتظارش است ، از روز هیبت ناک و سخت خوفناک و کرب بزرگ .

این از ظلم انسان است برای نفس خود ، و عجله انسان و انکار او به پروردگاری که خلقتش کرده وافریده است او را ، و قوت را در وجودش به ودیعت گذاشته است . اگر خداوند (جل جلاله) بخواهد هلاکش میکند و نامش را هم فراموش خواهد شد و لکن حکمت الهی در مهلت دادن و آزمایش و حریت دادن است . برای بنده که آزادی در دنیا برایش داده و مورد ابتلاء قرارش میدهد .

### فوائد آیات :

- 1: تسلیت برای پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و جهت ثابت قدمی ایشان .
  - 2: تحلیل طبیعت کفار و مشرکین و آزمودن عمق نفسهای مشرکین و شکار نمودن اشیاء که پنهان میکردند . و واضح کردن اسباب صد عن سبیل الله و روی گردانیدن شان از دین . مهم ترین سبب محبت دنیا بود .
  - 3: مقارنه و مقایسه میان زندگی زود گذر دنیا و بین طولانی ترین زندگی آخرت که قدر و مرتبه آن بسیار بزرگ است . بغیر آنکه بر بالای کفار زیاد ثقیل و سنگین تمام می شود .
  - 4: ذاتیکه قادر بخلق شان است دقیقاً قادر به تبدیلی شان نیز به مخلوق دیگر میباشد .
  - 5: کمال قدرت خداوند (جل جلاله) را نشان میدهد و اراده نافذ آنرا همچنان<sup>1</sup> .  
{إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا 29} . یقناً این تعلیمات قرآن ، یاد آوری و پند ی است ؛ پس هر کس بخواهد با استفاده از آن راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد .
- «هذه» اشاره به آیات قبلی میباشد . در این آیه مبارکه و به صورت کل در این سوره متبرکه پند ها و موعظه های عظیمی است که برای انسان گوش زد شده ، و یکی از موعظه ها این است ؛ هرگاه انسان نیت و اراده نجات از جهنم را داشته باشد ، باید راه طاعت و عبادت به سوی الله (جل جلاله) را در پیش گیرد تا رضای او تعالی را حاصل و به بهشتش رایابد .
- ولی یک نقطه را نباید فراموش کرد که ؛ راه الله (جل جلاله) به هیچ صورت اجباری نبوده ، هر که میخواهد ، خود را به سعادت برساند ، باید خودش آن راه را انتخاب کند و آن را طی نماید ، زیرا در قرآن کریم با تمام صراحت بیان شده است .
- { فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا } همچنان الله (جل جلاله) حجت را بر مردم تمام کرده و فرموده است {إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ} و این وسیله پند آموزی همان قرآن کریم است {وَمَا تَسْأَلُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

<sup>1</sup>: تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم - ج 8 - ص 531

عَلِيمًا حَكِيمًا 30} . و شما چیزی را میخواهید مگر اینکه الله (جل جلاله) بخواهد ؛ یقیناً الله (جل جلاله) همواره دانا و حکیم است .

### مناسبت اول سوره با اختتام آن :

سوره مباکه رابه آنچه اختتام بخشید ه است که آنرا شروع نموده بود . همین انسان که در این کون و عالم میگردد و به کسی خواست حمله می برد صبح و بیگاه میکند در اطراف و اکناف دنیا غوطه میزند در عمق آن و از خیر آن بهره برداری میکند .

و ثروت و کنزهای آنرا استخراج میکند . و غوطه میزند در اعماق دنیا و سیر و سیاحت میکند در آفاق عالم همین انسان که الله (جل جلاله) او را خلافت زمین را برایش محول نموده و امانت بزرگ را بدمه او گذاشته و خزانه های زمین را برایش تسلیم نموده است و قدرت فکر کردن و ایجاد و تولید را برایش بخشیده است و قدرت مواجه و رویاروی بر مصایب و سختی ها برایش داده است .

همین انسان است که تابع شده است برایش بسیاری از مخلوقات که ، قبلاً از او ذکر به میان نیامده بود . پس سوره انسان رابه طرف اصلش و تاریخ و هدف خلقتش و مسیرش متوجه میسازد و خاتمه سوره برای تاکید این امر آمده است

### فـ و ا ی د آیـ ات

1- طول انتظار بر مفاهیم که در این سوره است از دروس و عبرتها و وعد و وعید و دلایل و پراهین کسیکه بخواهد راه حق را ببیماید میتواند برود .

2: مشیت و اراده الله (جل جلاله) . نافذ است و اراده او تعالی غالب است .

3: صفات الله (جل جلاله) در ابتداء سوره آمده است و در اختتام سوره نیز آمده است که صفت علم و حکمت است . الله (جل جلاله) علمش به همه عالم محیط است . گاهی برای بندگان آشکار میکند و گاهی پوشیده می ماند<sup>1</sup>

### مقطع چهارم : بیان رحمت الله (جل جلاله)

{ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا 31} .

هر کسی را بخواهد ره رحمت خویش در می آورد و برای ظالمان عذاب دردناکی را آماده ساخته است

رحمت در قرآن کریم

<sup>1</sup>: تفسیر منیر - ج 29 - ص 309

«رحمت» این جاه مراد بهشت خداوند (جل جلاله) رحمت همگانی الهی و غضب های اختصاصی او . درقرآن عظیم ایشان پروردگار باعظمت ما علاوه براینکه ازرحمت خود سخن به میان آورده ، در بعض آیات از عذاب و نوع قهر خود نسبت به برخی ازبندگان خود نیز بحث نموده است .

رحمت الله (جل جلاله) شامل مادیات ، و معنویات میشود . هرآنچیز که هر کسی دارد از مادیات مانند مال ، اولاد ، خانواده ، مقام و جای ، ملکیت های منقول و غیر منقول آن همه رحمت خداوند (جل جلاله) است .

و هرچیز که هرکسی دارد از معنویات مانند علم ، آداب ، اخلاق ، ذهن و امثال آن همه رحمت خداوند (جل جلاله) است .

{وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا} <sup>1</sup>

پروردگار تو بس آمرزنده و صاحب رحم است . اگر آنان را در برابر اعمالشان مجازات می نمود هرچه زودتر عذاب را گریبانگیرشان می کرد ، ولی موعدی دارند که با فرا رسیدن آن راه نجاتی و پناهی در مقابلش نمی یابند .<sup>2</sup>

{وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ} <sup>3</sup>  
در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی مکنید . و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه به فریاد خوانید ؛ بیگمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است .<sup>4</sup>

{وَكَتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءَ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ} <sup>5</sup>

و برای ما در این دنیا و آن دنیا ، نیکی مقرر دار ، چرا که ما ، به سویی تو بازگشت کرده ایم . گفت : عذاب خود را به هرکس که ، بخواهم میرسانم ، و رحمت من هم همه چیز را در بر گرفته ، آن را

برای کسانی مقرر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند و زکات بدهند و به آیات ایمان بیاورند .<sup>6</sup>  
{قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} <sup>7</sup>

<sup>1</sup>: سوره كهف آیت 58

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 603

<sup>3</sup>: سوره اعراف آیت 56

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 295

<sup>5</sup>: سوره اعراف آیت 156

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 319

<sup>7</sup>: سوره انعام آیت 12

بگو : آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست ؟ بگو : از آن خدا است . رحمت بر عهده خود گرفته است . بدون هیچ گونه شكّ و گمانی شما را در روز قیامت گرد می آورد. تنها کسانی که وجود خود را از دست داده اند ، ایمان نمی آورند .<sup>1</sup>

{ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>2</sup>

هرگاه مؤمنان به آیات ، ما به پیش تو آمدند ، بدیشان بگو : درودتان باد ! . خداوند شما خویشتن رحمت واجب نموده است ، که هرکس از شما از روی نادانی ، دچار لغزشی شد ، ولی بعد از آن توبه کرد ، و اصلاح کرد ، چرا که او آمرزگار ( بندگان و ) مهربان ، است .<sup>3</sup>

{ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ }<sup>4</sup>

بگو : ای بندگانم ! ای آنان که در معاصی زیاده روی هم کرده اید ! از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید قطعاً خداوند همه گناهان را می آمرزد چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است.<sup>5</sup>

{ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ }<sup>6</sup>

گفت : چه کسی است که از رحمت پروردگارش مأیوس شود ، مگر گمراهان .<sup>7</sup>

{ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }<sup>8</sup>

خداوند ، هر رحمتی را برای مردم بگشاید ، کسی نمی تواند ، از آن جلوگیری نماید ، و خداوند هر چیزی را که باز دارد و از آن جلوگیری کند ، کسی جز او نمی تواند آن را رها و روان سازد ، و او توانا و کار بجا است .<sup>9</sup>

{ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ }<sup>10</sup>

هر زمان که مصائب و بلاهای بزرگی ، به انسانها برسد ، پروردگارش را به فریاد می خوانند ، و بدو پناهنده می گردند . سپس به مجرد این که ، خداوند مرحمتی از جانب خود در حق ایشان روا دید ، ناگهان گروهی از آنان برای پروردگارش شریک و انباز قرار می دهند<sup>11</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 331

<sup>2</sup>: سوره انعام آیت 54

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 243

<sup>4</sup>: سوره زمر آیت 53

<sup>5</sup>: خرم دل ج 1 ص 983

<sup>6</sup>: سوره حجر آیت 56

<sup>7</sup>: خرم دل ج 1 ص 520

<sup>8</sup>: سوره فاطر آیت 2

<sup>9</sup>: خرم دل ج 1 ص 908

<sup>10</sup>: سوره روم آیت 33

<sup>11</sup>: خرم دل ج 1 ص 856

{ فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }<sup>1</sup>

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را پس از مردنش زنده می کند . آن کس ، زنده کننده مردگان است و او بر همه چیز توانا است .<sup>2</sup>

{ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا }<sup>3</sup>  
بگو : اگر شما مالک خزینه های نعمت پروردگارم بودید باز هم از ترس فقر بخل می ورزیدید ، چرا که انسان طبعاً موجود بخیلی است .<sup>4</sup>

{ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ }<sup>5</sup>

آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می کنند ؟ . این مائیم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم . و برخی را بر برخی دیگر برتریهایی داده ایم ، تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به کار گیرند . و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می کنند بهتر است .<sup>6</sup>

{ وَلَئِنْ أَدْفَنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْنُهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمَلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ }<sup>7</sup>

اگر ما به چنین انسانی ، به دنبال ناراحتی و زبانی که بدو رسیده است ، از سوی خود مرحمتی روا داریم ، گستاخانه خواهد گفت : این حق من است و اصلاً گمان نمی برم که قیامتی در کار باشد . اگر من به سوی پروردگارم برگردم ، حتماً در پیشگاه او دارای مقام و منزلت خوبی هستم ، ما کافران را مسلماً از کارهایی که کرده اند آگاه خواهیم کرد و حتماً عذاب سخت و زیادی را بدیشان می چسانیم .<sup>8</sup>

{ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ }<sup>9</sup>  
مگر کسانی که خدا بدیشان رحم کرده باشد و خداوند برای همین ایشان را آفریده است ، و سخن پروردگار تو بر این رفته است که : دوزخ را از جملگی جنیها و انسانهای پُر می کنم .<sup>10</sup>

<sup>1</sup> : سوره روم آیت 50

<sup>2</sup> : خرم دل ج 1 ص 840

<sup>3</sup> : سوره اسراء آیت 100

<sup>4</sup> : خرم دل ج 1 ص 585

<sup>5</sup> : سوره زخرف آیت 32

<sup>6</sup> : خرم دل ج 1 ص 1040

<sup>7</sup> : سوره فصلت آیات 50

<sup>8</sup> : خرم دل ج 1 ص 1019

<sup>9</sup> : سوره هود آیات 119

<sup>10</sup> : خرم دل ج 1 ص 454

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>1</sup>

سپس به دنبال نوح و ابراهیم ، پیغمبرانی را روانه کردیم و دنبال همه آنان ، عیسی پسر مریم را فرستادیم و بدو انجیل عطاء نمودیم ، و در دل پیروان عیسی مهر و عطوفت را قرار دادیم . پیروان او رهبانیت سختی را پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم ، ولیکن خودشان آن را برای بدست آوردن خوشنودی خدا پدید آورده بودند. اما آنان چنانکه باید آن را مراعات نکردند . ما به کسانی که از ایشان ایمان آوردند پاداش درخورشان را دادیم ، ولی بیشترشان خارج شدند .

### انواع رحمت الهی به عام و خاص تقسیم میشود :

رحمت عام ، شامل حالی تمام انسان ها چه مسلمان باشد ، یا کافر ، و سایر مخلوقات میشود ، اما رحمت خاص تنها شامل حالی انسان مؤمن میشود بس مقصد از آیت مبارکه در این جا همان رحمت خاص است که شامل حالی مؤمنین می باشد آن جنت پروردگار است .

رحمت درقرآنکریم معانی متعددی دارد و تا آن جا که امکان دارد به آن می پردازم ، یحیی بن سلام از بزرگان قرن دوم هجری در کتاب التعارف یازده معانی آن را برشمرده .

1: رحمت یعنی دین اسلام : { وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ }<sup>3</sup>

اگر خدا می خواست ، همه مردمان را یک دین و یک آئین می کرد اما خدا هر که را بخواهد غرق رحمت خود می کند و کافران نه دوستی دارند و نه یابوری .<sup>4</sup>

2: رحمت یعنی بهشت : { وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }<sup>5</sup> و اما آنان که روهایشان سفید است ، در رحمت خدای غوطه ورنند و جاودانه در آن ماندگارند !

3: رحمت یعنی باران : { أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ }<sup>7</sup>

<sup>1</sup>: سوره حدید آیت 28

<sup>2</sup>: خرم دل ج 1 ص 1162

<sup>3</sup>: سوره شوری آیت 8

<sup>4</sup>: خرم دل ج 1 ص 1022

<sup>5</sup>: سوره العمران آیت 107

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 117

<sup>7</sup>: سوره نمل آیت 63

یا کسی که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا رهنمود می کند ، و کسی که بادهای را به عنوان بشارت دهندگان ، پیشاپیش نزول رحمتش وزان می سازد آیا معبودی با خدا است ؟ خدا فراتر و دورتر از این چیزهایی است که انباز او می گردانند .<sup>1</sup>

4: رحمت یعنی نبوت : { أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ }<sup>2</sup>  
راستی مگر گنجهای رحمت پروردگار بسیار با عزت و

بس بخشاینده تو در دست ایشان است ؟ ( تا هر که را که بخواهند نبوت بدهند و هر کس را که بخواهند محروم سازند ؟ )<sup>3</sup>

5: رحمت یعنی نعمت : { وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ }<sup>4</sup>

اگر فضل و رحمت خدا شما را در بر نمی گرفت

6 : رحمت یعنی قرآن : { قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ }<sup>5</sup>  
بگو : به فضل و رحمت خدا - به همین - باید مردمان شادمان شوند . این بهتر از چیزهایی است که گرد می آورند<sup>6</sup>

7 : رحمت یعنی روزی : { إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا }<sup>7</sup>  
یادآور شو آن گاه را که این جوانان به غار پناه بردند و ( رو به درگاه خدا آوردند و ) گفتند : پروردگارا ! ما را از رحمت خود بهره مند ، و راه نجاتی برایمان فراهم فرما .<sup>8</sup>

8 : رحمت یعنی نصر و پیروزی : { قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكَ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا }<sup>9</sup>  
بگو : چه کسی می تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند ، اگر او مصیبت یا رحمتی را برای شما بخواهد ؟ آنان غیر از خدا هیچ سرپرست و یآوری برای خود نخواهند یافت .<sup>10</sup>

9 : رحمت یعنی سلامتی : { وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْتُلُونَ }<sup>11</sup>

<sup>1</sup>: خرم دل ج 1 ص 805

<sup>2</sup>: سوره ص آیت 9

<sup>3</sup>: خرم دل ج 1 ص 955

<sup>4</sup>: سوره نساء جزی آیت 83

<sup>5</sup>: سوره یونس آیت 58

<sup>6</sup>: خرم دل ج 1 ص 408

<sup>7</sup>: سوره کهف آیت 10

<sup>8</sup>: خرم دل ج 1 ص 590

<sup>9</sup>: سوره احزاب آیت 17

<sup>10</sup>: خرم دل ج 1 ص 880

<sup>11</sup>: سوره روم آیت 36



ترجمه :

هرگاه به مردمان مرحمتی بکنیم و نعمتی برسانیم ، از آن سرمست و مغرور می گردند ، و اگر رنج و بلائی به خاطر کارهائی که کرده اند گریبانگیرشان شود ، فوراً ( از رحمت خدا ) مأیوس و ناامید می گردند .<sup>1</sup>

10: رحمت بمعنی دوستی : { مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ }<sup>2</sup>

محمد فرستاده خدا است ، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت ، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند .<sup>3</sup>

11: رحمت یعنی ایمان : { قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ }<sup>4</sup>

ای قوم من ! به من بگوئید ، اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم ( که علم ضروری من برگرفته از دانش و بینش پیغمبری است ) و خداوند از سوی خود رحمتی به من عطاء فرموده باشد که نبوت است .<sup>5</sup>

درخاتمه باید یاد آور شد که رحمت الله (جل جلاله) باخشونت او تعارضی ندارد؛ زیرا که اگر کافران و ملحدان ، به جای پیش گرفتن فتنه و جنگ ، طغیان نمی کردند؛ اگر ظالمان به جای ستمگری از کارهای ناشایسته خود توبه میکردند . درچنین صورتی از آغوش رحمت الهی بیرون نشده و از عذاب و عقاب به دور بودند .

### فایده آیت مبارکه :

1: مشیت خالق متعال و قدرت اوتعالی و حکمت اوبالاترازشک و وهم است .

2: هدایت رحمت الهی و بخشش ربانی است .<sup>6</sup>

<sup>1</sup> : خرم دل ج 1 ص 857

<sup>2</sup> : سوره فتح آیت 29

<sup>3</sup> : خرم دل ج 1 ص 1092

<sup>4</sup> : سوره هود آیت 28

<sup>5</sup> : خرم دل ج 1 ص 428

<sup>6</sup> : تفسیر احمد - ج 29 - ص 516

## نتیجه گیری

بعد از بحث و مباحث پرامون تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان نتایج ذیل را در بر دارد.

1" معرفی سوره ،اسماء ونامهای سوره مبارکه ، مکی ومدنی بودن سوره مبارکه انسان ، وقت نزول سوره ، سبب نزول سوره ، فضیلت سوره ، مناسبات سوره .

بیان محور اساسی سوره ، ومقاصد سوره ، وخصائص وویژه گی های سوره مبارکه انسان  
2" مراحل واطوار خلقت ، وآفرینش انسان.

3" اهداف خلقت و آفرینش انسان : بد نیا آمدن انسان برای مدت کوتاه چه هدف دارد .

4" بعد از آفرینش انسان بدوصنف تقسیم شده ، یک شاکر دوم آن کافر

5" بیان عقوبت کافران در آخرت ، ذکر اعمال نیکان در دنیا وشرح نعمت های برای ایشان در آخرت.

6" بیان اثبات حقانیت وعظمت قرآن کریم. دلایل اثبات حقانیت قرآنکریم .

7" بیان وعظمت صبر، معنای صبر: در لغت ودر اصطلاح .وانواع صبر ، صبر درقرآن ، فضیلت وجایگاه صبر .

8" بیان ذکروعظمت آن ، **معنای ذکر** ، بمعنای عام : تمام بخش عبادات را شامل می شود مثل نماز ، روزه ، حج ، تلاوت قرآنکریم ، دعا واستغفار ، تسبیح وتحلیل .

معنای خاص آن : الفاظ ذکر را شامل میشود که ، درقرآن وسنن آمده باشد

9" بیان عظمت نماز شب (تهجد):شده است ، کسانی که وظیفه ی دعوت را بر عهده دارند، بیش از دیگران به شب زنده داری نیازمندند. شب زنده داری پیکاری است در راه تقویت اراده، غلبه بر شیطان و فرمانبرداری کردن نفس .

10" بیان تشویق به سوی آخرت ،وترهیب از دنیا شده است .

11" بیان رحمت الله (جل جلاله ) وانواع رحمت الله (جل جلاله ) ذکر شده است . ومعنی مرادی رحمت دراین آیت بیان شده است .

## پیشنهادات

1- بنده با تمام توان خود کوشش و سعی نمودم که در باب خدمت نمودن به کلام الهی در نوشتاری تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان به قدر و توان بشری .

اما تفسیر قرآنکریم مانند بحر بی کران و ساحل بی پایان است هر کس با اندازه ظرفیت و توان خود چیزی در این باب نوشته نموده است .

بنا بنده پیشنهاد میکند که این موضوع (تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان) یک بحث بسیار وسیع و طویل است میشود که کسی دیگری هم در این مقطع تحریری داشته باشد ، و هیچ وقت نبوده که تفسیر نویخته کرده باشد اول و آخر بحث در آن تفسیر شده بلکه دیگران هم در آن موضوع بطوری تفصیلی و یامتوسط ، و یاهم بطور خلاصه نوشتاری نموده اند .

2- ریاست پوهنچی شرعیات پوهنتون سلام را هم پیشنهاد دارم که ، در باب تفسیر موضوعی سوره مبارکه الانسان برای محققین آینده هر موضوع این سوره را بشکل جداجدا تقسیم نموده به تحقیق بسپارت .

## فهرست آیات های قرآنی

شماره	آیات	سورت	صفحه
1.	وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا	انسان	12
2.	{ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ }	قیامة	16
3.	{ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ }	قیامة	16
4.	يُنَبِّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ	قیامة	16
5.	بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ	قیامة	16
6.	{ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى }	قیامة	16
7.	هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا	انسان	16
8.	{ لَا تَحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ }	قیامة	17
9.	هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا	انسان	23
10.	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ	مانده	25
11.	وفى انفسكم افلاتتبصرون .....	ذاریات	28
12.	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ	حج	28
13.	فَأِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ	حج	30
14.	{ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ }	حجرات	30
15.	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ	مؤمنون	31
16.	{ فَاسْتَنْفَتْهُمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ }	صافات	32
17.	{ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ }	الرحمان	33
18.	{ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا }	فرقان	35
19.	إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا	انسان	36
20.	فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ	مؤمنون	36
21.	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ	طارق	36
22.	فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا	مؤمنون	41
23.	ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا	حج	42
24.	وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ	حج	43
25.	ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ	مؤمنون	44

46	مومنون	أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ	.26
46	هود	وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى	.27
47	كهف	إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا	.28
47	ملك	الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِنَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ	.29
48	ذاريات	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	.30
48	طلاق	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ	.31
49	بقرة	وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً	.32
50	هود	هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا	.33
51	هود	إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ	.34
51	بقرة	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا	.35
52	بروج	فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ	.36
52	انسان	إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا	.37
53	نساء	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ	.38
54	حج	هَذَانِ حَصْمَانَ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ	.39
54	اسراء	وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضِلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُم أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ	.40
55	نمل	وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ	.41
55	انبياء	لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ	.42
55	مؤمنون	تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ	.43
55	ابراهيم	سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارَ	.44
56	زمر	أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	.45
56	احزاب	يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَّا اطَّعْنَا اللَّهَ وَأَطَّعْنَا الرَّسُولَ	.46
56	قمر	يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ	.47
56	غافر	إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ	.48
57	العمران	يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ	.49
57	يونس	كَانَمَا أَغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ	.50
57	بقرة	بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ	.51
57	اعراف	لَهُمْ مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ	.52
58	عنكبوت	يَوْمَ يَعْسَاهُمْ الْعَذَابُ مِّن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ	.53

58	زمر	لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ	.54
58	توبه	وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ	.55
58	مدثر	لَا نُنَبِّئُكَ وَلَا تَنْذُرُ * لَوْ آحَاةَ لِلْبَشَرِ * عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ	.56
58	همزه	نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ * الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنِدَةِ	.57
59	مزمّل	إِنَّ لَدُنْيَا أَكَالًا وَجَحِيمًا * وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا	.58
60	سبأ	وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ	.59
60	حاقه	ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ	.60
60	حج	كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا	.61
60	انبياء	إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ	.62
61	يونس	وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ	.63
61	فرقان	وَإِذَا أَلْفَاوُا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّفْرَجِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا	.64
61	فاطر	وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ	.65
62	ملك	وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ	.66
62	مؤمنون	قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ	.67
62	سجده	وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ	.68
63	غافر	قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ	.69
64	انسان	إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا	.70
65	العمران	رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ	.71
66	العمران	خَالِدِينَ فِيهَا نُنزِّلُ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ	.72
66	انفطار	إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ	.73
66	مطففين	كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ	.74
68	انسان	يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا	.75
68	العمران	إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا	.76
69	مريم	فَأِمَّا تَرِينٌ مِّنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا	.77
69	بقرة	وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ	.78
70	حج	ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ	.79
73	انسان	وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا	.80
73	انسان	إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا	.81

74	انسان	فَوَقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا	.82
75	انسان	وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا	.83
75	انسان	مُتَكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شُمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا	.84
75	انسان	وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَطْوَفُهَا تَذَلِيلًا	.85
75	انسان	وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِأَنْبِيَاءٍ مِنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا	.86
76	انسان	قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا	.87
76	انسان	وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا	.88
76	انسان	عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا	.89
77	انسان	وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا	.90
77	انسان	وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا	.91
77	انسان	عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَخُلُوعًا أُسْوَرٌ	.92
78	انسان	إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا	.93
80	انسان	إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا	.94
81	اسراء	قُلْ لئنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِجُ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ	.95
81	هود	أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ	.96
81	بقره	وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ	.97
81	يونس	أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا	.98
82	نساء	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ	.99
82	زمر	اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودٌ	.100
83	روم	الْمِ * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَّغْلِبُونَ	.101
83	قصص	إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَىٰ مَعَادِ قَلِّ رَبِّي أَعْلَمُ	.102
84	يس	لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ	.103
84	حجرات	إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ	.104
84	فصلت	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ	.105
84	فصلت	لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ	.106
85	شورى	وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ	.107
85	فرقان	تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا	.108
85	انبيا	وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ	.109

85	يس	وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ	110.
85	اعراف	كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ	111.
85	اعراف	وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	112.
86	فاطر	إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا	113.
86	محمد	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا	114.
89	انسان	فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا	115.
89	بقره	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	116.
89	بقره	وَلَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ	117.
90	انعام	وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَاصْبِرُوا عَلَى	118.
90	انبياء	وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ	119.
90	ص	وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا	120.
90	زمر	قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا	121.
90	احقاف	فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْشِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ	122.
91	يونس	وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ	123.
91	بقره	وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا	124.
91	اعراف	وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا	125.
91	اعراف	إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ	126.
91	هود	مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنْجَزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ	127.
91	نحل	وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ	128.
92	طه	فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ	129.
92	مؤمنون	إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ	130.
92	فرقان	وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ	131.
93	عنكبوت	الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ	132.
93	روم	فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفِّفَنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ	133.
93	فصلت	وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ	134.
93	شورى	وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ عَزْمِ الْأُمُورِ	135.
93	حجرات	وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	136.
93	طور	وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ	137.



94	قمر	إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْنَهُمْ وَأَصْطَبِرْ	138.
94	قلم	فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ	139.
94	معارج	فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا	140.
94	مزمل	وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا	141.
94	بلد	ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ	142.
96	بقره	فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ	143.
97	بقره	فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا	144.
97	بقره	فَإِنَّ خِفَتُمْ فِرْجَآلًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أُمِنْتُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم	145.
98	العمران	وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا	146.
98	اعراف	أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا	147.
98	احزاب	لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ	148.
98	احزاب	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا	149.
99	عنكبوت	إِنَّ الصَّلَاةَ تَنهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ	150.
99	ص	فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَّتْ بِالْحِجَابِ	151.
99	ذاريات	وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ	152.
99	جمعه	فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ	153.
101	انسان	وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا	154.
101	ذاريات	كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ	155.
102	زمر	أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ	156.
102	مزمل	يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ * قُمْ أَيْلًا إِلَّا قَلِيلًا	157.
103	انسان	إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا	158.
107	بقره	وَأَنْفُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ	159.
107	يونس	وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ	160.
108	ابراهيم	لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ	161.
108	هود	وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ	162.
108	انبياء	وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا	163.
108	قصص	وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ	164.
109	عنكبوت	وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ	165.

109	انسان	نَحْنُ خَلْفَانُهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ	166.
110	انسان	إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا	167.
111	انسان	يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا	168.
112	كهف	وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا	169.
112	اعراف	إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ	170.
112	اعراف	وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُوبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ	171.
112	انعام	قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ	172.
112	انعام	كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ	173.
113	زمر	لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا	174.
113	حجرات	قَالَ وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ	175.
113	فاطر	مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا	176.
113	روم	ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ	177.
113	روم	فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	178.
114	اسراء	قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ	179.
114	زخرف	أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ	180.
114	فصلت	وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُمْ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ	181.
114	هود	إِلَّا مِنْ رَحْمِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ	182.
114	حديد	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ	183.
115	شورى	وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ	184.
115	الاعمران	وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	185.
115	نمل	وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	186.
115	ص	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ	187.
116	نساء	وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ	188.
116	يونس	قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ	189.
125	كهف	إِذْ أَوْى الْفُؤَيْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً	190.
116	احزاب	قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً	191.
116	روم	وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ	192.
116	فتح	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ	193.

117	هود	قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّن عِنْدِهِ	.194
			.195
			.196
			.197
			.198

## فهرست آحادیث نبوی

شماره	حدیث	صفحه
	كان رسول الله {صلى الله عليه وسلم} يقرأ في الفجر من الجمعة	8
	والذي نفسي بيده إنه ليرى بياض الأسود في الجنة من مسيرة الف عام	13
1	من قرأ سورة هل أتى كان جزاؤه على الله جنة وحريراً	14
2	كان يقرأ في صلاة الفجر يوم الجمعة ألم تنزيل السجدة و ! هل أتى على الإنسان	14
3	أخرج نفس صاحبكم أو أخيكم الشوق الى الجنة	15
4	ماء الرجل غليظ أبيض ، وماء المرأة رقيق أصفر فأيهما سبق وعلا فمنه يكون أشبه	24
5	إن الله خلق آدم من قبضة قبضها من جميع الأرض	29
6	قَالَ يَا يَهُودِيُّ مِنْ كُلِّ يُخْلَقُ مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ وَمِنْ نُطْفَةِ الْمَرَاةِ	37
7	إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ نَزَلَتْ إِلَيْهَا مَلَكٌ	38
8	إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ	39
39	إن الله وكل بالرحم ملكا فيقول: أي رب نطفة أي رب علقة أي رب مضغة	39
9	يَدْخُلُ الْمَلَكُ عَلَى النُّطْفَةِ بَعْدَ مَا تَسْتَقَرُّ فِي الرَّحِمِ بِأَرْبَعِينَ، أَوْ خَمْسَةَ وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً	40
10	أَنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا	47
11	إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَبَيَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرَسَهَا فَلْيَفْعَلْ	50
12	يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ	59
13	أَمَّا سَمَاهُمْ اللَّهُ جَلَّ تَنَاوُهُ الْأَبْرَارَ لِأَنَّهُمْ بَرُّوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنََاءَ، كَمَا أَنَّ لَوْلَاكَ عَلَيْكَ حَقًّا	66
14	فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُعْنِي مِنَ الْقَدْرِ شَيْئًا، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ	71
15	أَنَّهُ نَهَى عَنِ النَّذْرِ، وَقَالَ: «إِنَّهُ لَا يَأْتِي بِخَيْرٍ، وَإِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهِ مِنَ الْبَخِيلِ	71
77	أَرَأَيْتَ ثِيَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أُنْتَسَجُ نَسْجًا أَمْ تُشَقَّقُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ	77
16	أَهْلُ الْجَنَّةِ جُرْدٌ مُرْدٌ كَحُلِّ لَا يَفْنَى شَبَابُهُمْ وَلَا تَبْلَى ثِيَابُهُمْ. هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ	78
17	ما أعطي أحد عطاء خيرا و أوسع من الصبر	94
18	المسلم إذا كان مخالطا الناس و يصبر على أذاهم، خير من المسلم الذي لا يخالط	94
19	فقلت أصبر فقلت إني أتكشف فادع الله أن لا أتكشف فدعا لها	94

94	إن الله قال <b>إذا ابتليت</b> عبدي بحبيبتيه فصبر عوضته منهما الجنة	20
96	أنا عند ظن عبدي بي وأنا معه إذا ذكرني فإن ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي	
96	سِيرُوا هَذَا جُمَدَانُ ، سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ ، قَالُوا : وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ	21
96	لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ، إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ	22
103	عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَابُّ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ	
103	رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى وَانْقَضَ امْرَأَتُهُ	23
103	أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ وَأَطِعُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا الأَرْحَامَ وَصَلُّوا والنَّاسُ نِيَامًا تَدْخُلُوا	24
104	نَعَمْ الرَّجُلُ عَبْدُ اللَّهِ لَوْ كَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ	25
104	اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ	26
105	اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ	27
106	إذا أراد العبد الصلاة من الليل أتاه الملك، فقال له	28

## فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1.	احمد بن محمد بن عمر ، شهاب الدين الخفاجى مصرى	8
2.	شيخ (شهيد ) سيد قطب (رحمه الله )	9
3.	أحمد بن حسين بن علي بن موسى خُسرُوْجِردِي خراساني، أبو بكر بيهقي	10
4.	عبد الرحمن بن ابى بكر ، جلال الدين سيوطى	10
5.	ابوالفداء إسماعيل بن عمر ابن كثير	10
6.	أبو حجاج مجاهد بن جبر	10
7.	احمد بن منذر بن جارود بصرى	11
8.	ابوالحسن مقاتل ابن سليمان	12
9.	محمد بن حسن بن زبير أسدى ابو جعفر	20
10	محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غائب الأملى ، ابو جعفر طبرى	33
11	محي السنة أبو محمد حسين بن مسعود بغوى	42
12	امام ابو حنيفه نعم بن ثابت تيمى أبوحنيفه كوفى	43
13	امام شافعى ابو عبد الله محمد بن ادريس	43
14	امام مالك بن انس بن مالك	43
15	ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسن بن حسين تيمى معروف به فخر الدين رازى	68
16	محمد بن أحمد بن ابى بكر بن فرح ابو عبد الله قرطبى	70
17	محمد بن صالح بن محمد بن العثيمين	72

100	تقى الدين ابو العباس احمد بن عبد الحلیم ابن تيميه	18
		19
		20
		21
		22
		23

## فهرست منابع و مأخذ

- 1- قرآن كريم
- 2- أوسى شهاب الدين محمود ابن عبد الله حسينى روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى - تحقيق- على عبد البارى عطية - ناشر - دار كتب علميه - بيروت سال طبع - 1415 هـ
- 3- أصفهاني- أبو القاسم حسين بن محمد بن المفضل المعروف - مفردات ألفاظ القرآن- ناشر- دار القلم - دمشق
- 4- أبي الحسين أحمد بن فارس بن زكريا- مقاييس اللغة- باب حرف فا- تحقق- عبد السلام محمد هارون- ناشر- اتحاد الكتاب العرب- چاپ- 1423 هـ = 2002م
- 5- ابراهيم مصطفى؛ احمد الزيات، حامد عبدالقادر، محمد النجار- المعجم الوسيط- ناشر- دار الدعوة- تحقيق- مجمع اللغة العربية
- 6- ابن عسكرى- الإمام الحافظ أبى القاسم على بن الحسن بن هبة الله شافعي - معجم الفروق الغوى - ج 1 - ص 80 - ناشر : دار البشار دمشق - 571هـ ق
- 7- المطرزي أبو الفتح ناصر الدين بن عبد السيد بن على - المغرب فى ترتيب المعرب - ج 1 - ص 33 - تحقيق محمود فاخورى وعبد الحميد مختار - ناشر : مكتبه اسامه بن زيد حلب - طبع اول 1979 م
- 8- اندلسى ابو حيان محمد بن يوسف بن حيان اثيرالد بن متوفى 745 هـ بحر المحيط فى التفسير- تحقيق صدقى محمد جميل - ناشر دار الفكر بيروت طبع 1420هـ
- 9- الجزائرى جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر ابوبكر - ايسر التفاسير لكلام العلى الكبير- ناشر - مكتبه علوم وحكمت مدينه منوره عربستان سعودى - طبع 1424/5 هـ
- 10- القرطبى ابى بكر بن فرح الانصارى خزرجى شمس الدين متوفى 671هـ الجامع الاحكام القرآن - تحقيق احمد بردونى و ابراهيم اطفيش - ناشر : دار الكتب المصرىه قاهره
- 11- ابن فارس ابوالحسن أحمد بن فارس بن زكريا معجم مقاييس اللغت- تحقيق عبد السلام محمد هارون : ناشر : دار الفكر طبع 1399 هـ
- 12- ابن منظور لسان عرب - تحقيق عبد الله على الكبير + محمد أحمد حسب الله + هاشم محمد الشاذلى ناشر : دار المعارف قاهره
- 13- الزرقانى - محمد عبد العظيم متوفى : 1367 هـ مناهل العرفان فى علوم القرآن ناشر - مطبعه عيسى البابى الحلبي



- 14- ابن عاشور شيخ محمد طاهر التحرير والتنوير الطبعة التونسية : ناشر: دار سحنون للنشر والتوزيع - تونس - 1997 م
- 15- الحاوي في تفسير القرآن الكريم - ( جنت مشتاق در تفسير كلام ملك خلاق ) عدد اجزاء 840 اصدار ش 2009 م
- 16- ابن كثير- ابوالفداء إسماعيل بن عمر بن كثير قرشي ، بصرى ، ثم دمشقى ، متوفى 774 هـ تفسير القرآن العظيم - تحقيق عبد الرزاق المهدي - ناشر : مكتبة رشيديه كوته باكستان
- 17- الواحدى ابوالحسن على بن محمد بن على نيشاپورى شافعى - اسباب نزول - تحقيق عصام بن عبد المحسين الحميدان ناشر- دار اصلاح الدمام
- 18- ابو الحسن مسلم بن حجاج نيشاپورى متوفى - 261 هـ المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل الى رسول الله صلى الله عليه وسلم - تحقيق محمد فواد عبد الباقي - ناشر دار احياء تراث عربى - بيروت
- 19- ابو داود سليمان بن اشعث بن اسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو أزدى سجستانى متوفى 275 هـ سنن أبى داود باب فى قدر - تحقيق شعيب ارنؤوط - محمد كامل قره بللى - ناشر دار الرسالة عالمية طبع اول 1430 هـ 2009 م عدد اجزاء
- 20- استانبولى إسماعيل حقى ، بن مصطفى حنفى ، خلوتى ، مولى ابو فداء متوفى 1127 هـ ق تفسير روح البيان - ناشر دار فكر عربى - بيروت - لبنان
- 21- امام أحمد بن حنبل - مسند الامام أحمد بن حنبل - تحقيق شعيب ارنؤوط - ناشر مؤسسه رسالة چاپ دوم 1420 هـ ق
- 22- ابن اثير ابوالسعادات المبارك بن الجزرى - النهاية في غريب الاثر - تحقيق طاهر احمد الرازى - محمود محمد الطناحى - ناشر مكتبة علميه بيروت - سال نشر 1399 هـ ق
- 23- ابن قدامة ابو محمد موفق الدين عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامة الجماعيلى ، المقدسى ، ثم دمشقى ، الحنبلى ، معروف به ابن قدامة - الشرح الكبير
- 24- ابن قيم جوزى محمد بن أبى بكر ايوب الزعى ابو عبد الله - الوايل صيب - ناشر دارالكتاب عربى بيروت - طبع اول 1405 هـ ق
- 25- بزمول- محمد عمر بن سالم- عضوهيئة التدريس بجامعة أم القرى- كلية الدعوة وأصول الدين- قسم الكتاب والسنة- التفسير الموضوعى والوحدة الموضوعية للسورة-
- 26- بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل- صحيح بخارى- كتاب التفسير- باب- لا تشرك با الله ان الشرك لظلم عظيم- سوره لقمان- ناشر- المكتبة الحقانية- پاشاور- باكستان

- 27- بدخشانی فضیلت شیخ محمد اکرام الدین ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ناشر : مکتبه اسلامیہ ، لاہور پاکستان چاپ پنجم تاریخ
- 28- بقاعی ، برهان الدین ابی الحسن إبراهيم بن عمر - نظم الدرر فی تناسب آیات 260 - ناشر دار الکتب العلمیہ بیروت 1415 هـ ق
- 29- بزار أبوبکر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبید الله عتکی ، معروف به بزار متوفی 292 هـ ق
- 30- بغوی محی السنۃ أبو محمد حسین بن مسعود بن محمد بن فراء شافعی متوفی 510 هـ ق معالم التنزیل فی تفسیر القرآن ( تفسیر بغوی - تحقیق عبد الرزاق المهدی - ناشر إحياء تراث عربی - بیروت - لبنان
- 31- بلخی ابوالحسن مقاتل ابن سلیمان ابن بشیر اذدی متوفی 150 هـ ق - تفسیر مقاتل ابن سلیمان - تحقیق عبد الله محمود شحاته - ناشر : احياء تراث بیروت
- 32- ترمذی محمد بن عسی بن موسی من ضحاک متوفی 279 هـ ق سنن ترمذی باب ماجاء فی صفة ثياب اهل الجنة - تحقیق بشار معروف عواد - ناشر دار الغرب الاسلامی بیروت - سال نشر 1998 م
- 33- ثعلبی احمد بن محمد بن إبراهيم ابواسحاق متوفی 427 هـ ق الكشف والبيان عن التفسیر القرآن - تحقیق امام ابی محمد بن عاشور : ناشر إحياء تراث عربی ، بیروت لبنان طبع اول 1422 هـ ق
- 34- جرجانی علی بن محمد بن علی : تعريفات : - ناشر : دار الكتاب عربي - بیروت طبع اول 1405 : تحقیق : إبراهيم ابیاری:
- 35- دمشقی احمد بن مصطفی متوفی 1318 هـ ق ، معجم الاسماء الاشیاء الطایف
- 36- جعفر شرف الدین - الموسوعه القرآنیه ، خصائص السوره - تحقیق عبد العزیز بن عثمان التویجزی - ناشر : دار تفریب بین المذاهب اسلامی - بیروت طبع اول 1420 هـ ق
- 37- رستمی ابو زکریا عبد السلام . توجیه الناظرین - ناشر : مکتبه جماعت اشاعت وتوحید والسنه علی منهاج سلف صالح پشاور پاکستان
- 38- رضا قلی : محمود - استاد پوهنتون سویدن - انسان شناسی و فلسفه اخلاق گذشتہ و آیندہ انسان - سایت انتر نیت - [www.takbook](http://www.takbook) 2018

- 39- زرکشى- بدرالدين محمد بن عبدالله بن بهادر- متوفى سنه- 794هـ- البرهان فى علوم القرآن- تحقيق- محمد ابوالفضل ابراهيم- ناشر - دار إحياء الكتب العربية عيسى البابى الحلبي وشركائه- چاپ- 1376 هـ - 1957 م
- 40- زحيلى وهبه بن مصطفى تفسير وسيط - ج 1- ص 224 - ناشر - دار نجدى فيصل بن عبد العزيز بن فيصل بن حمد المبارك حريملى توفيق الرحمن فى دروس القرآن
- 41- سيوطى . عبد الرحمن بن ابى بكر ، جلال الدين متوفى 911 هـ تفسير در المنثور - ناشر : دار فكر بيروت
- 42- سيوطى . عبد الرحمن بن ابى بكر ، جلال الدين متوفى 911 هـ اتقان فى علوم القرآن
- 43- سيوطى : عبد الرحمن ابن ابى بكر ابن محمد ابوالفضل لباب النقول فى اسباب
- 44- سعدى عبد الرحمن بن ناصر بن سعدى - تسير الكريم الرحمن فى تفسير كلام منان - تحقيق عبد الرحمن بن معلا اللويحق - ناشر مؤسسه رساله طبع اول 1420 هـ ق
- 45- سمعانى ابومظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار - تفسير القرآن سمعانى - تحقيق ياسر بن ابراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم - ناشر داروطن راض سعودى عربى . سال نشر 1418 هـ ق سيد سابق متوفى 1420 هـ ق فقه السنة - ناشر دارالكتاب العربى بيروت لبنان - طبع سوم 1397 هـ ق 1977 م
- 46- سيد قطب ابراهيم ( رحمه الله ) تفسير فى ظلال القرآن - ناشر : دار الشروق القاير هـ
- 47- شوكانى محمد بن على بن محمد بن عبد الله يمنى متوفى 1250 - نيل الاوطار - تحقيق عصام الدين الصبابطى - ناشر دار الحديث مصر - طبع اول 1413 هـ ق
- 48- شوكانى محمد بن على بن محمد بن عبد الله يمنى متوفى 1250 هـ ق تفسير فتح القدير - ناشر دار ابن كثير دار القلم الطيب - دمشق بيروت . طبع اول 1414 هـ ق شوكة، أحمد عبدالكريم، أهمية التفسير الموضوعى، ومنهجية فى المعالجة القضايا المستجدة
- 49- صابونى- محمد على صفوت التفاسير - ناشر : دار صابون قايره طبع اول 1417 هـ ق
- 50- صلاح خالد- التفسير الموضوعى بين النظرية والتطبيق-
- 51- طبرى ابومحمد بن جرير بن يزيد؛ تهذيب الآثار وتفصيل الثابت عن رسول الله صلى الله عليه وسلم من الأخبار، تحقيق-محمود محمد شاکر؛ ناشر- مكتبة الخانجي - القاهرة؛ مطبعة المدني - 68 شارع العباسية - القاهرة
- 52- طبرى محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غائب الأملی ، ابو جعفر - جامع البيان فى تأويل القرآن - 14 تحقيق احمد شاکر - ناشر مؤسسه رساله - طبع اول 1420 هـ ق

- 53- طبرانى سليمان بن أحمد بن ايوب بن مطير خمى شامى ابو القاسم متوفى 360 هـ ق المعجم الأوسط - تحقيق طارق بن عوض الله بن محمد ، عبد المحسين بن ابراهيم الحسين - ناشر دار الحرمين قاهره
- 54- عبد الرحمن بن محمد عوض الجزيري (المتوفى: 1360 هـ - الفقه على المذاهب الأربعة - الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الثانية، 1424 هـ - 2003 م
- 55- قرطبي ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح انصارى خزرجى شمس الدين متوفى 671 هـ ق جامع الاحكام 109 ناشر دار عالم لكتب رياض سعودى عربى
- 56- قشيري عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك ، متوفى 465 هـ ق لطائف الاشارات -57- (تفسير قشيري) ناشر كتاب خانه عامه مصر
- 58- مصري، محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي- لسان العرب- ناشر- دار صادر - بيروت- چاپ اول- ب، ت-
- 59- محمد طاهر بن عاشور- التحرير والتنوير فى التفسير- ناشر- دارسحنون لنشر والتوزيع- چاپ- تونس- 1997م-
- 60- مسلم- مصطفى- مباحث فى التفسير الموضوعى- ناشر- دار القلم- دمشق- چاپ- سوم- 1321 هـ ق- 2000م-
- 61- مراغى احمد بن مصطفى - متوفى 1371 هـ - تفسير مراغى- ناشر مكتبه مطبعة البابى - طبع اول 1365
- 62- محمد بن صالح بن محمد بن العثيمين متوفى 1421 - هـ تفسير ابن عثيمين - ناشر- دار ابن جوزى مملكت عربستان سعوريه طبع اول
- 63- ماوردى ابوالحسن على بن محمد بن محمد بن حبيب - تفسير ماوردى (النكت والعيون)
- 64- مسند بزار منشور باسم البحر الزخار تحقيق محفوظ الرحمن زين الله + عادل بن سعد + وصبرى عبد الخالق شافعى - ناشر مكتبه علوم والحكم مدينه منوره - طبع اول آغا ز 1988 م - ختم 2009 م
- 65- هندی علاء الدين على بن حسام الدين المتقى البرهان فورى متوفى 975 هـ ق كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال- تحقيق - بكرى حيانى - صفوة السفا - ناشر مؤسسة الرسالة - طبع .

## Brief Discussion

The purpose of this discussion is the (thematic interpretation of Surah Al-Ansan) that through the scientific discussion of scholars and commentators and also the purpose of (thematic interpretation of Surah Al-Ansan) is to know and find guidance and instructions of the Holy Quran in Surah Al-Ansan to use them in life in the Islamic community.

In short, I have adopted two methods in this discussion:

1- Descriptive Method in this method, the basic terms and terms that belong to the subject are discussed.

2- Third, what is discussed, researched and assessed in this dissertation are; (the thematic interpretation of Surah Al-Ansan) which includes an introduction, three chapters, Topics, and contents; The introduction includes the following topics

**1- Expression of the importance of the subject and its goals.**

**2- Expression of the reasons for the authority of the subject.**

**3- Statement of research proposal.**

**4- Expression of discussion plan**

**Chapter has one:** Contains two discussions. The first discussion is containing of three contents, that in this discussion, I have discussed on the introduction of the surah, the virtue of the surah, and the relations of the blessed surah Al-Ansan. The second discussion: includes three contents that are consisting of the main axis, goals and the features of Surah Al-Ansan.

**Chapter Two** : Contains two discussions; The first discussion: It includes six sections in which the main sections of Surah Al-Ansan are discussed. The second discussion: It includes four sections in which the sub-sections of Surah Al-Ansan are discussed.

In the result, the dissertation is ended with conclusion, list of verses, list of hadiths, list of declarations, and the list of confiscated references.



Salam University  
Faculty of Sharia & Law  
Master program in tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan  
Ministry of Higher Education  
DM of Academic Affairs

## **Thematic interpretation of Surah Al-Ansan**

### **(Dissertation )**

**Student : Nooruddin (noorani)**

**Supervisor: Dr. Fasihullah(Abdulbaqi)**



**Salam University**  
**Faculty of Sharia & Law**  
**Master program tafseer & Hadith**



**Islamic Republic of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**

**Thematic interpretation of Surah Al-Ansan**  
**(Dissertation)**

**Student: Nooruddin (noorani)**

**Supervisor: Dr. Fasihullah (Abdulbaqi)**

**Year 1399 AN**